

کنشگران

Volunteer

Actors

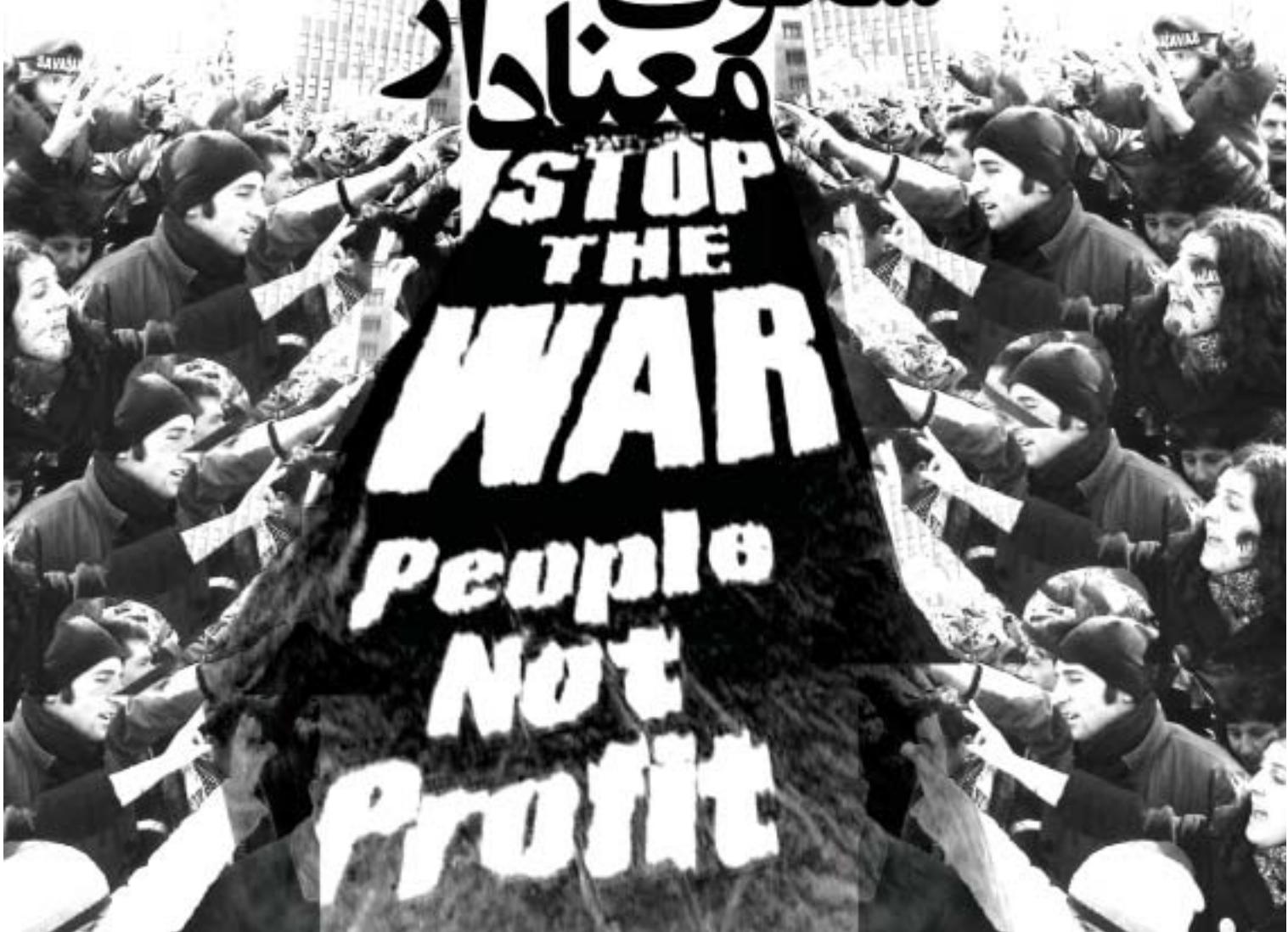
فروردين و اردبيلشيت ۱۳۸۲

۱۱۹۱۲

مرکز مطالعات و آموزش سازمان های جامعه مدنی ایران

چرا جامعه مدنی ایران
به جنبش ضد جنگ نپیوست

سکوت عنادار
STOP THE WAR
People NOT Profit



درویش

- ۱- انتشار داوطلب اندکی به تعویق افتاد. به هزار ویک دلیل، اول آنکه مشکل داشتیم به لحاظ مشکلاتی که وزارت کشور برای این مرکز پدید آورده است و ثانیاً به لحاظ مالی. در مورد مشکلاً اول در شماره بعد با شما سخن خواهیم گفت. ما همچنان مصمم هستیم برای ادامه انتشار. به خاطر همراهی های شما و بیازتابی که می دهید و عزم ما را جزو می کنید. قرار بود داوطلب ۱۷۰ در پایان فروردين منتشر شود، اما مشکلاتی که داشتیم کاررا به تاخیر انداخت. موضوع این شماره حول محور صلح و نقش سازمان های غیردولتی در برقراری صلح و فرهنگ آن در میان مردم است. بهانه کار هم جنگ ایالات متحده آمریکا با عراق بود که موج کسترهای ای اعتراف را در سطح جهان برانگیخت. اعتراضاتی که بیشتر توسط سازمان های جامعه مدنی شد. موضوع اصلی این شماره را صلح قرار دادیم که موضوعی جهانی است و بسیاری از سازمان های جامعه مدنی حول آن ائتلاف تشکیل می دهند و یکدیگر همکاری میکنند. هرچند در جامعه ایرانی این رویداد به دلایل مختلف انعکاسی نداشت. فاصله گرفتن از جنگ به ماکمک می کند تا برخی بتوانیم از نقش جامعه مدنی در حرکت های جهانی سخن بگوییم. نقشی که گویی در دنیا امروز اندک از مزه های نمایشی به واقعیتهای غرقابی کتمان و تاثیرگذار تبدیل می شود. این فاصله گرفتن همچنین می تواند به ماکمک کند در بررسی نقاط ضعف و قوی که ما را در همراهی و یا عدم همراهی با چنین وقایعی مردد می کند. این موضوع را این جهت مهم می دانیم که واکنش جامعه مدنی در ایران نسبت به رویدادهایی که به نوعی دغدغه های انسانی را تحیریک می کنند هم در سطح داخلی و هم در سطح بین المللی بسیار کند و بی رمق است. منتظر نظرات شما در این خصوص هستیم ۲- تغییراتی را در این شماره داوطلب هم در تکرنگ شدن و هم به لحاظ نوع صفحه آرایی مشاهده می کنید. به لحاظ محتوای البته تغییراتمن چندان نیست. اما می کوشیم در شماره های آتی وزن مطالب آموزشی را افزایش دهیم. سهم مطلب ترجمه اندک افزایش پیدا خواهد کرد. چرا که انتقال تجربه و دانش جهانی را در خصوص سازمان های جامعه مدنی مقوله ای مهم و سودمند تلقی می کنیم. امیدواریم با سبک و سیاق جدید داوطلب ارتباط برقرار کنید.
- ۳- همان طور که بارها نوشتی این داوطلب در انتخاب موضوعات خود به نظرات شما و موضوعاتی که به نظر می رسد طرحتش در حال حاضر می تواند برای سازمان های جامعه مدنی مفید باشد، نگاه جدی دارد. بنابراین ما را از نظرات خود برای انتخاب موضوعات اصلی خود بهرمند سازیم. مانند آنچه تاکنون بوده است.
- ۴- شماره بعدی داوطلب در خصوص ظرفیت سازی است. همان طور که مشاهده می کنید در یکی دو سال گذشته موضوع توئنمنسازی، آموزش، ترویج ادبیات و مهارت های لازم در سازمان های غیردولتی رواج زیادی پیدا کرده است. در این خصوص برای ما بنویسید و ارسال کنید.
- ۵- در چند شماره آینده یکی از موضوعات محوری ما در کنار موضوع اصلی پرداختن به ویژگی های آینین نامه فعالیت سازمان های غیردولتی است که اخیراً در هیات دولت به تصویب رسیده است. با توجه به همین موضوع تلاش خواهیم کرد که نقاط تاریک و آشکار آن را که در آینده می تواند حرکت سازمان های غیردولتی را از خود متأثر کند برسی کنیم. هم اکنون برخی از حوزه های نزدیک به سازمان های غیردولتی و فعالان این عرصه نسبت به برخی نارسانی های این آینین نامه هشدارهایی داده اند. باید دید سرنوشت آن در اجرای چه کیفیتی پیدا میکند. این هم موضوعی است که می توانیم در کنار هم مورد بررسی قرار دهیم.
- ۶- امیدواریم مانند شماره های قبل بتوانیم به وعده های یک ماهه خود برای انتشار وفادار بمانیم. با این وجود حتماً به سایت ما سر بزنید. درصدیم مجموعه شماره های داوطلب در یک سی دی برای علاقه مندانی که به شماره های پیشین دسترسی ندارند آماده کنیم. کارهای مقدماتی انجام شده و فقط تکثیر آن مانده است که تا این شماره به دست شما می رسد آن هم آماده خواهد شد.
- ۷- با ما در تماس و ارتباط باشید و به ما بگویید داوطلب را چگونه می خواهید.



سردیلر

صلح باید همه راههایی را که برای حل منازعه به شیوه غیرخشونت آمیز وجود داشت را در دستور کار قرار می داد همچنین این جنبش می باشد اختلافات و دسته بندیها را کار بگذارد و بر شکافهای موجود پل بزند، جنبش صلح می باشد که یک استراتژی بند مدت را طراحی نماید و برای آموزش و آگاه سازی مردم نیروهای خود را بسیج نماید و در نهایت مقاومت گسترده مردمی علیه جنگ جنگ طلبان را سامان دهد.

نکته دیگر آنست که جنبش جهانی صلح نتوانست خود به متابه یک رسانه عمل نماید. رسانه های گروهی در انصاریک الگارشی خاص می باشد که جنگ طبلان از آنها سود می بزند. جنبش کوتني صلح باید برای رسیدن به موقفيت از رسانه های بدیل استفاده نماید. گرچه در این جنگ بخشی از طرفداران صلح از اینترنت استفاده نمودند اما لازم است که صدای صلح طبلان به گوش عموم مردم بررس و نه فقط کسانی که به کامپیوتر و اینترنت دسترسی دارند از این روابط است که از شیوه های مختلف و حتی سنتی تر مانند اعلامیه و نیز بفره گیرند.

همه مترین ضعف جنبش جهانی صلح آن بود که تمام تلاش خود را بر متوقف کردن جنگ استوار نموده بود اما با آغاز جنگ و پایان یافتن آن دیگر برنامه ای برای عمل نداشت در حالیکه جنبش جهانی صلح باید تلاش کند برای تمام مراحل قبل، در دوران جنگ و بعد از آن برنامه داشته باشد و اکنون نگذارد امریکا و متحدینش عراق را به صورت یک مستعمره در بیاورند. حاملان جنبش جهانی صلح نباید مردم عراق را مانند مردم افغانستان فراموش کنند. اما بنظر می رسد که جنبش جهانی صلح کار خود را پایان یافته تلقی نموده و دوران سکون و رخوت را سپری می کند.

۴- در هنگامه ای که در اقصی نقاط جهان میلیون ها نفر در مخالفت با جنگ و جنگ طلبی به میدان آمده بودند در کشورمان گروه ها و نهادهای مدنی در خواب زمستانی "آرمیده" بودند هیچ حرکت و جوششی در آنها دیده نمی شد آنان حتی نظاره گر ماجراهی جنگ هم نبودند چرا؟ بنظر می رسد در زمانی که شیخ جنگ و گذار است جامعه مدنی و جامعه سازمانهای غیردولتی در حال ضعف و کم خونی مزمن پسر می بزند و هیچ برنامه ای برای عمل و اقدام در این عرصه نداشته و ندارند در حالیکه بسیج عمومی علیه جنگ و جنگ طبلان فرصت طبلی در اختیار جامعه مدنی و جامعه سازمانهای غیردولتی قرار داده بود تا بتوانند به ائتلاف جهانی صلح پیوند بخورند اگر دولتها بدليل وجود رابطه سلطه آمیز و آمرانه نمی توانند با یکدیگر مفاهیم و ارتباط باشد حداقل در سطح جامعه مدنی که عرصه آزادی و رهایی است می توانند با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. مفاهیم و گفتگویی که می توانند بدون لکن تزیان باشد و عنصری که منجر به مخدوش شدن کلام در جامعه مدنی می شود از پیش رو بردارند بنظر می رسد جامعه مدنی ایرانی برای ایفای نقش موثر در تحولات داخلی و منطقه ای باید به یک خانه تکانی اساسی بپردازد و از این رخوت و رکود مستولی شده بر آن خارج شود باید بدانیم که جامعه مدنی ضعیف نمی تواند حامل پروژه دموکراسی، دموکراتیک سازی، صلح در جامعه ایرانی باشد مهمترین پروژه فعالان نیروهای اجتماعی در شرایط فعلی تدوین استراتژی برای گذار از جامعه مدنی ضعیف به جامعه مدنی قوی است که این امر از یک طرف نیازمند داشت نظری است و از سوی دیگر ایجاد بستر و زیرساخت های مناسب برای عمل مدنی است.

درویش نشریه مرکز مطالعات و آموزش سازمان های جامعه مدنی ایران

مدیر مسئول: سهراب رزاقی
سردیلر: امید معماریان

دیر انگلیسی: سعید نشاط

تحریریه: مریم حسینخواه، نازلی شیخ الاسلامی، سحر فروزان، راحله شیراسب، فرزانه هفتانی، افسانه رحمتی
طراحی و احراء: مهرداد نراقی
نشانی مرکز: تهران، خیابان استاد مطهری، خیابان منصور، پلاک ۷۷، طبقه سوم
نشانی پستی: تهران صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۸۳۶۵
تلفن و نمایبر: ۸۸۵۶۸۴

جامعه مدنی ایرانی و خواب ذمستانی

سهراب رزاقی



۲- جنبش بزرگ ضد جنگ با اینکه تمام انژری و نیروی خود را صرف مقابله و مخالفت با جنگ طلبان کرد اما نتوانست ماشین جنگی آمریکا و متحده‌نش را متوقف نماید اگر از این منظر به موضوع بزرگیم طبیعی است که به این نتیجه برسیم که جنبش صلح در رسیدن به اهداف خود ناکام مانده است اما اگر بخواهیم تاثیر جنبش صلح را بهتر درک نکیم لازم است که از منظر دیگری به موضوع بزرگیم مهمترین دستاورده جنبش صلح مشروعیت زدایی از جنگ آمریکا علیه عراق بود اقدام جنبش ضد جنگ باعث شد انتلاف بین المللی جنگ را بشکند و امریکا و متحده‌نش بدون مجوز شورای امنیت اقدام به جنگ ننمایند.

این حادثه باعث شد که جنبش صلح فرست طلایی بسته آورد که هم از نظر توریک و هم بکارگیری ابزارها به خود سازمان پدیده بتواند برای رسیدن به اهداف بلند مدت ترش برنامه ریزی و گروهها و نیروهای اجتماع را بسیج نماید.

جنبس جهانی صلح در این حجم و گسترده‌گی اش باعث بالا بردن هزینه جنگ در نزد افکار عمومی شد و کمک مهمی به ایجاد موانعی در مقابل دخالات نظامی آینده جنگ طلبان کرده است این جنبش گرچه قادر و توان کافی برای بازداشت دولت بوش از شروع عملیات نداشته باشد اما بطور قطعی جنگ‌های آینده از هزینه بیشتری در نزد افکار عمومی و از حمایت به مراتب کمتری از سوی برخوردار خواهد بود چرا که دولت بوش ممکن است برای تضمین انتخاب مجدد خود در سال ۲۰۰۴ میلادی جنگ علیه کشور دیگری را تهی طریق بیاید.

۳- اما مسئله مهمتر آن است که چرا جنبش صلح نتوانست مانع از آغاز و تداوم جنگ علیه عراق شود.

یکی از برنامه‌های اصلی جنبش جهانی صلح، نافرمانی مدنی بود که قبل از شروع جنگ و در طول جنگ آن را اجرا کرد. اما این تجربه نشان داد که در رابطه با نافرمانی باید جنبش جهانی صلح محتاط باشد. اگرچه نافرمانی مدنی علیه یک اقدام غیرقانونی به لحاظ اخلاقی مشروع و اغلب استراتژیک و ضروری است اما این امر بدان معنی نیست که این عمل موثرترین و بهترین استراتژی است که در حال حاضر می‌توان از آن استفاده کرد.

برخی از تحالیگران معتقدند نافرمانی مدنی در برخی از اوقات می‌تواند باعث جدایی و بیگانگی حامیان با حاملان جنسش شود.

دو مین ضعف جنبش جهانی صلح عدم داشتن پیام روشن و شفاف بود. یک جنبش نمی‌تواند یک پیام طولانی و پیچیده را منتقل کند همه موضوعات و مسائل را به یک موضوع مانند صلح ارتباط دهد از این رو لازم است که جنبش همواره یک پیام روشن و شفاف داشته باشد حتی اگر یک جنبش بخواهد توجه عموم مردم را جلب و بر برنامه های عمومی در سطح ملی، بین المللی تاثیر بگذارد هرگز قادر نخواهد بود که پیام پیچیده و غیرشفاف را منتقل نماید.

سومین نقطه ضعف این بود که جنبش صرف برای مخالفت با جنگ شکل گرفته بود در حالیکه می‌باشد در مراحل مختلف برنامه روشن تری داشته باشد جنبش جهانی

۱- زمانیکه دولتها نتوانستند ماشین جنگی آمریکا علیه عراق را در مجتمع بین المللی مانند شورای امنیت و ... متوقف سازند میلیونها نفر از مردم اقصی نقاط جهان در اعتراض به جنگ و خشونت به خیابانها آمدند و جنبش بزرگ ضد جنگ را شکل دادند. جنبش صلح با بکارگیری روشها و ابزارهای کوتاه‌گون و نافرمانی مدنی در مخالفت با جنگ و بسیج گروهها و نیروهای اجتماعی فعال بود.

جنبس جهانی ضد جنگ دارای چند مشخصه مهم بود که این جنبش را از سایر جنبش‌های صلح در قرن بیستم تمایز می‌سازد.

اولین مشخصه جنبش فراگیر بودن آن است جنبش ضد جنگ توانست در مدت کوتاهی میلیونها نفر از گروههای مختلف اجتماعی را در سراسر جهان بسیج کند، جنبش نافرمانی مدنی را سامان دهد و انتلاف جهانی طرفداری صلح را شکل دهد.

دومین مشخصه جنبش جهانی صلح خود جوش و داوطلبانه بودن آن است، این جنبش سازمان یافته از سوی گروههای سیاسی نبود و هیچ یک از گروههای سیاسی نتوانستند آن به سمت خویش بکشانند، حاملان اصلی جنبش گروهها و نیروهای اجتماعی طرفدار صلح بودند و سازمانهای غیردولتی و جامعه مدنی نقش مهمی در بسیج مردم داشتند.

غیرایالولوژیک بودن سومین مشخصه جنبش بزرگ صلح بود این جنبش رنگ و بوی ایدئولوژیک نداشت و صرفاً اهداف انسانی و بشردوستانه را دنبال می‌کرد به همین خاطر توانست در مدت اندکی گروهها و نیروهای مختلف اجتماعی را علیه جنگ و خشونت بسیج نماید این جنبش بر عکس جنبش صلح خواهی دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی که بر مبنای دنیای دو قطبی سامان یافته بود اهداف غیرایالولوژیک و ... نفی خشونت و انسانی را دنبال می‌نمود.

چهارمین مشخصه، نقش جوانان و زنان در این جنبش بود که برای اولین بار حضور گسترده موثری در این عرصه داشتند. زنان و جوانان به این خاطر در این عرصه فعال بودند که نگران پیامدهای جنگ بودند و جنگ را عاملی برای تخریب منابع انسانی و مادی می‌دانستند. از این رو با فاصله گرفتن از بیگانگی و بی تفاوتی سیاسی برای ایفای نقش موثرتر در عرصه سیاست وارد شده و نافرمانی‌های بزرگ را سامان دادند.

در کنار این فعالیت‌ها، تاسیس دبیرخانه جامعه مدنی به عنوان بازوی اداری و اجرایی ITU در مشارکت دادن و اطلاع رسانی به گروه‌های ذینفع مطرح و تصویب شد و عضو از گروه‌های مختلف و مناطق جغرافیایی جهان با عضویت در این دبیرخانه و پذیرفتن نقش تماش وظیفه آماده سازی و پسیج نهادهای مدنی را برای مشارکت هرچه بیشتر در سومین اجلاس مقدماتی بر عهده گرفتند.

گروه کاری بررسی موضوعی و محتوایی که عملاً بین کلیه اجلاس‌های مقدماتی فعال بودنی نقش خود را حفظ کرده و مستولیت تهیه سندنهایی و ارائه به اجلاس جهانی را به عهده گرفت. این گروه به شکل مجازی (الکترونیک) در فاصله بین دو اجلاس به کار خود آدامه خواهد داد و کلیه گروه‌ها می‌توانند نظرات خود را برای درج در بیانیه نهایی به این گروه اعلام نمایند. در این اجلاس، به کلیه گروه‌ها و کشورها پیشنهاد شد که کلیه مطالب اجلاس را به افراد ذینفع و اعضای خود ارائه کنند و روند جهانی آگاهی رسانی را در این رابطه به انجام برسانند.

دبیرخانه جامعه مدنی نیز طی جلساتی مستمر، با ارزیابی روند فعالیت‌های نمایندگان جامعه مدنی، در رابطه با برنامه‌های آتی تصمیم گیری می‌نمود.

اهم تصمیمات دبیرخانه جامعه مدنی، بر محور حضور فعال در اجلاس بعدی، نحوه تامین مالی NGOs برای مشارکت در کنفرانس خبری، تسهیل گری در حضور نهادهای جامعه مدنی در اجلاس دولت‌ها و ارائه نظر استوار بود و اسنادهای نیز به همین جهت تدوین شد. در انتهای دورین اجلاس آماده سازی، با وجود کارشناسی بعضی دولت‌ها برای حضور جامعه مدنی و قبول نظرات ایشان، جامعه مدنی توانست در متن گزارش نهایی بهخشی از نقطه نظرات خود را به شکل مشروط وارد نماید و گروه کاری دولت‌ها نیز به این نظرات و پیشنهادات توجه کافی نمود.

نهادهای جامعه مدنی با حضوری فعال و منسجم، حضور خود را به ایات رساندند و به شکل سیار جدی در فرآیندهای تصمیم سازی برای جامعه اطلاعاتی جهانی مشارکت نمودند و سازمان ملل و دبیرخانه دولت‌ها و کشورهای غربی نیز از حضور جامعه مدنی پشتیبانی نمود.

بیان نظرات خود، سعی نمودند تا در بیانیه نهایی جامعه مدنی تاثیر گذارند.

کلیه این پیشنهادات طی یک فرآیند مباحثه‌ای در هفته دوم، در جلسات کاری موضوعی و محتوایی جامعه مدنی مطرح گردید.

گروه جامعه مدنی طی کاری منسجم و فشرده با دریافت نظرات گروه‌ها آنها را در متن پیش‌نویس بیانیه جامعه مدنی لحاظ می‌نمود و در فرصت‌های چند دقیقه‌ای که در جلسات دولتی در اختیار آنها گذاشته می‌شد، نظرات و حساسیت‌های جامعه مدنی را به اطلاع دولت‌ها می‌رساند.

برآیند تلاش‌های کمیته جامعه مدنی، تدوین بیانیه جامعه مدنی، اعلام نظر جامعه مدنی در مورد بیانیه دولت‌ها و برنامه عمل - نظر در مورد برنامه عمل دولت‌ها و ارائه آن در کنفرانس عمومی اجلاس بود.

به موازات این فعالیت‌ها جلسات عمومی جامعه مدنی، جلسات خانواده‌ها و گروه‌های منطقه به صورت سیار فشرده و مداوم، هر روزه در جریان بود. تائبست به اتخاذ مواضع مشترک و تعیین تاکتیک و استقرار گاری مناسب برای دولت‌ها و سایر اعضای جامعه مدنی اقدام نمایند.

۸- عراق فاقد نماینده در سطح اجلاس بود.

۹- اکریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان جامعه مدنی با آمادگی کامل و تجهیزات مناسب را به این نهادهای در سطح اجلاس حضور داشتند.

۱۰- مباحثی چون حقوق بشر، آزادی مطبوعات، قانون اینترنت، زنان، و تحصیل از موضوعات جدی و مورد توافق کلی در سطح اجلاس بود.

۱۱- بحث گرانی لوازم و ابرازها و فشار به کشورهای فقیر و جوامع عقب مانده در تهیه این نرم افزارها نگرانی جدی بسیاری از نهادهای جامعه مدنی بوده است.

۱۲- اسناد مهم و مطرح سطح اجلاس بر روی سایت‌های www.wsis.org و www.geneva2003.com قابل دسترسی می‌باشد.

۱۳- بحث کمی رایت بعنوان یکی از موانع اصلی گسترش دانش و آزادی اطلاعات بهخصوص در آمریکا مطرح گردید. تصمیمات دیوان عالی آمریکا در این مورد بسیار مورد اعتراض واقع گردید.

۱- سازمان بین‌المللی کار و مرکز بین‌الملل کنفرانس‌های ژئواز نهادهای اصلی این کنفرانس بوده‌اند.

۲- گروه ایران توانست به شکل محدودی از کمک مالی لازم برای حضور در اجلاس بهره‌مند گردد.

۳- هیات دولتی ایران عملاً در هفته دوم نقش فعالتری گرفتند در مباحثات شرکت نمودند.

۴- دولت پاکستان از عمدۀ کشورهای مخالف حضور جامعه مدنی بود.

۵- حضور بسیار جدی و فعالانه نهادهای غیر دولتی مجبوب، بویژه آمریکا و اروپای غربی در اجلاس و سطح بالای دانش و تسلط آنان به بحث بسیار چشمگیر و در خور توجه بود.

۶- بعضی نهادهای مدنی زنان و بخش جنوب شرقی آسیا و بخصوص جوانان به شکل جدی و موثری در فرآیند اجلاس نقش ایفا نمودند.

۷- در هیات دولت کانادا در سطح اجلاس، نمایندگان تعدادی از NGOs هم بعنوان نماینده آن کشور حضور داشتند.

در
نهادهای



گزارشی از اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی

امیرحسین برمکی

بین المللی در این زمینه را به عهده دارد، در سال ۲۰۰۱ با ارائه قطعنامه ۵۶/۸۳ و ۷۳ سال ۱۹۹۸ به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مجوز برگزاری اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی راخذ نموداین اجلاس طی دو مرحله ۱۲ - ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ در سوئیس و سپتامبر ۲۰۰۵ در کشور تونس برگزار می شود.

ایجاد دستیابی به ICT (تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات) برای کلیه ملت‌ها، توجه به ICT به عنوان یک ابزار برای توسعه اقتصادی اجتماعی بشریت بر اساس اهداف بین‌المللی هزاره (Millennium Goals) و ایجاد امنیت و آسایش در استفاده از ICT از جمله اهداف اصلی این اجلاس است.

اجلاس جامعه اطلاعاتی فرصت استثنایی را برای کلیه افراد ذینفع فراهم می آورد تا در کنار هم یک مفهوم بهتر و قابل درک تر را از انقلاب اطلاعاتی و اثرات آن بر جامعه بین المللی ایجاد نمایند. کلیه سران کشورها، بخش خصوصی، سازمان ملل و جامعه مدنی در این نشست ها شرکت خواهند داشت.

مرکز توامندسازی سازمان‌های جامعه مدنی با شرکت در دوین کنفرانس مقدماتی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی (زنو، ۱۷ - ۲۸ فوریه ۲۰۰۲) موفق شد به عنوان تنها نهاد مدنی ایران، منطقه خاورمیانه و غرب آسیا، با

.

عضویت در دبیرخانه جامعه مدنی اجلاس و پذیرفت نقش نقطه تماس (Focal Point) منطقه خاورمیانه و غرب آسیا، مقدمات حضور فعالانه نهادهای مدنی این منطقه را در سومین کنفرانس مقدماتی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی فراهم کند و با شرکت در کمیته محتوایی جامعه مدنی، تا حدودی نظرات و حساسیت‌های این بخش از جهان را در اجلاس مطرح نماید. آنچه در زیر می‌آید گزارشی از روند برگزاری اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی و اقدامات و برنامه‌های دوین کنفرانس منطقه‌ای این اجلاس است:

اتحادیه بین المللی ارتباطات ITU - وابسته به سازمان ملل متحد - که کنترل جهانی ارتباطات و مخابرات، هماهنگی بین دولت‌ها و تدوین و اجرای مقررات



فرآیند آماده سازی

به جهت دستیابی به نتیجه مناسب و همگانی و با توجه به نیاز کلیه بخش‌های جامعه جهانی به تبادل نظر پر امون نیازها و راه حل‌های موجود یک فرآیند آماده سازی (Preparatory Process) پیش‌بینی گردیده است. در این فرآیند سه اجلاس مقدماتی ۱ و ۲ و ۳ و کنفرانس‌های منطقه‌ای پیش‌بینی شده است، کنفرانس‌های منطقه‌ای و اجلاس منطقه‌ای ۱ و ۲ برگزار شده‌اند و اجلاس مقدماتی ۳، ۱۵ - ۲۶ سپتامبر در سوئیس برگزار می‌شود.



اقدامات و برنامه‌های اجلاس مقدماتی ۲

نهادهای مایل به مشارکت در فرآیند بین‌المللی و برنامه عمل پیشنهادی بوده است. در کنار این مذاکرات و تعاملات دیپلماتیک و به منظور هماهنگی مناسب اداری و لجستیکی در فرآیندهای بعدی سازمان ملل، دبیرخانه‌هایی در کنار جلسات عمومی شکل گرفت بهترین اتفاق در این مورد تشکیل دبیرخانه رسمی جامعه مدنی بود. این دبیرخانه، برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل، به منظور ایجاد هماهنگی های لازم برای اطمینان از حضور فعال جامعه مدنی در فرآیند اجلاس تشکیل شد.

در گروه‌های کاری بخش دولتی، از هر قاره ۶ کشور به عضویت گروه کاری درآمدند که ریاست آن به نماینده آفریقای جنوبی سپرده شد. این فرآیند در بخش جامعه مدنی نیز طی شد و یک کمیته باز برای مشارکت کلیه گروه‌های با تعدادی زیر کمیته موضوعی تشکیل شد. تمامی اعضای جامعه مدنی با توجه به علاقه و زمینه فعالیت خود به یکی از گروه‌های کاری با خانواده‌ها پیوستند و با

۴. جلسات کمیته محتوایی و موضوعی جامعه مدنی ۵. جلسات دبیرخانه جامعه مدنی و دبیرخانه دولت‌ها ۶. گروه‌های کاری مستقل و خانواده‌های وابسته در هفته اول اجلاس میز گروه‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی به منظور آماده سازی شرکت کنندگان در رابطه با جامعه اطلاعاتی برگزار گردید.

اینده جامعه اطلاعاتی، تأمین مالی در زیر ساخت‌های ICT دستیابی آزاد به دانش، فرهنگ، تنواع زبانی و زمینه محلی، امنیت و ICT، نیازهای گروه‌های ویژه، ظرفیت‌سازی، قالب سازی قانونی و محیط زیستی، کاربرهای ICT و خدمات آن، نقش گروه‌های ذینفع در مورد جامعه اطلاعاتی، مشارکت بر مبنای هدف، جوامع الکترونیک و مشارکت، جامعه مدنی و SIS از جمله موضوعاتی بودند که در این میزگردها و کارگاه‌ها بدان پرداخته شد.

از جمله مهمترین فعالیت‌های هفته اول، انتخابات گروه‌های جامعه مدنی و دولت‌ها برای تعیین کشورها و

به جهت ایجاد هماهنگی‌های لازم و ایجاد نظم در تعاملات موجود در اجلاس، ۳ گروه‌عمده کاری هیات دولت‌ها، هیات جامعه مدنی جهانی و بخش خصوصی با هماهنگی اتاق بین‌المللی بازارگانی، تشکیل شد. برنامه این اجلاس دو هفته‌ای به شرح زیر می‌باشد:

هفته اول:

- ۱- میزگردهای رسمی
- ۲- کارگاه‌های آموزشی
- ۳- جلسات روزانه دولت‌ها - برای انتخاب زیر کمیته ۲ کاری دبیرخانه دولتی
- ۴- جلسات روزانه جامعه مدنی - برای انتخاب کمیته محتوایی موضوعی و دبیرخانه جامعه مدنی

هفته دوم:

- ۱- جلسات عمومی دولت‌ها
- ۲- جلسات کاری زیر کمیته ۲
- ۳- جلسات عمومی جامعه مدنی



تشکیل کمیته‌های کاری جامعه اطلاعاتی

نشست بررسی چگونگی تشکیل کمیته کار اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی، ۳۰ فوریه ماه سال جاری با حضور نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی در مرکز توانمند سازی سازمان‌های جامعه مدنی برگزار شد.

در این نشست دکتر رزاقی، مدیر مرکز توانمند سازی با اشاره به انتخاب مرکز توانمند سازی به عنوان همانگ کننده منطقه خاورمیانه غرب آسیا در دبیرخانه اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی، گفت: اولین قدم ما تشکیل کمیته‌های کاری ایرانی و منطقه‌ای است و امیدواریم با تشکیل این کمیته‌ها بتوانیم، دستور کار منطقه‌ای برای حضور موثر و فعل در فرایند این اجلاس را مشخص کنیم.

در ادامه امیر حسین برمکی از برنامه ریزی مرکز توانمند سازی برای برگزاری اجلاس منطقه‌ای جامعه اطلاعاتی در غرب آسیا خبر داد و گفت: ما در صدد هستیم با برگزاری این اجلاس، یک برنامه عمل و بیانیه منطقه‌ای تهیه کرده و زمینه حضور فعال و موثر نهادهای مدنی منطقه را در سویین کنفرانس آماده سازی (ژنو) فراهم کنیم. وی پیشنهاد داد، سازمان‌های غیر دولتی با تشکیل پنج کمیته کاری جوانان، زنان، حقوقی، تکنولوژی و دسترسی به اطلاعات - بر اساس موضوعات مطرح شده در اجلاس ژنو - و ایجاد دبیر خانه‌ملی جهت پیگیری امور اداری و دبیر خانه‌ای، فعالیت‌های خود را بخطابه با جامعه اطلاعاتی را سازماندهی کنند.

سپس حاضرین به بحث پردازون چگونگی تشکیل کمیته‌های کاری پرداختند.

خسرو محمودی از انجمن حمایت و حفاظت از محیط زیست خوزستان، بیان اینکه براساس تقسیم‌بندی‌های جهانی، سازمان‌های غیر دولتی در سه محور توسعه پایدار و محیط زیست، هنجرهای اجتماعی و مقابله با ناهنجرهای اجتماعی فعالیت می‌کنند، پیشنهاد داد، کمیته‌های کاری بر اساس این سه موضوع فعالیت کنند و برای هر کمیته دبیرخانه مجزای تشکیل شود.

عباسعلی براتی از مجمع جهانی اهل بیت، تلقیقی از موضوعات مطرح شده در اجلاس ژنو و موضوعاتی که در ایران مورد توجه است را به عنوان محور کمیته‌های کاری معروفی کرد.

محبوبه عباسقلی زاده از موسسه فرزانه پیشرو نیز با اشاره با اینکه در این تقسیم‌بندی، زنان و جوانان به عنوان گروه‌های اجتماعی و مباحث حقوقی، تکنولوژی و دسترسی به اطلاعات به عنوان موضوعات مربوط به **IT**، با وجود تفاوت‌های کلی، در کنار هم مطرح شده‌اند، پیشنهاد داد، نماینده کمیته‌های زنان و جوانان در دیگر کمیته‌ها هم حضور داشته باشند و کمیته‌های کاری مسائل و چالش‌های منطقه‌ای را در اولویت قرار دهند.

در ادامه، سعید نشاط مدیر اجرایی مرکز توانمند سازی، گفت: موضوعاتی که در استاد اجلاس جامعه اطلاعاتی مورد تأکید قرار گرفته است، تغییر حقوقی پسر، توسعه پایدار انسانی، درونمای مردم سالاری در جوامع اطلاعاتی، کمک‌های فن‌آوری و ارتباطی برای توسعه اجتماعی، زنان، جوانان و... می‌تواند محور فعالیت کمیته‌های کاری قرار بگیرد.

امید معماریان مدیر اطلاع رسانی مرکز توانمند سازی نیز پیشنهاد داد، موضوعاتی تعیین شود و موضوعاتی زنان که در اجلاس ژنو مورد تأکید بود، به عنوان محور اصلی کمیته‌ها معرفی شوند و نظریه جوانان و چون دسترسی به اطلاعات، تکنولوژی و... زیر مجموعه این گروه‌ها قرار بگیرد.

خسرو منصوریان مدیر عامل انجمن احیای ارزش‌ها با تأکید بر توجه به شرایط ملی، خواستار این شد که سازمان‌های غیر دولتی همه نیروی خود را بصورت یک نیروی فشارمند کرده و از دولت بخواهد که نظرات آنان را در بینانیه اصلی اجلاس مطرح کند.

در ادامه امیر حسین برمکی پیشنهاد داد، دو کمیته اصلی بینانیه و برنامه عمل تشکیل شود و برای هر کمیته زیر شاخه‌های جوانان، زنان، دسترسی به اطلاعات، تکنولوژی و... تعیین شود. وی خاطر نشان کرد: این روش در تجربه‌های بین‌المللی بکار گرفته شده و روش موفق محسوب می‌شود.

سپس دکتر رزاقی با جمع بندی پیشنهادات ارائه شده، از حاضرین دعوت کرد تا کمیته‌های کاری را بر مبنای یکی از سه پیشنهاد زیر تشکیل دهند.

۱- پنج کمیته کاری بر اساس موضوعاتی که در اجلاس ژنو بر آنها تأکید شده است. (جوانان، زنان، حقوقی، تکنولوژی و دسترسی به اطلاعات)

۲- دو کمیته کاری با محوریت بینانیه و برنامه عمل

۳- نه کمیته کاری بر اساس موضوعات مطرح شده در استاد اجلاس. (توسعه، حقوق پسر، دموکراسی، دسترسی به اطلاعات، امنیت، تنوع زبانی و فرهنگی، ظرفیت سازی، زنان و جوانان)

در پایان، نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی، با توافق بر پیشنهاد سوم، در کمیته‌های کاری مورد نظرشان ثبت نام کردند و قرار شد پس از برگزاری اولین جلسه کمیته به دعوت مرکز توانمند سازی، کمیته‌ها فعالیت خود را بطور مستقل دنبال کنند و در پایان با یک جمع بندی نهایی و مشخص نمودن برنامه عمل، مقدمات حضور فعال و موثر نهادهای مدنی ایران را در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی فراهم نمایند.

با توجه به شرایط ملی،
سازمان‌های غیر دولتی باید
همه نیروی خود را بصورت
یک نیروی فشارمند کرده
و از دولت بخواهند
که نظرات آنان را در بینانیه
اصلی اجلاس جامعه
اطلاعاتی مطرح کنند.



تشدید شکاف دیجیتالی



به عنوان چارچوب پیشنهادی برای شرح وظایف گروه هماهنگ کننده منطقه خاورمیانه و غرب آسیا تعیین شده است رزاقی بر قراری تماس و ارتباط با نهادهای منطقه غرب آسیا و خاورمیانه، تشکیل دبیرخانه و کمیته کار، راه اندازی سایت اطلاع رسانی به زبانهای فارسی، انگلیسی و عربی و برگزاری نشست چهت ارائه گزارش دو میهن کنفرانس مقدماتی اجلاس به نهادهای مدنی منطقه را از جمله اقداماتی بر شمرده که باید قبل از برگزاری سومین کنفرانس مقدماتی اجلاس به انجام برسد.

در ادامه امیر حسین برمکی، از دیگر شرکت کنندگان در این اجلاس، با اشاره به شکاف اطلاعاتی که بین کشورهای جنوب و شمال ایجاد شده است، گفت: از جمله مسائلی که در این اجلاس مطرح شد، درخواست کشورهای جهان سوم از کشورهای جهان اول برای پرکردن این شکاف بود، چرا که اگر ما به عنوان کشوری که با این مشکل مواجه هستیم، در این اجلاس حضور مؤثر نداشته باشیم و سائل خاص خود را مطرح نکنیم، این عرصه را از دست داده ایم؛ برمکی با اشاره به نقش مؤثر جامعه مدنی در این اجلاس گفت: جامعه مدنی به عنوان یک بازیگر جدید تلاش می کرد، نقش مؤثری در تدوین و تنظیم مقررات و قواعد ایفا کند و علی الرغم مخالفت برخی کشورها نظری چین و پاکستان، بسیاری از دولتها از حضور جامعه مدنی استقبال کردند و امکان بیان نظرات و حساسیت‌های آنان را در جلسات عمومی فراهم نمودند.

وی از نمایندگان نهادهای مدنی دعوت کرد تا بر توجه به انتخاب مرکز توافقنامه‌سازی به عنوان هماهنگ کننده منطقه غرب آسیا در دبیرخانه این اجلاس، با تشکیل یک دبیرخانه در ایران، از این فرصت استفاده کنند و زمینه حضور فعال و مؤثر نهادهای مدنی ایران را در این اجلاس فراهم نمایند.

بیانیه اجلاس توکیو، معرفی اهداف و برنامه‌های اجلاس جامعه اطلاعاتی، گزارش اجلاس ژنو و توکیو و چارچوب پیشنهادی وظایف گروه هماهنگ کننده منطقه خاورمیانه و غرب آسیا از جمله استاندار بود که در این نشست در اختیار شرکت کنندگان گذاشته شد.

برای مطالعه استاد مربوط به این اجلاس می‌توان به سایت‌های

www.wsis.org
www.geneva2003.org
www.wsisisa.org

و سایت مرکز مطالعات و آموزش به آدرس :
wsis.irancsos.net مراجعه کرد.

در نشست بررسی دستاوردهای اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی، مرکز توافقنامه‌سازی، به عنوان تنها نهاد مدنی شرکت کننده از ایران در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی (سوئیس، ۱۷ - ۲۸ ژانویه) و هماهنگ کننده منطقه خاورمیانه و غرب آسیا در دبیرخانه جامعه مدنی اجلاس، گزارشی از دو میهن کنفرانس مقدماتی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی را به نمایندگان سازمان‌های جامعه مدنی ارائه داد و آنان را در جریان چگونگی شرکت در مراحل بعدی اجلاس قرارداد. دکتر رزاقی مدیر مرکز توافقنامه‌سازی سازمان‌های جامعه مدنی، در این نشست، با بیان اینکه امروزه با گسترش جامعه اطلاعاتی شکاف جدیدی به نام شکاف دیجیتالی در حال پیداوار شدن است که بر همه عرصه‌های زندگی در سطوح فرامی، ملی و محلی تاثیرگذارد و این شکاف از شکاف توسعه و دیگر شکاف‌ها خطرناک‌تر است. گفت: اگر در گذشته کشوری قاره‌نمایندگان مراکز اتصال مالی جهان را در اختیار داشت، امروزه در اختیار داشتن مراکز اتصال شبکه‌های ارتباطی معیار قدرت به حساب می‌آید و همه گروه‌ها و قدرت‌های بزرگ در تلاش برای در اختیار گرفتن مراکز اتصال شبکه‌های توافقنامه‌سازی، شاهد شکل‌گیری یک نظام و مناسبات جدید در عرصه جهانی هستیم و مقررات و قوانین گذشته کاریابی خود را برای تبیین پدیده‌های جدید از دست داده‌اند، گفت: شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی یکی از پیچه‌های مهم تاریخ و گذار از یک مناسبات و روند خاص به مناسبات و روند خاص به مناسبات و روند جدید است که قواعد و مقررات منحصوص به خود را می‌طلبند، که حضور مؤثر در تدوین این مقررات می‌تواند در آینده جوامع بسیار مهم باشد.

دکتر رزاقی افزود: برخلاف سایر اجلاس‌های تاثیرگذار در شکل‌گیری نظام جهانی، که فقط باحضور دولتها برگزار می‌شود، در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز وارد عرصه شده‌اند و تلاش می‌کنند در کنار دولتها این نظام جدید را طراحی و تدوین کنند. وی با اشاره به انتخاب مرکز توافقنامه‌سازی به عنوان هماهنگ کننده منطقه خاورمیانه و غرب آسیا در دبیرخانه این اجلاس گفت: این دبیرخانه موظف است هماهنگی لازم را برای اطمینان از حضور فعال جامعه مدنی در فرایند اجلاس به عمل آورد و در همین راستا تشکیل کنفرانس منطقه آسیا و خاورمیانه به جهت بررسی محظوظ تبادل نظر برای موضع گیری مناسب در مورد بیانیه و برنامه عمل اجلاس، شکل دهنده و فعل سازی شبکه اطلاع رسانی منطقه، تدوین و هماهنگی برنامه‌های منطقه‌ای برای آماده‌سازی فعل سازمانهای جامعه مدنی منطقه در اجلاس جهانی ایجاد دبیرخانه منطقه غرب آسیا و خاورمیانه و ارتباط و هماهنگی مناسب بین دبیرخانه دولتی و دبیرخانه جامعه مدنی در زمینه فعالیتهای آینده،



در اولین نشست دور سوم گفت و گوی اجتماعی بررسی شد:

راهکارهای اصلاح آئین نامه تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی

غیردولتی تهیه شده است، آئین نامه فعلی را مورد بررسی قرار دهیم و بند به بند آن را با پیش نویس خودمان تطبیق بدهیم.

دکتر رزاقی با استقبال از این پیشنهاد گفت: ما می توانیم با تشکیل یک گروه کاری، نظرات مان را در اصلاح این آئین نامه به مقامات ذی ربط انتقال دهیم. پیشنهاد دیگری که در این رابطه ارائه شد، از سوی دکتر محتشمی بود. از دیدگاه وی، چون این آئین نامه به تصویب دولت رسیده و مراکز استان ها و نیروی انتظامی نیز ابلاغ گشته است، مدت زمان این آئین نامه برای تئیجه دادن فعالیت های این جمع لازم است و با توجه به اینکه این آئین نامه بسیاری از فعالیت های جاری NGOs ایجاد می شود، مواجه می کند. و برای اینکه این آئین نامه بسیاری از فعالیت های جاری NGOs با مشکل موافق می گردید. در این قرارداد ماده ۱۸۲ برنامه سوم توسعه کشور، که اختیار تنظیم آئین نامه را به دولت می دهد، و برای اینکه این قانون در تکنگی مراحل طولانی تصویب در مجلس، شرایط نگهبان و... قرار نگیرد، وزارت کشور را موظف کرد که آئین نامه تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی را تنظیم و برای تصویب به هیات دولت بیاورد و در نهایت این آئین نامه در بهمن ماه سال گذشته به تصویب هیات دولت رسید. دکتر رزاقی در ادامه با بیان اینکه این آئین نامه به جهت ایجاد تمرکز در ثبت و اعمال نظارت حداکثری، برای سازمان های غیردولتی مشکل زا خواهد بود، گفت: سعی می کنم این است که با بررسی دقیق این آئین نامه و رسیدن به یک توافق در بین سازمان های غیردولتی اقدامات لازم برای اصلاح آن را به النجام رسازیم.

پیشنهاد سومی که در این رابطه ارائه شد، تشکیل گروه کاری به منظور بررسی هرگونه اقام در رابطه با این آئین نامه بود. بر مبنای این پیشنهاد، قبل از هر اقدامی باید آئین نامه به دقت بررسی شود و سپس تصمیم گرفته شود که آیا وضعیت قبلی و بی قانونی بهتر است یا نهاده این آئین نامه یک گام به جلو محاسبه می شود و می توان آن را اصلاح کرد. در ادامه امید معماریان پرسید: آیا امکان این که دولت بر اثر فشار سازمان های غیردولتی، اصلاح اینکه این آئین نامه حقیقت دارد، وجود دارد؟

دکتر رزاقی در پاسخ به آن گفت: البته، چرا که اعمال فشار به دولت یکی از کارکردهای اصلی جامعه مدنی است و در باره این موضوع که به حیات و ممات سازمان های غیردولتی مستثنی نباشد، جامعه مدنی باید نهایت تلاش خود را برای تاثیرگذاری به کار گیرد.

سپس منیر همایونی دبیر شورای گسترش صلح برای کودکان، با تأکید بر اینکه در تشکیل گروه کاری نباید به چند NGO ای که در اینجا حضور دارند اکتفا کیم، گفت: این جمع به تهابی توان به سرانجام رساندن این کار ندارد و باید سایر سازمان های غیردولتی را نیز با خود همراه کنیم.

بهادرخت رشدیه مدیر موسسه رشدیه، نیز با استقبال از تشکیل کمیته کاری، پیشنهاد داد که این کمیته کار اصلاح آئین نامه و پیگیری شکایت برای ابطال آن را به طور همزمان در برنامه خود داشته باشد.

نکته دیگری نیز که مورد توجه گیتی شامبیاتی از گروه نوآوران پارس قرار گرفت، در این قرارداد ماده ۱۸۲ توانی که زیر ساخت های زندگی مدنی و مطالعه قوانین سایر کشورها درباره سازمان های غیردولتی بود.

امید معماریان نیز با اشاره به اینکه تقویت زیر ساخت ها و تهیه ادبیات نباید مانع از فعالیت های اجرایی مانع شود، گفت: فعالیت در رابطه با قانون، مسئولیت اجتماعی مانع نسبت به سرنوشت مشترکی است که این آئین نامه برآن تاثیر گذارد. آئین نامه خاطر نشان کرده اینکه این آئین نامه با قانون نیز نهایت نظرات شرکت کنندگان در نشست، پیگیری های حقوقی، آگاهسازی و لایحه گزینی را به عنوان زیر شاخه های کمیته کاری پیشنهاد کرد و گفت: مجموع این سه گام می تواند بر نامه عمل مدار این کمیته باشد.

در این میان پیشنهاد دیگری از از سوی دکتر ویکتوریا جمالی از انجمن زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست مبنی بر پیگیری اصلاح قانون از طریق مجلس شورای اسلامی، مطرح شد، که به دلیل زمان بر بودن آن مورد قبول نمایندگان سازمان های غیردولتی قرار نگرفت.

در نهایت، با توافق حاضرین در نشست بر سر تشکیل کمیته کاری با محوریت سه موضوع پیگیری های حقوقی، آگاهسازی و لایحه گزینی به دخالت رشدیه، دکتر حسن محتشمی، دکتر پدرام موسوی، دکتر سهراب رزاقی، گیتی شامبیاتی، منیر همایونی، محبوبی عباسقلیزاده، امید معماریان، ویکتوریا جمالی، عفت موذنی و رضا اندریایی به عضویت کمیته کاری بازنگری و اصلاح آئین نامه تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی در آمدند.

در اولین نشست دور سوم گفت و گوی اجتماعی، که ۸ اردیبهشت سال جاری در مرکز توامندسازی سازمان های جامعه مدنی برگزار شد، نمایندگان سازمان های غیردولتی پیرامون آئین نامه تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در این نشست دکتر سهراب رزاقی مدیر مرکز توامندسازی توضیحاتی درباره تاریخچه این آئین نامه و نحوه تصویب آن ارائه کرد، وی گفت: پس از مباحثی که در بین سازمان های غیردولتی و دولت در رابطه با قانون سازمان های غیردولتی مطرح شد، دولت با مبنای قرارداد ماده ۱۸۲ برنامه سوم توسعه کشور، که اختیار تنظیم آئین نامه را به دولت می دهد. و برای اینکه این قانون در تکنگی مراحل طولانی تصویب در مجلس، شرایط نگهبان و... قرار نگیرد، وزارت کشور را موظف کرد که آئین نامه تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی را تنظیم و برای تصویب به هیات دولت بیاورد و در نهایت این آئین نامه در بهمن ماه سال گذشته به تصویب هیات دولت رسید. دکتر رزاقی در ادامه با بیان اینکه این آئین نامه به جهت ایجاد تمرکز در ثبت و اعمال نظارت حداکثری، برای سازمان های غیردولتی مشکل زا خواهد بود، گفت: سعی می کنم این است که با بررسی دقیق این آئین نامه و رسیدن به یک توافق در بین سازمان های غیردولتی اقدامات لازم برای اصلاح آن را به النجام رسازیم.

سپس دکتر حسن محتشمی پژوهشگر امور سازمان های غیردولتی، با اشاره به شکایت نیروی انتظامی از مصوبه شماره ۱۴۰۵۵/۷/۲/۱۳۷۸ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲/۱۳۷۸ شرعاً معتبر اداری در آغاز خود تا هنگامی که ماده ۵۹۵ قانون تجارت تأکید می کند، "بر اساس قوانین" و بدین جهت تا هنگامی که ماده ۱۸۲ برنامه توسعه نیز در آغاز خود تأثیرگذارد، گفت: در مورد این آئین نامه هم، امکان شکایت اداری، که به ابطال آن آئین نامه انجامید، نیز در مورد این آئین نامه هم، امکان شکایت نیروی انتظامی یا مراجع دیگر وجود دارد، چون ماده ۱۸۲ برنامه توسعه نیز در آغاز خود تأثیرگذارد، گفت: در اینجا حضور دارند اکتفا کیم، گفت: این آئین نامه های نظیر آن مغایر قوانین جاری تلقی شده و دیوان عالی آن را بر اساس شکایت هر مرتعی، نقض می کند.

دکتر رزاقی در این رابطه گفت: البته از لحظه حقیقی به حکم دیوان عدالت اداری نقد های جدی وارد است، و از طرفی دیوان عدالت اداری در مورد قانون احزاب که در سال ۶۰ تصویب شد. و آن هم با قانون ثبت شرکت های غیرتجاری مغایرت داشت. سکوت کرد، ولی در هر حال ما می خواهیم، صرف نظر از امکان شکایت از این آئین نامه هم و لغو آن، دیدگاه خودمان را به عنوان سازمان های غیردولتی در مورد این آئین نامه مورد بررسی قرار دهیم و آن را منعکس کنیم و انتظارمان از دولت اصلاحات این است که حداقل تسهیل کننده ما باشد.

امید معماریان مدیر اطلاع رسانی مرکز، نیز درباره امکان شکایت و در نهایت ابطال این آئین نامه خاطر نشان کرد: نیروی انتظامی با کلیت ماجرا مشکل ندارد و فقط می خواهد سهم خودش در ثبت و نظارت بیشتر شود.

در ادامه، دکتر رزاقی در پاسخ به سوال دکتر فرشته قشقایی از انجمن فارغ التحصیلان دانشگاه الزهرا، درباره چگونگی مراحل تنظیم این آئین نامه، گفت: در سال ۱۳۸۰، یک گروه ۳۳ نفره از سازمان های غیردولتی با همکاری دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، پیش نویسی برای قانون سازمان های غیردولتی تهیه کردند که در مراحل بعدی آن پیش نویس در وزارت کشور با تغییراتی روپردازد، در آن پیش نویس نظارت بر NGOs حداقلی بود، شهرداری ها به عنوان مرجع ثبت تعیین شده بودند و هیچ الزامی برای به ثبت رساندن سازمان های غیردولتی وجود نداشت. آن پیش نویس به دولت ارائه شد ولی دولت به استناد ماده ۱۸۲ برنامه توسعه، تصویب آئین نامه را کافی دانست و این پیش نویس کار گذاشته شد و در نهایت وزارت کشور با مبنای قرارداد پیش نویسی که در دفتر امور اجتماعی وزارت کشور تهیه شده بود، آئین نامه فعلی را برای تصویب به هیات دولت برداشت.

سپس دکتر قشقایی پیشنهاد داد، با مبنای قرارداد پیش نویسی که توسط خود سازمان های غیردولتی تهیه شده بود، شهید را به عنوان مرجع ثبت تعیین شده بودند و هیچ الزامی برای به ثبت رساندن سازمان های غیردولتی وجود نداشت. آن پیش نویس به دولت ارائه شد ولی دولت به استناد ماده ۱۸۲ برنامه توسعه، تصویب آئین نامه را کافی دانست و این پیش نویس کار گذاشته شد و در نهایت وزارت کشور با مبنای قرارداد پیش نویسی که در دفتر امور اجتماعی وزارت کشور تهیه شده بود، آئین نامه فعلی را برای تصویب به هیات دولت برداشت.



روی آنتن

حضور کمنگ سازمان‌های غیردولتی زنان در اعتراض به جنگ

سازمان‌های غیردولتی زنان، در فرآخوانی زنان ایرانی را به تجمع در مقابل دفتر سازمان ملل متحد برای «حمایت از انتلاف جهانی برای صلح و اعتراض علیه جنگ در منطقه» دعوت کردند. این تجمع ۲۵ اسفندماه ۱۳۸۱ برگزار شد و با وجود اینکه ۵۰ سازمان غیردولتی بیانیه این مجمع را امضا کرده بودند، تنها ۱۰۰ نفر از اعضای سازمان‌های غیردولتی و زنان طرفدار صلح در آن شرکت کردند. نزدیکی به سال نو، نبود سازماندهی و تبلیغات مناسب و نبود اتفاق نظر درباره بیانیه از جمله علل حضور اندک زنان در این تجمع عنوان شده است.



میزگرد مراسم نوروز در میان اقوام ایرانی

جمعیت تخت جمشید (ایران‌شناسان جوان) به منظور شناخت و بررسی آداب و رسوم، آیین، سنت و باورهای مربوط به نوروز در میان مردم مناطق مختلف ایران، میزگردی را باحضور کارشناسان و متخصصان جوان در اسفندماه ۱۳۸۱ برگزار نمود. در این میزگرد، اشعار نوروزی (نوروزخوانی)، مراسم چهارشنبه سوری، مؤلفه‌های نوروزی (حاجی فیروز، سفره هفت سین)، وسایل و اسباب جشن نوروزی، برگزاری مراسم سرکشی به قبور در گلستانکان، آینین تحويل سال، مراسم سیزده بدر و اعتقادات مردم استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، خراسان، مازندران، گیلان، فارس، چهار محال و بختیاری و کردستان در نوروز مورد بررسی قرار گرفت.

آموزش به مادران جوان

انجمن حمایت و پاری آسیب‌دیدگان اجتماعی (احیا ارزش‌ها)، طرح، آموزش حل تعارضات و شیوه‌های سازنده برقراری ارتباط بین فردی و راهبردهای مقابله با استرس را در اسفندماه ۱۳۸۱ برگزار کرد.

این طرح به منظور آموزش مادران دارای فرزند محصل مقطع ابتدایی مدارس جنوب شهر تهران جهت مقابله با استرس و حل تعارضات به اجرا درآمد. ارتقای سلامت روانی مادران دانش آموزان به منظور ارتقای سلامت روانی کودک و خانواده، بهبود روابط فردی مادر با سایر اعضای خانواده و افزایش خودبایوری و سطح روابط اجتماعی، کاهش استرس‌های خانوادگی و افزایش آرامش در محیط خانواده و ارتقای سطح تربیتی فرزندان به دلیل بهبود وضعیت ارتباطی مادر با کودک، از جمله اهداف این طرح است.

در این طرح ۳۵۰ نفر از مادران مدارس جنوب شهر تهران طی ۶۰ ساعت، مفاهیم موردنظر را آموزش دیدند. نتایج آماری حاصل از اجرای طرح مذکور در اسفندماه ۱۳۸۱ به صورت کتابی تحت عنوان «آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط سازنده با دیگران و کاهش استرس در زنان - در مناطق جنوب شهر تهران» منتشر شد.

کمیته کمک به آوارگان عراقی آغاز به کار کرد

کمیته هماهنگی برای کمک به آوارگان همزمان با شدت گرفتن بحران عراق آغاز به کار کرد.

این کمیته که در چارچوب کمک‌رسانی به زنان و کودکان در زمینه بهداشتی، تغذیه، ارتقا‌آگاهی آموزش خطرات ناشی از میں و... فعالیت می‌کند، سعی دارد از مشارکت‌های مردمی، حضور سازمان‌های غیردولتی و پتانسیل نیروی انسانی برای کمک به زنان و کودکان عراقی، بویژه در شمال غربی کشور استفاده کند.

این کمیته مشکل از ۵ سازمان غیردولتی انجمن حمامی، خیریه فاطمه‌الزهرا بیانیه توحید و انجمن پژوهشکان کودکان است و رایزنی با دولت در زمینه گسترش فعالیت‌ها و خدمات رسانی به آوارگان را آغاز کرده است.

برای اولین بار در ایران صورت می‌گیرد:

آموزش رایانه با نرم افزار گویا برای نابینایان

دوره آموزش رایانه به نابینایان برای اولین بار در ایران برگزار می‌شود. در این دوره آموزشی که از ۲۸ فروردین ماه سال جاری به مدت بیانش و هنر و بنیاد کودک آغاز شده است، نابینایان روش‌های کار را برای این نرم افزار گویای «تار او» آموزش می‌بینند، این نرم افزار به سفارش بنیاد هنر و دانش، توسط مختص‌دانشگاه صنعتی شریف تهیه شده است و با گویا نمودن یغام‌های رایانه و ارائه اطلاعات صفحه نمایش به صورت گویا، امکان استفاده از رایانه را برای نابینایان فراهم می‌کند.

در اولین مرحله این طرح که در مجتمع آموزش نابینایان نرجس برگزار می‌شود، ۳۰ نفر از مردم مجتمع‌های نابینایان نرجس، خزانه‌علی و محبی کار را برایانه را آموزش دیده و در مراحل بعدی آموخته‌های خود را به دانش آموزان انتقال می‌دهند.

کارشناسان این پروژه، با تهیه نوارهای کاست و سی‌دی‌های آموزشی و قراردادن «نرم افزار تار او» در سایت <http://vip.saf.ir> امکان آموزش غیر حضوری کار را برایانه را نیز برای نابینایان فراهم آورده‌اند.

بنیاد دانش و هنر که یک سازمان غیر دولتی فعال در زمینه اشاعه فرهنگ فن آوری اطلاعات و ارتباطات در بین دانش آموزان و جوانان است، تاکنون با استفاده از کمک‌های مردمی به پنج مجتمع نابینایان در تهران و شهرستان‌ها تجهیزات رایانه‌ای اعطای کرده است و در صدد است که دوره‌های آموزشی کار را برایانه و آشنازی با اینترنت را برای دانش آموزان این مدارس برگزار کند.



NGO‌های مستقل ایران در حاشیه‌اند

گفتگو با فیلیپ دوو، نایب رئیس UNDP در تهران



فیلیپ دوو نایب رئیس برنامه عمران ملل متحد UNDP در تهران، در نشستی مشترک با نمایندگان سازمان‌های غیردولتی - که به دعوت UNDP برگزار شد - راهکارهای کاهش تبعات جنگ عراق در ایران را مورد بررسی قرار داد. در حاشیه این نشست با وی در رابطه با نقش UNDP در جنگ عراق و چگونگی همکاری‌های دوجانبه بین UNDP و NGOs گفتگو گردید.

برنامه عمران ملل متحد چه برنامه‌ای را برای کاهش تبعات جنگ عراق در نظر گرفته است و سازمان‌های غیردولتی چه نقشی را می‌توانند در این زمینه ایفا کنند؟
شرح وظایف UNDP به گونه‌ای است که فعلیت‌های آن فقط به مردم ایران اختصاص می‌یابد و مشکلاتی که در رابطه با پناهندگان پیش می‌آید به UNHCR مربوط می‌شود، در مورد امدادرسانی و زنان و کودکان آواره نیز، آژانس‌های دیگر UN مستول هستند. UNDP با دولت ایران و برای مردم ایران کاری کند و فعالیتی که در رابطه با جنگ به انجام می‌رساند، اجرای پروژه‌هایی در شهرهای مرزی ایلام و کرمانشاه برای کاهش اثرات منفی جنگ بر مردم آن مناطق است و اصولاً خدمات دهی به خارج از مرزها جزو وظایف UNDP نمی‌باشد. UNDP تأثیر اقتصادی و اجتماعی این جنگ بر ایران و مردم ایران را بررسی می‌کند و در زمینه می‌تواند از مشکلات NGOs نیز استفاده کند. به همین جهت مaprojekte‌های خود را در رابطه با جنگ در استان‌های غربی ایران متمرکز کرده‌ایم و سعی داریم مشکلاتی که مین‌گذاری‌های این جنگ و جنگ هشت ساله ایران و عراق در این مناطق بوجود آورده و همچنین تاثیر آوارگان عراق بر زندگی مردم نواحی مرزی را بررسی کنیم.

ایا UNDP گسترش همکاری با سازمان‌های غیردولتی و رسیدن به یک زبان مشترک بین این دو بخش را در دستور کار خود قرار دارد؟

UNDP سعی دارد که برنامه‌های مشترک خود با سازمان‌های غیردولتی را گسترش دهد و خصوصاً علاوه‌بر همکاری با سازمان‌های غیردولتی شهرستان‌ها است. ولی متناسبه ما برای هر برنامه‌ای که می‌خواهیم در شهرستان‌ها اجرا کنیم، باید با مقامات استانی ملاقات داشته باشیم و چگونگی برنامه‌ها، اهداف و... را برای آنان به طور کامل شرح بدیم و در حقیقت دلیل مقاومتی که از سوی مستولان استانی در این زمینه وجوددارد، روند همکاری‌های دوجانبه ما مشکل مواجه می‌شود.

چه معیارهایی را برای همکاری با سازمان‌های غیردولتی در نظر می‌گیرد؟ واقعیتی که در ایران وجود دارد این است که بسیاری از NGOs در واقع NGO نیستند و به نوعی به دولت و مقامات محلی وابسته‌اند، سازمان‌های غیردولتی هم که مستقل هستند در حاشیه‌اند و عملاً نمی‌توان از موقوفیت آنها در انجام پروژه‌ها اطمینان داشت. به همین جهت برای UNDP شکل است که بر جه مبنای همکاران خود را از میان سازمان‌های غیردولتی انتخاب کند. ضبطه و معیار UNDP در همکاری با سازمان‌های غیردولتی استقلال و غیردولتی بودن آنها است، ولی با توجه به شرایط ایران هم اکنون ماتوانی‌های NGOs و طرح‌های پیشنهادی از سوی آنها را مبنای همکاری‌های دو جانبه قرار داده بهم‌چند سال گذشته تشکیل شده‌اند و UNDP برای همکاری با این تعداد زیاد سازمان‌های غیردولتی باید یک سیاست جدید را پیش بگیرد.

زمینه محیط زیست فعال هستند و کمتر به زمینه‌های دیگر مثل جامعه مدنی، حقوق پسر و... توجه دارند، وی افروز: انگیزه ما در همکاری با NGOs بسیار جدی است و مایلیم با گسترش زمینه‌های همکاری دوچانه، به جای استفاده از نظرات کارشناسان و مشاوران سازمان ملل از نظرات سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های مختلف استفاده کیم و در همین راستا در پروژه‌ای که در سال ۲۰۰۲ در وزارت کشور به انجام رسانده‌ایم، کمک به دولت در مورد شفاف‌کردن سازمان‌های غیردولتی و گسترش این سازمان‌ها را موردن توجه قرار دادیم.

سپس باقی نمازی، مدیر عامل مؤسسه همیاران غذا با اشاره به نادیده گرفته شدن نقش سازمان‌های غیردولتی ایران در رابطه با آوارگان جنگی گفت: در سال گذشته ایران میزبان دو نیم میلیون آواره بوده است و تنها ۱۱ میلیون دلار کمک دریافت کرده و این در حالی است که به پاکستان با همین تعداد آواره ۵۰۰ میلیون دلار کمک شده است.

وی با تأکید بر این که ما از آژانس‌های ملل متحد کمک مالی نمی‌خواهیم گفت: انتظار ما این است که UNDP در جهت ظرفیت سازی سازمان‌های غیردولتی اقدام کنند.

دکتر سهراب رزاقی، مدیر مرکز توانمندسازی سازمان‌های جامعه مدنی نیز حکومتگری بد(bad Governance) در UNDP و دولت را یکی موانع همکاری‌های مایبین‌دانست و پیشنهاد کرد که سازمان‌های غیردولتی در تمامی مراحل طراحی و اجرای برنامه‌ها حضور داشته باشند.

وی افروز: با وجود توافق آژانس‌های UN در نشست‌های گفتگوهای اجتماعی مرکز توانمندسازی مبنی بر در اختیار گذاشتن اطلاعات مربوطه، جهت انعکاس در سایت مرکز آژانس‌های UN تاکنون بر این تعهد خود عمل نکرده‌اند و مانع ناسیه ایم حلقة ارتباطی بین NGOs و UN را ایجاد کنیم.

رزاقی با تأکید بر اینکه آثار انسانی جنگ به مراتب مهم‌تر از آثار اقتصادی است پیشنهاد کرد که مسائل مربوط به تبعات انسانی در اولویت کاری قرار بگیرند. در ادامه، دکتر پدرام موسوی، مدیر عامل انجمن تنظیم خانواده با انتقاد از شفاف نبودن برخی از آژانس‌های UN، گفت، مایلیم که بتوانیم در جلسات UN و NGOs دولت حضور داشته باشیم و در مقابل، نمایندگان دولت نیز در جلساتی که UN برگزاری کنند شرکت نمایند. وی با اشاره به شرایط بحرانی منطقه، پیشنهاد کرد که UNDP برنامه‌ای را برای ظرفیت سازی NGOs جهت چگونگی مقابله با بحران‌ها در نظر بگیرد.

فیلیپ دوو، پس از شنیدن سخنان نمایندگان سازمان‌های غیردولتی گفت: ما سعی خواهیم کرد با افزایش کاتالوگ ارتباطی و ارائه اطلاعات بیشتر به سازمان‌های غیردولتی، همکاری با این سازمان‌ها را گسترش دهیم، وی اظهار امیدواری کرد که مرکز توانمندسازی سازمان‌های جامعه مدنی که بر اساس توافق سه جانبه UNDP دولت جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های غیردولتی شکل گرفته است، به عنوان نقطه تماس NGOs و UNDP قرار بگیرد.

دوو در رابطه با جلسات مشترک بین NGOs، آژانس‌های UN و دولت گفت: در برخی موارد تشکیل این جلسات مشترک دشوار است و از سوی دیگر، طرف اصلی ما دولت است ولی با این وجود ما سعی خواهیم کرد که اطلاعات مورد نیاز سازمان‌های غیردولتی را به آنها انتقال دهیم و حضورشان را در این روابط پر نگ نمائیم.

در ادامه نشست ژان پل گوگلز، کارشناس برنامه عمران ملل متحد با اشاره به «پروژه توانمندسازی جامعه ملی» گفت: این پروژه در مورد تأثیرات سویحران عراق بر روی جوامع زیست محیطی است و مخاطبان آن کسانی هستند که بیشترین صدمه را از این بحران دیده‌اند.

وی با اینکه این پروژه در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی است گفت: مایلیم که این پروژه را با همکاری سازمان‌های غیردولتی و خصوصاً سازمان‌های غیردولتی زنان به انجام برسانیم.

در نشست مشترک سازمان‌های غیردولتی و برنامه
عمران ملل متحد بررسی شد:



چگونگی تسهیل ارتباط میان NGO's UNDP

نمايندگان سازمان‌های غیردولتی و برنامه عمران ملل متحد در يك نشست مشترك، راهكارهای کاهش تبعات جنگ در عراق بر ايران را بررسی کرده و به بحث پيرامون چگونگي تسهيل ارتباط ميان سازمان‌های غيردولتني ايران و برنامه عمران ملل متعدد در تهران پرداختند. در اين نشست که ۱۹ فروردين سال جاري، به دعوت برنامه عمران ملل متعدد در ايران برگزار شد، فيليپ دوو نايپ رئيس UNDP در ايران با اشاره به اقدامات برنامه عمران ملل متعدد در رابطه با جنگ عراق گفت: ما به سازمان‌های غيردولتني به عنوان شركا و همكاران خود نگاه مي‌کنیم و اميدواريم که توانيم از تجارب اين سازمان‌ها در زمينه جنگ و تبعات آن استفاده کنیم.



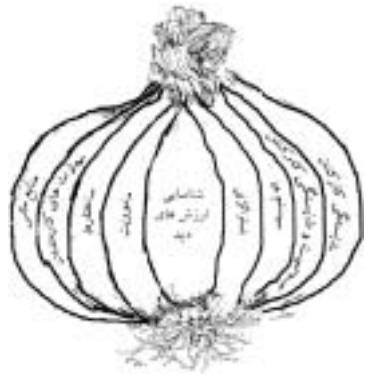
وي بررسی ميزان خسارات وارده از جنگ بر مناطق مرزی ايران، تاثير بحران عراق بر محیط زیست، مستله پناهندگان، میں یابی و میں زدایی را از جمله زمینه‌های کاری UNDP در رابطه با جنگ عراق عنوان کرد و گفت: «با توجه به اعلام آمادگی بسياري از سازمان‌های غيردولتني ايران در رابطه با همکاری در کاهش تبعات جنگ و نزديكي شما به محل بحران، می‌توانيم همکاری‌های دوجانبه‌ای را در اين زمینه‌ها داشته باشيم».



در ادامه فاطمه اشرفی، از انجمن حمایت از زنان و کودکان آواره با اشاره به تجارب سازمان‌های غيردولتني ايران در جنگ‌های افغانستان و عراق و آمادگي بسياري از NGOs ايران در زمينه مسائل بهداشتی، آموزشي، پناهندگان، آوارگان و فقرزاداي گفت: متاسفانه با وجود اين سطح از تجربه و تواناني، ما توانسته‌ایم همکاری مناسبی با بخش‌های مختلف سازمان ملل داشته باشيم و ارتباطات ما به گونه‌ای بوده است که نمي‌دانيم تاچه‌حد می‌توانيم به آزاس‌های UN اعتماد کنیم، برنامه‌های خود را در اين زمينه به آنها ارائه‌نمائيم و انتظار همکاری از طرف آنها داشته باشيم.



فيليپ دوو با بيان اينکه ما همکاری‌های گسترده‌ای با سازمان‌های غيردولتني ايران داشته‌ایم و تاکنون ۱۸ پروژه را با همکاری سازمان‌های غيردولتني در قالب برنامه کوچک محیط زیست GEF به انجام رسانده‌ایم گفت: به نظر مى‌رسد سازمان‌های غيردولتني ايران بيشتر در



پیازها همواره از درون رشد می‌کنند - درست مانند الگوی «سلسله مراتب شایستگی‌ها» که توسط آلن فولر طرح شده است - نمی‌توان از لایه‌ای بیرونی شروع کرد. کلید کار در قلب سازمان است. پول دادن به سازمانی که فاقد انگیزه صحیح برای فعالیت است، هدر دادن منابع است. آموزش کارکنان نسبت به مهارت‌های جدید - اگر فاقد تعهد به توسعه باشند - باعث افزایش ظرفیت سازمان نمی‌شود. اگر سیک آمرانه مدیریت، با اهداف سازمان درخصوص مشارکت مردمی در تضاد باشند، هرگز بهبود نظام‌های مدیریتی، باعث تغییر در آن سازمان نمی‌شود.

بنابراین اگر بخواهیم که ظرفیت یک سازمان را (که با ظرفیت سازی در سطح فردی متفاوت است) افزایش دهیم، باید نسبت به تمام آنچه که ظرفیت سازمانی را در سازمان‌های غیر دولتی ایران تشکیل می‌دهد، اشراف داشته باشیم و به این منظور لازم است روی سخت ترین، غیر آشکارترین و غیر ملموس‌ترین چنین این سازمان‌ها یعنی ارزش‌ها و هویت آنها متمرکز شویم.

تفاوت در ظرفیت سازی سازمانی و فردی

اینک به پرسشن سوم می‌رسیم: چگونه ظرفیت سازی برای افراد و سازمان‌ها با هم متفاوتند؟

جدول ۲: ویژگی‌های ظرفیت سازی

جدول ۱: انواع ظرفیت سازی

سطح سازمانی	سطح فردی	سطح سازمانی	سطح فردی
متوجه کردن نیازهای سازمان	متوجه کردن نیازهای فردی	سیاست‌های (داوطلبان، رشد کارکنان)	مهارت آموزی
معقولاً کوتاه مدت (۱ تا ۳۰ روز)	پلنت مدت	سازماندهی مجدد	رشد فانش
دالش خاص از این تراویح عمیق و وسیع	مستلزم اعتماد و دلش عمیق	ساختاریندی مجدد	مریبگری
در طول زمان تغییر می‌کند	از پودمان استانداره استفاده می‌شود	مدیریت تغییر و تحول	رشد مدیریت
برآورد	هر بار یک موضوع	برنامه ریزی استراتژیک	رخدادهایم
بخشی از یک اشتراکی وسیع تر	اخلب موقت	رشد و توسعه استراتژیک	رخدادهایم

چنانچه جدول ۲ نشان می‌دهد، ظرفیت سازی سازمانی باید بلند مدت و انعطاف‌پذیر باشد و مستلزم میزان زیادی از اعتماد در افرادی است که در گیر ظرفیت سازی هستند. شاید ایران کشور منحصر بفردی در جهان باشد چرا که در آن سازمان‌های غیر دولتی ظرفیت سازی نمی‌کنند و بسیاری از ظرفیت سازی‌ها در ایران توسط خود این سازمان‌ها و در درون سازمان‌های آنها صورت می‌گیرد. ممکن است که مادر ظرفیت سازی را خوب بلد نباشیم ولی جای خوش و قتنی است که این فرصت را در اختیار داشته‌ایم که برای ظرفیت سازی خودمان احساس مستولیت کنیم. سازمان‌های غیر دولتی کشور ما برای این که خود اقدام به ظرفیت سازی کرده‌اند قوی ترند.

عوامل موافق در ظرفیت سازی سازمانی

بهتر است که یک بار دیگر نگاه مختصراً به تجربه‌های بین‌المللی ظرفیت سازی بیاندازیم و عوامل مؤثر در موفقیت ظرفیت سازی سازمان‌ها را بررسی نماییم. این عوامل اساسی از تحریبیات مرکز بین‌المللی آموزش و پژوهش سازمان‌های غیر دولتی (INTRAC) مستقر در آکسفورد انگلستان گرفته شده است.

جدول ۳

این جدول اهمیت سازمان‌هایی را که مسئولیت اولیه و بر جسته ظرفیت سازی خودشان را به عهده می‌گیرند نشان می‌دهد. اما بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی در ایران نیازمند کمک در زمینه ظرفیت سازی هستند. کارکنان آنها تشهنه آموزش هستند و سازمان‌های غیر دولتی می‌خواهند در گیر چالش‌های بزرگتر شوند، بودجه‌های بیشتر داشته باشند و داوطلبان بیشتری را به خدمت بگیرند. همه اینها بخش‌های اصلی ظرفیت سازی هستند و سازمان‌هایی که از تجربه‌ها، موفقیت‌ها و نقاط ضعف خود درس می‌آموزند، به سازمان‌های «با ظرفیت» ترقی و ترقی تری تبدیل می‌شوند.

عوامل اساسی موافق در ظرفیت سازی	
- تصدیق اینکه سازمان‌های خود را در انتخابهای خود را می‌گیرند	- تصدیق اینکه سازمان‌های خود را می‌گیرند
- پیگیری از روند جهانی خود را می‌گیرند	- فرسته‌هایی برای تغییر و تحول اینجا می‌گردند
- تمام روند را در نظر داشته باشند	- تمام روند را در نظر داشته باشند
- با دیگران هم‌لغزنگی کنند	- با دیگران هم‌لغزنگی کنند
- بخشی از روند باشند	- بخشی از روند باشند
- ظرفیت خود را افزایش دهند	- ظرفیت خود را افزایش دهند
منبع: ابتران	منبع: ابتران

می‌توانیم از سازمان‌های غیر دولتی خودمان استفاده کنیم، سهیم شویم و فرآگیریم؟ نقش مشاوران و نقش سازمان‌های حمامیتی تازه تأسیس برای سازمان‌های غیر دولتی در این روند چه می‌باشد؟ و چگونه مامی‌توانیم ارزش‌ها و هویت فردی سازمان‌های غیر دولتی ایران را راگسترش دهیم تا با محتوای اجتماعی و فرهنگی کشور مناسب داشته باشد.

من شخصاً پاسخی به این پرسش‌ها ندارم، اما به نظرم می‌رسد که همه ما در

سازمان‌های غیر دولتی نیازمند این هستیم که درباره این موضوعات بحث کنیم و با

چشممان باز وارد ظرفیت سازی شویم.

منبع:

and PolicyJames, R (2001) Power and Partnership Experiences of NGO Series, No. 12, Oxford, INTRAC.Capacity Building, INTRAC NGO Management

مسائل مربوط به آینده ظرفیت سازی در ایران

در حال حاضر ما در وضعیتی قرار داریم که اعضای سازمان‌های غیر دولتی به سوی برنامه‌های آموزشی بزرگتر و وسیع تر حرکت می‌کنند. این کار تحت عنوان

ظرفیت سازی سازمان‌های غیر دولتی ایرانی صورت می‌گیرد. اما به نظر می‌آید یا لحظه‌ای ایستیم و بیاندیشیم که چه می‌کنیم؟ برای چه ظرفیت سازی می‌کنیم؟ آیا ما اعضای قوی تر در جامعه می‌خواهیم؟ آیا ما سازمان‌های غیر دولتی مؤثرتر می‌خواهیم؟ آیا شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی با نفوذ بیشتر می‌خواهیم؟ یا آیا ما در حال افزودن

ظرفیت تمام جامعه‌مان هستیم؟ به جای ایجاد «رستم‌های» بسیار با تربیت افرادی با مهارت‌های کوئنگون، باید از استراتژی‌های مختلف استفاده کنیم و از اشتباهاتی که در بسیاری از کشورهای دیگر در سراسر جهان صورت گرفته، پرهیز کنیم؟ چگونه ما

تفاوت‌های ظرفیت‌سازی فردی و سازمانی

تجربه ظرفیت سازی در ایران هنوز در دوران جوانی خود به سر می‌برد و ما هنوز در حال تجربه، جستجو، همکاری و تلاش برای یافتن روش‌هایی هستیم که مناسب شرایط جامعه ایرانی باشد. در این مقاله، کاترین اسکوایر که به مدت ۲۲ سال است که با سازمان‌های غیر دولتی کار می‌کند و در ۳ سال گذشته در گروه‌نواران مشغول به کار بوده است، برخی اندیشه‌های موجود درباره ظرفیت سازی پژوهی می‌کند و نکاتی در این رابطه پیشنهاد می‌کند.

کاترین اسکوایر
متترجم: سعید نشاط

بنابراین در هنگام ظرفیت سازی اولین پرسشی که باید پاسخی برای آن یافت، این است که در «چه سطحی کار می‌کنیم؟» هر چند امروزه بسیاری درباره ایجاد ظرفیت‌های سازمان‌های غیر دولتی سخن می‌گویند، ولی اگر لحظه‌ای مکث کنیم و بیاندیشیم، متوجه خواهیم شد، بسیاری از آنچه که در کشور ما تحت عنوان ظرفیت سازی نامیده می‌شود، بر ظرفیت سازی فردی متمرکز است. درست است که این افراد برای سازمان‌های غیر دولتی فعالیت می‌کنند، اما به هر حال «فرد» هستند. البته اگر ما نسبت به این نوع فعالیت‌های ظرفیت سازی آگاهی داشته باشیم و به دنبال ظرفیت سازی در سطح فردی باشیم، این فعالیت‌ها می‌تواند مفید واقع شود، اما اگر به دنبال تقویت سازمان‌ها یا روابط بین سازمان‌ها هستیم، ظرفیت سازی در سطح فردی برای نیل به این هدف کافی نیست.

ظرفیت سازی در سازمان‌های غیر دولتی در سطح فردی، سازمانی، بین سازمانی و اجتماعی قابل بررسی است. در هر سطح تفاوت‌هایی در ظرفیت سازی وجود دارد و یا پسند به این سؤال که «چرا ظرفیت سازی لازم است؟» در هر سطح متفاوت خواهد بود. در سطح فردی، پاسخ ممکن است این باشد که ظرفیت سازی به این منظور صورت می‌گیرد که افراد بتوانند نقش سازنده‌ای در اجتماع ایفا کنند، تأمین بودجه نمایند یا سازمان غیر دولتی خود را مدیریت کنند. در سطح سازمانی، ظرفیت سازی می‌تواند درجهت انجام طرح‌های مفید یا افزایش ظرفیت برای پایداری و انجام رسالت سازمانی باشد. در سطح جامعه نیز، ظرفیت سازی می‌تواند منجر به تقویت دانایی جامعه مدنی برای مشارکت در صحنه اجتماعی و سیاسی شود.

سطوح ظرفیت سازی



ظرفیت‌های سازمان‌ها

پیش از اینکه به تفاوت‌های میان ظرفیت سازی در سطح فردی و سازمانی بپردازیم، باید پاسخ این پرسش را باییم که به دنبال کدام ظرفیت‌ها هستیم؟ الگوی زیر (الگوی سه دایره) می‌تواند در یافتن پاسخ این سؤال مفید باشد.

شکل ۱- الگوی سه دایره



در این الگو، هر یک از سه دایره نمایانگر یک جنبه از فعالیت‌های سازمان است:

- اجرای برنامه (انجام کار)
- سازمان درونی (بودن)
- پیوندهای بیرونی (ارتباط)



هر یک از این سه زمینه اصلی با دو زمینه دیگر هم پوشانی دارد و هر سه باید به روش متوازنی توسعه بابند. باید در نظر داشت که کارایی سازمان بستگی به محیط پیرامونی آن نیز دارد. در بسیاری از کشورها، فعالیت‌های ظرفیت سازی بر توسعه حوزه «انجام کار» متمرکز است. تصویر می‌شود که آنچه سازمان‌های غیر دولتی نیاز دارند، آموزش فنی در طراحی برنامها و مدیریت کارکنان برای انجام مؤثر برنامه‌ها است، ولی بیست سال تجربه بین‌المللی نشان داد که بدون توسعه متوازن در دو حوزه دیگر سازمان (عنی «بودن» و «ارتباط»)، آموزش فنی به تنهایی نمی‌تواند کارکرد سازمان غیر دولتی را بهبود بخشد.

اگر نکاهی دیگر به دایره‌ای بیندازیم که ما آن را «بودن» نامیده‌ایم، متوجه می‌شویم که شبیه به یک پیاز است.

شکل ۲- الگوی پوست پیاز

لایه خارجی پیاز نشانگر منابع مالی، دفتر و تجهیزات فیزیکی یک سازمان است. در درون آن لایه، مهارت‌های انسانی و دانش وجود دارند که برای انجام کار سازمان ضروری هستند. لایه بعدی پیاز مرکب از ساختارها و سیستم‌ها سازمان است. هر چه به مرکز این دایره نزدیک می‌شویم، به مأموریت و استراتژی آن سازمان می‌رسیم و سرانجام در قلب آن هویت سازمان را می‌یابیم. نکته‌ای که در این الگو وجود دارد این است که تمامی این سه لایه به یکدیگر وابسته‌اند. اما اگر سازمانی بخواهد رشد کند، از کجا باید توسعه بیابد؟ آیا باید افزودن منابع بیشتر و مهارت‌ها به سطح بیرونی صورت می‌گیرد؟ پاسخ منفی است.



دارند که در عین حال از معاہدات زیست محیطی سود برده و مصرف سوخت و مواد خام اولیه را تا حد امکان کاهش دهنند. اتحادیه‌های تجاری، با مهر تائیدی که به صراحت بر روی طیف وسیعی از ارزش‌های سیاسی می‌گذارند، پارا از شرکت‌های تجاری نیز فراتر می‌گذارند. آنها حتی مستقلاً یا همگام با گروه‌های فشار، بول، پرسنل یا منابع دیگر را در اختیار فعالیت‌های خیریه قرار می‌دهند.

هرآچه که در ارتباط با این عبارات، در زمینه سیاست‌های داخلی کشورها مطرح می‌گردد، در مورد سیاست‌های جهانی کاربرد ندارد. زیرا سیاستمداران علاقمند هستند تا ادعا کنند که آنها هستند که به دنبال «منافع ملی» یک جامعه متحده و منسجم هستند و نمی‌پذیرند که با گروه‌های فشار و یا گروه‌های پیگیر، ارتباطی برقرار کنند و عنوان ملام و کم رنگ «سازمان‌های غیردولتی» را ترجیح می‌دهند.

فلسفه‌ای که پشت مفهوم یک گروه پیگیر عمومی قرار دارد، در طرز تلقی برخی افراد و رفتارهایشان، تبدیل به مفهوم سازمان‌های غیردولتی می‌گردد. عبارتی نظری گروه‌های فشار، گروه‌های پیگیر، گروه‌های «لابی» و سازمان‌های داوطلبی خصوصی، اکثر سازمان‌های غیردولتی را در بر می‌گیرند. این در حالی است که تبانی مشترک وجود دارد که هنگام فعل و افعالات سیاسی، در سطح جهانی در پشت عبارت «سازمان‌های غیردولتی» که عبارتی است در برگیرنده و غیرقابل بحث و جالفاذه، خود را پنهان نمایند. تنها مورد استثنای که از اهمیت برخوردار می‌باشد و در دلیل مورد بحث قرار خواهد گرفت، تمایل سیاست‌های زیست‌محیطی است که وارد بحث گروه‌های اصلی می‌شود. که گرچه گامی مثبت محسوب می‌شود، اما صرف‌نظر از این‌جهان‌هایی که مستقیماً در سیاستگذاری‌ها شرکت دارند، هنوز مبهم به نظر می‌رسد.

در منطق زیانی، تفاوتی میان یک سازمان غیردولتی و یک سازمان داوطلب خصوصی وجود ندارد، اما «سازمان غیردولتی» مفهوم ضمنی، خشن و کاربردی در ارتباط با طیف وسیعی از فعالان سیاسی دارد. حال آنکه، سازمان داوطلبی خصوصی (PVO) از تأثیر طیف محدودی از گروه‌ها برخوردار می‌باشد، در عمل غیرممکن است که توان چه در زمینه سیاست‌های محلی و چه در عرصه سیاست‌های جهانی به توافقی در ارتباط با ایجاد تمایز میان عبارات و واژه‌های قابل پذیرش دست یافت. چرا که چنین تمایزی تنها حاصل انتخابی ذهنی و احساسی بر پایه سلیقه فردی افرادی است که به اظهار نظر می‌پردازند.

NGOs از مؤلفه‌های تحرکات اجتماعی هستند. و جامعه مدنی، مفهومی گسترده‌تر از این تحرکات و فعالیت‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها می‌باشد و آن‌گاه که جامعه مدنی کلیه فعالیت‌های اقتصادی را تیز تحت پوشش قرار می‌دهد، دیدگاه‌های بحث‌انگیزی را مطرح می‌نماید. هر جامعه‌ای معمولاً از سه بخش تشکیل شده است: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی.

NGOs به قدری با هم متفاوند و چنان طیف وسیعی را در بر می‌گیرند، که غیرممکن است بتوان له یا علیه همه آنها بحث کرد. ممکن است NGOs ادعای کنند که صدای مردم هستند و شایستگی آنها به مرأت بیش از دولت است اما، بعد نیست که این، ادعای فریبنده‌ای بیش نباشد و آنها تحت پوشش دولت متبع خود بوده و در آن فرمان بگیرند. در هر حال، نقشی که NGOs در مباحث دموکراسی ایفا می‌کنند ربطی به ادعای شایستگی آنها ندارد.

تأمین بهداشت و سلامت، امنیت، رفاه اجتماعی و ارزش‌های زیست محیطی را مدنظر قرار می‌دهند. عبارت گروه فشار، گروه‌های پیشتری را در بر می‌گیرد و گروه‌هایی از قبیل گروه‌های حفاظت از محیط زیست و گروه‌های حقوق بشر که به دنبال کسب منافع مستقیم خودشان نیستند اطلاق می‌شود. کاربرد این عبارت بر روی روندی تاکید دارد که این گروه‌ها برای رسیدن به ارزش‌های خود، طی می‌کنند. تضاد میان این دو گروه می‌تواند در تبیین تضاد میان اهداف عینی و ذهنی نقش مهمی داشته باشد و در نهایت منجر به بازگشت سرمایه در بحث ارزش‌های زیست‌محیطی و غیره بشود.

گروه‌های لابی و سازمان‌های داوطلب خصوصی

در ایالات متحده، تمایزی مشابه، اما با معنی کاملاً متفاوت و مفهومی گسترشده‌تر به چشم می‌خورد. در جایی که کاربرد کلمه «لابی» (چانه‌زنی) مفهوم استفاده پنهان و نامشروع ازتروت را تداعی می‌کند، سازمان‌های داوطلبانه و یا گروه‌های پیگیر (Interest groups) تصویری مثبت القا می‌نمایند. یک اشکال منطقی در این میان وجود دارد و آن اینکه عضویت در یک گروه «لابی» هم جنبه خصوصی دارد و هم داوطلبانه است. از طرفی استفاده از این عبارت از آن جهت رضایت خاطر را فراهم نمی‌کند که سازمان‌های داوطلبانه و گروه‌های پیگیر (Interest groups) به فعالیت‌های خیریه می‌پردازند و گروه‌های مبارز و فعالان مسائل جهانی، از قبیل «صلح سبز» (Green Peace) و «غفو بین‌الملل» (Amnesty) را شامل نمی‌شوند. «منافع عمومی» (Public interest) به طور کلی، نفع عامه را، به روشنی عینی و منطقی در این میان وجود دارد و آن ضرورت با مد نظر داشتن این نکته که عموم شامل چه کسانی می‌شود و «منافع مشترک» (چیزیست، مورد بحث قرار می‌گیرد. دیدگاه یک فرد نسبت به مفهوم «عموم» ممکن است از دید فرد دیگر ارزش‌های غیرقابل قبول، افراطی و یا تها برهان‌نمایی به حساب آید.

- تمایز میان گروه‌های لابی (interest groups) و Pressure

تمامی گروه‌های فشار و سازمان‌های داوطلب، حتی برای بقای نام و حیثیت خودشان هم شده، تمایل دارند که به تعداد حامیان فعال آنها اضافه شود و درآمد کافی برای ایجاد ارباباطه‌های مؤثر داشته باشند. هنگامی که سیاست‌های مالیاتی دولت، درآمد خیریه‌های مردمی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد، سازمان‌های خیریه از تکنیک‌های چانه‌زنی و مستقیم روابط عمومی پیچیده‌ای جهت سازماندهی جمع‌آوری مالی استفاده می‌نمایند.

به صراحت می‌توان گفت که تمامی گروه‌های فشار و گروه‌های «لابی» از اهمیت سیاسی برخورداران، چرا که تاثیراتی بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی می‌گذارند. فعالیت‌های این گروه‌ها لروما به صورت پنهانی در راهروهای قدرت واقع نمی‌شوند بلکه به دفعات به جلب حمایت «عامه» نیز می‌پردازند. نمایندگان شرکت‌ها، هنگامی که درگیر مباحث سیاسی می‌شوند، اغلب با را از حیطه منافع خودشان فراتر گذاشته و به منافع عموم نیز می‌پردازند. زمانی که این شرکت‌ها به مبارزه با منافع عموم می‌پردازند، در واقع اعتبار خود، ارزش‌ها و درآمدشان را به خطر انداخته‌اند. بسیاری از شرکت‌ها، نیز اغلب آنچه را که منافع عمومی نایبله می‌شود، ترفیع می‌دهند و در اعتراضی آن می‌کوشند. گاهی نیز به عنوان خیریه، سود خود را به سازمان‌ها یا فعالیت‌های خیریه می‌پردازند، آنان ضمن پرداختن به ارزش‌های زیست‌محیطی، این نکته را مدنظر

مرزهای مبهم

سازمانهای غیردولتی

NGOs

بهاره حسین پور

نیست. سازمان غیردولتی، غیرانتفاعی است و یک گروه خلافکارنامی باشد، به عبارت دیگر نبایستی سابقه خشونت در آن وجود داشته باشد.

این ویژگی‌ها، کاربرد عمومی دارند، زیرا سازمان ملل برای به رسمیت شناختن سازمان‌های غیردولتی آنها را در نظر می‌گیرد. گاهی، این مرزبندی‌ها نامشخص به نظر می‌آیند. به عنوان مثال برخی از سازمان‌های غیردولتی در عمل به عنوان گروه‌های سیاسی رفتار می‌کنند، بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از فعالیت‌های تجاری خود از طریق قراردادهای بسته شده جهت مشاوره و یا فروش انتشارات‌شان، درآمدزایی می‌کنند و تعداد کمی از سازمان‌های غیردولتی نیز با بعضی از تظاهرات سیاسی خشونت‌بار در ارتباط هستند. در هر صورت یک سازمان غیردولتی هیچ‌گاه به عنوان یک اداره دولتی، یک حزب، یک شرکت، یک سازمان خلافکار و یا گروه‌های شورشی تأسیس نمی‌شود. بنابراین، در این بخش، از یک سازمان غیردولتی، به عنوان یک انجمن داوطلبانه، یادمی شود که مردم در آن بر مبنای یک حرکت مداوم، در جهت اهداف مشترک فعالیت می‌کنند، نه بر اساس منافع یک اداره دولتی، ایجاد سرمایه و سود یا فعالیت‌های غیرقانونی.

سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های سوداوار، گروه‌های فشار

در بحث سیاست داخلی کشورها، اغلب تمایزی میان گروه‌های سوداوار و گروه‌های فشار پیدا می‌آید. اما این مطلب همیشه نادیده گرفته می‌شود که هردوی این گروه‌های خصوصی، در سیاست گذاری‌های دولت نقش عده‌های دارند. عبارت «گروه‌های سوداوار» بر روی گروه‌هایی از قبیل شرکت‌ها و اصناف تجارتی تمرکز دارد. استفاده از این عبارت چندان هم مطلوب نیست، زیرا این نکته را القا می‌کند که این گروه‌ها در بی‌حفظ وضعیت اقتصادی خود می‌باشند و نیز تنها گروه‌هایی که از منابع اقتصادی قابل توجهی برخوردارند، می‌توانند بر سیاست تأثیرگذار باشند.

هیچ یک از این قضایا واقعیت ندارند. بیشتر گروه‌هایی که نقشی در اقتصاد بازی می‌کنند ویرای جمع‌آوری سرمایه، به ارزش‌های نیز توجه دارند. حداقل اینکه به حفظ امنیت توجه دارند و حداقل آن که به رسالت بزرگتری که همان

عبارةت سازمان غیردولتی (NGO) پس از شکل‌گیری سازمان ملل متداول شد. هنگامی که در سال ۱۹۱۰، یکصد و سی و دو سازمان غیردولتی تصمیم به همکاری با یکدیگر گرفتند، این همایش را «اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی» (Union of International Association) نامی دادند. این گروه‌ها خود را مؤسسات بین‌المللی، اتحادیه‌های بین‌المللی یا به زبان ساده سازمان‌های بین‌المللی نامیدند، آنها را «همبستگی سازمان‌های خصوصی» نامید. در نخستین مشور سازمان ملل، سخنی از اینکه گروه‌های خصوصی و گروه‌های همکاری به میان نیامده بود. ولی در کنفرانس «سان‌فرانسیسکو» گروه‌های مختلفی - عمدتاً از ایالات متحده - موفق به تصحیح آن شدند.

این گروه‌های «لامی» نه تنها موفق شدن مدادهای جهت تحکیم و به رسمیت شناخته شدن روابط با سازمان‌های خصوصی که پیش از آن توسط «اتحادیه ملل» صورت گرفت بگنجانند، بلکه به میزان قابل ملاحظه‌ای در جهت افزایش نقش سازمان ملل در مسائل اقتصادی و اجتماعی گام برداشتند و وجهه شورای اقتصادی، اجتماعی (ECOSOC) (اکوسوک) را ارتقا بخشیدند. در ماده ۷، آمده است که «سازمان‌های مختصصی، که توسط قراردادهای میان دولت‌هاشکل گرفته‌اند، بدون داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات مشورتی شرکت کنند. این در حالی است که بنا بر ماده ۷۱، سازمان‌های غیردولتی برخوردارند. بنابراین، گروه‌های مختصص و مشورتی برخوردارند. سازمان‌های غیردولتی (NGO)، دو اصطلاح متداول در سازمان ملل محسوب شدند. برخلاف بقیه اصطلاحات رایج در سازمان ملل، عبارت «سازمان‌های غیردولتی» از اوائل دهه ۱۹۷۰ به این سو، در میان عامه، متداول گردید.

گروه‌های متفاوت بسیاری در حال حاضر، NGO محسوب می‌شوند. تعریف کلی و جامعی از یک «سازمان غیردولتی» موجود نمی‌باشد و این اصطلاح مفاهیم مختلفی را در شرایط مختلف در بر می‌گیرد. با این وجود چند خصوصیت اساسی در همه سازمان‌های غیردولتی وجود دارد.

به وضوح بی‌داست که یک سازمان غیردولتی بایستی از هر گونه وابستگی به هر دولتی به دور باشد. به علاوه، سه خصوصیت مورد قبول دیگر وجود دارند که انواع خاصی از گروه‌ها را از این تعریف مستثنی می‌کنند. تأسیس یک سازمان غیردولتی به منزله تأمینی یک حزب سیاسی



شورای گسترش فرهنگ صلح برای کودکان



فرزانه هفتانی

فروردين سال ۱۳۸۰، همزمان با آغاز دهه جهانی فرهنگ صلح و نفی خشونت بر علیه کودکان (۲۰۰۱ - ۲۹) سازمان فعال در امور کودکان به گردhem آمدند تا در کنار فعالیت‌های تخصصی خود، برای گسترش فرهنگ صلح در جامعه تلاش کنند.

این سازمان‌ها، با هدف گسترش فرهنگ صلح در خانواده، مهد کودک، مدرسه و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و «آشنا کردن» مسئولان و دست‌اندرکاران نهادهای ذیریطبا فرهنگ صلح شورای گسترش فرهنگ صلح برای کودکان را تشکیل دادند. اعضای این شورا با این دیدگاه که پرداختن به هنر، ادبیات، آموزش و حقوق کودکان بدون وجود فضایی امن و صلح آمیز امکان‌پذیر نیست، ایجاد فرصت‌هایی برای زندگی همه کودکان در محیطی امن، سرشار از احترام به انسان‌ها، مهروزی، درک دیگران، تفاهم و همزیستی را هدف اصلی فعالیت‌هایشان قرار دادند.

این شورا، در نخستین اقدام با امضای اعلامیه تحریم اسباب بازی‌های مروج خشونت، همایش دور روزه «کودک، صلح و اسباب بازی» با شعار «صلح را باید از کودکی آموخت»، در آبان ماه ۱۳۸۰ برگزار نمود. برایی ۱۱ عصرانه صلح در تابستان ۱۳۸۱ - که طی آن باقصه‌گویی، بازی، موسیقی و نمایش، مفاهیم صلح به کودکان انتقال داده می‌شد - و برگاری کارگاه حقوق کودک و کارگاه صلح برای اعضای سازمان‌های غیردولتی از دیگر اقدامات این شورا است.

شورای گسترش فرهنگ صلح برای کودکان، گروههای کاری را در زمینه‌های آموزش خانواده، پژوهش و تحقیق در ادبیات صلح، برنامه‌ریزی برای گنجاندن مفاهیم صلح در کتب درسی آموزش و پژوهش، برنامه‌ریزی برای آموزش قبل از دبستان.

سایت شبکه سازمانهای غیر دولتی جوانان

www.jynnis.com

در این سایت شبکه سازمانهای غیر دولتی جوانان و اعضای آن معرفی شده‌اند. این شبکه در سایت خود به معرفی سازمانهای غیر دولتی عضو پرداخته و همچنین متن کامل آخرین خبرهای سازمانهای غیر دولتی در سراسر جهان را در اختیار علاقه مندان قرار می‌دهد. تصاویر نشستها، جلسات، مراسم و کلیه برنامه‌ها در پخش عکس دیده می‌شود. مقالاتی در مورد جامعه مدنی نیز پخش دیگری از این سایت را تشکیل می‌دهد. آدرس اینترنتی برخی از سازمانهای غیر دولتی نیز در پخش سایت‌های دیگر به چشم می‌خورد.

چگونگی همکاری سازمان‌های غیردولتی با نیروهای داوطلب

راحله شیراسب



سایت انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران

www.Fpairi.org

این سایت ضمن معرفی انجمن به بخش‌های مختلفی چون چارت سازمانی، اسناد انجمن، کمیته‌های فعال، زمینه‌ها و..... پرداخته است.

همچنین نوع فعالیت‌ها، چگونگی عضویت در انجمن (به همراه فرم عضویت) و چگونگی تامین مالی شرح داده شده است. علاقه مندان به فعالیت‌های این انجمن می‌توانند از اخبار نیز اطلاع پیدا کنند. در بخش اخبار، کلیه خبر‌نامه‌های انجمن به طور کامل انتشار یافته است. این انجمن در سایت خود در بخش اخبار نیز اطلاع پیدا کنند. در بخش اخبار، کلیه خبر‌نامه‌های انجمن به طور کامل کمیته‌های انجمن پرداخته است. انجمن تنظیم خانواده نهادی است غیر اتفاقی و غیر دولتی که در زمینه بهداشت باروری فعالیت می‌کند و کلیه فعالیت‌ها و اطلاعات خود در این زمینه را در بخشی با عنوان "آموزش بهداشت باروری" در اختیار خوانندگان قرار دارد. از طریق این سایت می‌توان در بخشی با عنوان "ارتباط سازمانهای غیر دولتی" با سایر تشکلهای غیر دولتی نیز ارتباط برقرار کرد. بانک اطلاعاتی سازمانهای غیر دولتی از دیگر بخش‌های قابل توجه این سایت است.

ششمین گردهمایی گروه نوآوران پارس با موضوع «چگونگی همکاری سازمان‌های غیردولتی با نیروهای داوطلب» با حضور ۲۱ نفر از نمایندگان سازمان‌های غیردولتی برگزارشد.

در این گردهمایی، هنگامه بازرگانی مسئول نشریه مؤسسه کودکان دنیا و مهسا نیکوپایان مدیر عامل جمعیت حامیان اندیشه سبز، ضمن معرفی فعالیت‌های سازمان خود، توضیحاتی درباره چگونگی جذب داوطلبان، گروه‌های کاری و برنامه‌های آموزشی، نقش‌ها، مسئولیت‌های داوطلبان و روش‌های ایجاد انگیزه برای حضور فعال‌تر آنان ارائه دادند. هنگامه بازرگانی بایان اینکه از جمله شرایط فعالیت و حضور داوطلبان، گذراندن دوره‌های آموزشی قبل از ورود به فعالیت می‌باشد، گفت: افراد با گذراندن این دوره‌های آموزشی، جایگاه خود را در انجمن پیدا می‌کنند.

مهسا نیکوپایان نیز داوطلب بودن افراد در سازمان‌های غیردولتی را مدخلی برای ورود آنان به زندگی جدید دانست و وجود آموزش اولیه در هر سازمانی برای حفظ این نیروهای لازم شمرد.

سپس شرکت‌کنندگان در دو گروه کاری به بحث و گفت‌وگویی پرداختند. گروه اول در پاسخ به سؤال «چه کنیم که داوطلب همکاری خود را با سازمان غیردولتی ادامه دهد؟» به نتایج زیر دست یافتند.

- ۱- قدردانی مالی و معنوی
- ۲- تدوین اهداف و استراتژی‌های مشخص و حرکت در راستای آرمان
- ۳- رفشار شفاف و تقویت حسن اعتماد
- ۴- برنامه‌های جانی و گلگشته
- ۵- بازخورد دروغه‌های زمانی منظم (مقطعه‌های سازمانی)
- ۶- توانمندسازی
- ۷- روابط دوستانه، احترام‌مقابل و شخصیت دادن به داوطلب
- ۸- عدم تعیین تاریخ مصرف برای اعضاء
- ۹- رفتار دموکراتیک
- ۱۰- مدیریت مشارکتی
- ۱۱- امکان کسب تجربه و تقویت حسن خودبازی
- ۱۲- امکان ارتقای اعضاء بردهای بالای سازمانی
- ۱۳- ایجاد ارتباط معقول بین روابط سازمانی و غیرسازمانی (آموزش روابط سازمانی)

گروه دوم نیز در پاسخ به سؤال «چه کنیم که داوطلب برای حضور در سازمان‌های غیردولتی، انگیزه بیشتری داشته باشد»، به پارامترهای زیر اشاره نمودند.

- ۱- ایجاد انگیزه در ابتدای ورود فرد
- ۲- دیدن فعالیت NGOs
- ۳- دیدگر
- ۴- مدیریت صحیح و توانمند
- ۵- خودبازی داوطلب هدف سازمانی روش داشتن و شفافیت
- ۶- خلاصه
- ۷- باوری NGO
- ۸- آشنایی با اهداف و انگیزه‌ها
- ۹- داشتن ایمان به انجام فعالیت.



معزی



بهاین گونه حرکت‌ها و عضویت افتخاری آنان در سازمان‌های غیردولتی، نقش بسزایی در پسیج افکار عمومی دارد، ولی از آنجا که در ایران هرگونه حرکتی منوط به دریافت اجازه از دولت است و به همه برچسب سیاسی زده می‌شود، این افراد تمایلی به شرکت در چنین برنامه‌هایی ندارند و فعالیت اجتماعی نمی‌توانند از این طریق توده‌های مردم را با خود همراه کنند.

اطلاع‌رسانی روشن و شفاف و استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی نظری اینترنت، نیز از جمله دیگر عواملی است که می‌تواند به پسیج افکار عمومی کمک کند و با گسترش مجموعه‌ای از هنگارهای بشري در جامعه جهانی، حقوق بشر و ارزش‌های انسانی را فراتراز ملاحظات دولت‌ها مورد توجه افکار عمومی جهانی قرار دهد. حرکت هم‌هانگی سازمان‌های غیردولتی بیشتر کشورهای دنیا، در اعتراض به جنگ عراق و طرفداری از صلح، این همبستگی جوامع بشری و توجه آنان به دغدغه‌های جهانی را به خوبی نشان داد. این در حالی است که متأسفانه در کشور ما کمتر به تحولات و حساسیت‌های جهانی توجه می‌شود و نگاه سازمان‌های غیردولتی بیشتر به مسائل داخلی معطوف است.

بهدخت رشیدی، برگزاری جلسات اطلاع‌رسانی و به بحث گذاشتن تحولات بین‌المللی را بهترین راه آشنايی سازمان‌های غیردولتی با دغدغه‌های جهانی می‌داند. تشکیل شبکه‌های ارتباطی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تنظیم برنامه عملی با مشارکت و همکاری یکدیگر و اجرای برنامه‌های مشترک با سازمان‌های غیردولتی کشورهای دیگر، نیز پیشنهادهای شهیندخت مولاوردی برای به فعلیت رساندن قابلیت‌های NGOs ایران در حد جهانی است.

مینو همایونی نیز در این زمینه به زیرساخت‌ها توجه دارد و بر تقویت بنیان‌های فکری و تضمین آزادی اندیشه و بیان تأکید می‌کند.

و سخن آخر را از شادی صدر نقل می‌کیم، که می‌گوید: «چیزی قرار نیست از بالا برای سازمان‌های غیردولتی اتفاق بیفتد، اگر این سازمان‌ها خودشان به این نتیجه رسیدند که جزوی از جامعه جهانی هستند و باید دغدغه‌های جهانی داشته باشند، حتماً در این راستاتلاش می‌کنند». صدر در ادامه تصریح کرد: «مای مستقل و قوی که به حساسیت‌های جهانی نظری محیط زیست، حقوق زنان و حقوق کودکان توجه داشته باشند، در ایران کم است، ولی همان تعداد کم، به مسائل جهانی توجه دارند و تلاش می‌کنند که به این جنبش جهانی بپیوندند».

نحوه پرداختن جامعه مدنی ایران به تحولات جهانی، از جمله موضوعاتی است که نیاز به مطالعه و کنکاش بیشتر دارد و توجه و حساسیت فعالیت‌های این عرصه را می‌طلبد. در این گزارش سعی شد تا با مطرح کردن بحث صلح و تبادل نظر اعضای سازمان‌های غیردولتی پیرامون آن، بر اهمیت درگیرشدن NGOs با دغدغه‌های جهانی و توجه به اهداف‌شان تأکید کنیم.

بهدخت رشیدی نیز دشوار بودن گرفتن مجوز برای برپایی تظاهرات، نبود اطلاع‌رسانی شفاف و روشن و آشنا بودن سازمان‌های غیردولتی و مردم با اینترنت - که از مهمترین عوامل پسیج مردم در تظاهرات ماه اخیر بود - را از جمله دلایل کمرنگ بودن فعالیت‌های NGOs و مردم در این زمینه می‌داند، او در ادامه نکته‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد، که بسیاری آن را از جمله مهمترین دلایل واکنش ضعیف ایرانیان به جنگ عراق زیادی از هشت سال جنگ مابا عراق نگذشته است. و نباید انتظار داشته باشیم که هنوز مدت همه چیز را به فراموشی سپرده و به دنبال مطبق دنیا راه بیفتند.

شهیندخت مولاوردی نیز با اشاره به اینکه نقش پرنگ دولت در همانگی و اجرای اینگونه تحرکات، در انفعال و سکوت NGOs بی‌تأثیر نبوده است، بر نویا بودن سازمان‌های غیردولتی ایران و عدم وقوف آنها به نقش و جایگاه خود و تعاملات ملی و بین‌المللی تاکید می‌کند.

شاید نکاتی که مورد تأکید شهیندخت مولاوردی قرار گرفته است، بتواند توجیهی برای توان اندک NGOs ایران در پسیج مردم برای اهداف پسردستانه نظری صلح باشد. توان اندکی که در تها برname‌های از سوی نهادهای مدنی ایران در اعتراض به جنگ ترتیب داده شد، به خوبی خود را عیان کرد. در آخرین روزهای سال گذشته، ۵۰ سازمان غیردولتی زنان، زنان ایرانی را به تجمع ضدجنگ در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران فراخواندند، اما جر ۱۰۰ نفر که تعداد قابل توجهی از آن نیز داشت آموزان مدارس بین‌المللی و معاوین عراقی بودند، کسی به این فراخوان پاسخ نداد نزدیکی به سال نو، نبود سازماندهی و تبیغات مناسب، نبود اتفاق نظر بر سر بیانیه تجمع و... از جمله دلایل اعتراض به جنگ بود. شادی صدر در این زمینه می‌گوید: «NGOs ایران نخیه گرا هستند و ضعف آشکارشان این است که نمی‌توانند از صدا و سیمای رسانه‌های دیگر استفاده کنند، آنها را بسط می‌نمایند با افسار مختلف مردم ندارند و ما کمتر NGO را می‌بینیم که نماینده افسار پایین با حسی متوسط مردم باشد».

صدر اضافه می‌کند: «بازار لازم برای ارتباط با مردم نیز در اختیار سازمان‌های غیردولتی نیست و آنها نمی‌توانند از صدا و سیمای رسانه‌های دیگر استفاده کنند و به همین دلیل فقط توانایی پسیج تعداد محدودی از مردم را دارند، که نمی‌توان نام آن را پسیج توده‌ها گذاشت».

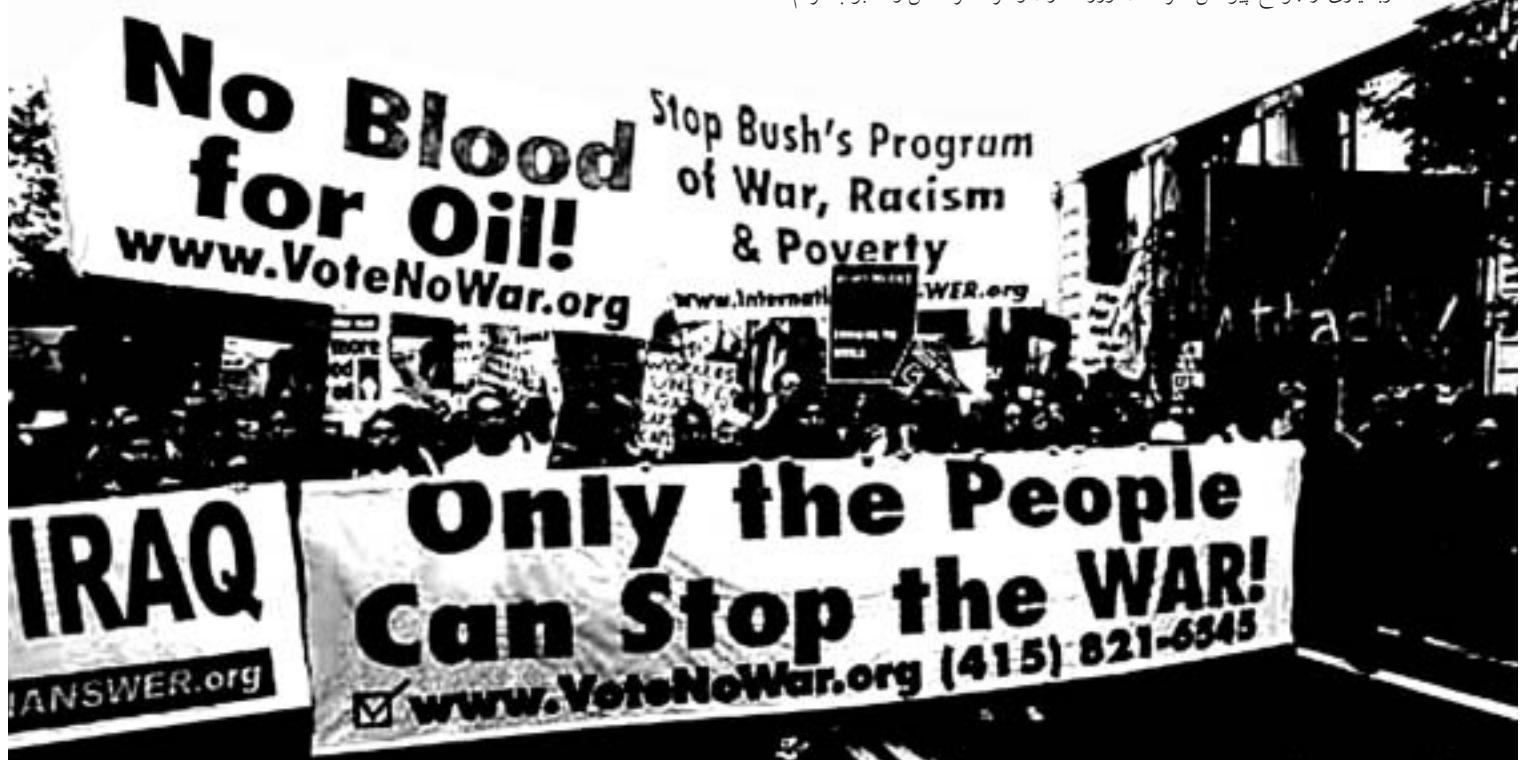
فاطمه اشرفی، سازمان‌های غیردولتی را در مرحله اعتمادسازی می‌داند و معتقد است

که طی این مرحله نیازمند ارایه بیان کار مناسب و تبیین فعالیت‌های داوطلبانه است و

تاهنگامی که رویکرد اعتمادسازی در NGOs نهادینه نشود، آنان موقوف به پسیج

مردم نخواهند شد. بهدخت رشیدی نکته ظرفی در این باره اشاره می‌کند، او می‌گوید:

«در بسیاری از جوامع، پیوستن هنرمندان، ورزشکاران و افراد سرشناس و محبوب مردم



سکوت جامعه مدنی ایران در رابطه با صلح و خصوصاً بی تفاوتی آن نسبت به جنگ عراق و نیپوستن به جنیش جهانی ضدجنگ، موضوعی بود که پرسش‌های بسیاری را در داخل و خارج از کشور برانگیخت. شادی صدر، روزنامه‌نگار و پژوهشگر امور سازمان‌های غیردولتی یکی از دلایل سکوت و کم کاری سازمان‌های غیردولتی درباره جنگ عراق را پیروی از وضعیت عمومی جامعه در این رابطه می‌داند و می‌گوید: «افراد عقال در سازمان‌های غیردولتی، اعضای همین جامعه هستند و به خوبی می‌دانند طرح شعارهای ضدجنگ در جامعه امروز ایران، با مقبولیت اجتماعی چنانی، مواجه نخواهد شد». صدر با اشاره به نتایج نظرسنجی برخی سایت‌های اینترنتی فارسی که نشان می‌دهد، بخش قابل توجهی از بازدیدکنندگان آنها موافق جنگ در عراق هستند، می‌گوید: «شاید مهمترین علت عدم مقبولیت شعارهای صلح طلبانه حتی در میان روشنگران ایرانی - ارتباط تنگاتنگ مساله عراق، صدام، جنگ آمریکا در عراق و... با مسائل داخلی ایران است. از یک سو میزان تنفر اجتماعی در رژیم عراق و شخص صدام در هیچ کشوری به اندازه ایران نیست و از سوی دیگر بنست و سکون جنبش اصلاح طلبی و دمکراتی خواهی در ایران حداقل آرزوی تأثیرگذاری بر تحولات خارجی و ایجاد عقایلیت بیشتر در داخل در جهت خواستهای مردم را ایجاد می‌کند».

سازمان‌های جامعه مدنی، اصلی‌ترین سازمان‌دهندگان تظاهرات‌های ضدجنگ سراسر دنیا، در چند ماه اخیر بودند. در حالی که بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، شاهد تجمعات چند صد هزار نفری و گاه میلیونی بود که به دعوت فعالین اجتماعی طرفدار صلح تشکیل شده بود، سازمان‌های غیردولتی ایران سکوت و بی‌طرفی اختیار کردند، نسبت به تبعات انسانی، زیست محیطی و... جنگی که در همسایگی ماشدت می‌گرفت، عکس العمل جدی نشان ندادند و جز یک گردهمایی محدود، از سوی سازمان‌های غیردولتی زنان که باستقبال چندانی روپرور نشد، صدای اعتراضی به عوارض جنگ و دعوتی برای صلح از جامعه مدنی ایران به گوش نرسید. این موضوع را با برخی از فعالان سازمان‌های غیردولتی در میان نهادیم و با آنان درباره علل نپیوستن نهادهای مدنی ایران به جنبش جهانی ضدجنگ، فعل نبودن سازمان‌های غیردولتی ایران در زمینه «صلح»، توان اندک NGOs در بسیج مردم برای اهداف بشروعتیانه و... گفتگو کردیم.

فاطمه اشرفی از انجمن حمایت از زنان و کودکان آواره، در پاسخ به این که سازمان‌های غیردولتی چه نقشی را می‌توانند در زمینه ایجاد و گسترش صلح ایفا کنند، می‌گوید: «سازمان‌های غیردولتی یکی از ارکان اصلی در فرآیند صلح جویی جامعه ملل هستند و اگر به آموزه‌هایی که در قالب این سازمان‌ها حاصل می‌شود، توجه کنیم، درمی‌یابیم که مشارکت، حس داوطلبی، کاربی مزد، توانمندشدن و هزاران آموزه زندگی جمعی، پیش‌نویس منشور صلح طلبی برای پشتیت در عصر حاضر است و سازمان‌های غیردولتی توانایی آن را دارند که با عنایت به این مفاهیم، صلح جویی و صلح طلبی را تبیین کنند».

شاید مهمترین نقشی که بتوان برای NGOs در پاسداری از صلح در نظر گرفت، پرورش فرهنگ صلح، آموزش راههای حل و فصل مساملت آمیز مخاصمات، ترویج فرهنگ گفتگو، مدارا، تحمل و احترام به تنوعات فرهنگی و مذهبی باشد. چنانکه شهیندخت مولاوردی، مسئول جمیعت حمایت از حقوق بشر زنان می‌گوید: «سازمان‌های غیردولتی با تربیت و پرورش افکار و اندیشه‌ها و مت حول کردن تلقی‌ها و رفتارهای مردمی، مسیر توانمندسازی افراد و سازمان‌های را برای مشارکت در فرآیند تغییر فرهنگ خشونت به صلح هموار ساختن و بدین ترتیب فرهنگ صلح را نهادنی کنند».

این شیوه با وجود اینکه از مهمترین و موثرترین راههای حفظ و گسترش صلح است، نیازمند ممارست و مداومت بسیار است و اثرات آن در بلندمدت آشکار می‌شود. با شروع جنگ عراق، سازمان‌های غیردولتی فعل در زمینه صلح، که با فعالیت‌های تدریجی و بلندمدت، ترویج و گسترش صلح را در دستور کار خود قرار داده بودند، تواستند با اتکا بر نتایج فعالیت‌های پیشین خود و استفاده از مکاتیسم‌های مختلفی که حاصل سال‌ها سعی و آزمون در این زمینه بود، توجه افکار عمومی جهان را به تبعات جنگ و خشونت جلب کند و آنان را برای طرفداری و حمایت از صلح به خیابان‌ها بیاورند. این در حالی است که NGOs ایران توجه چندانی به مقوله «صلح» ندارند و مجموع سازمان‌های غیردولتی که صلح را محور فعالیت خود قرار داده باشند، از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کند.

شهیندخت مولاوردی در رابطه با کمنگ بودن فعالیت ایران درباره صلح می‌گوید: «در ایران به صلح به عنوان نیاز واقعی جامعه نگاه می‌شود و صرف هزینه‌های متعدد مادی و معنوی و گذشتن از مفت خوان اخذ مجوز فعالیت برای سازمان‌های غیردولتی، ایجاب می‌کند که فعالیت‌ها حول محورهای انجام شود که از نظر جامعه الوكس» تلقی شنده و بتواند باری از دوش مردم بردارد».

منیر همایونی، بیبر شورای گسترش فرهنگ صلح در بین کودکان نیز، نبود آزادی بیان و فعالیت آزادانه در زمینه صلح، نبود درک صحیح مفهوم صلح به طور همه‌جانبه، بهره‌برداری سیاسی از آن و عدم توجه آموزش مفهوم صلح را از جمله دلایل کم توجهی به صلح عنوان می‌کند.

به دخالت رشدیه، مدیر مؤسسه رشدیه، از زاویه دیگر به این موضوع می‌پردازد، به دیدگاه اوی در فرهنگ ایرانی کلمه «صلح» بار سیاسی دارد و در مقابل کلماتی چون جنگ و آشوب بکار می‌رود و به نوعی فقط دولت است که اجازه دخالت در آن را دارد، به همین جهت سازمان‌های غیردولتی از بین آنکه اهدافشان از طریق جامعه مدنی زیر سوال رفته و متمهم به فعالیت سیاسی شوند و یا اینکه دولت فعالیت آنها را دخالت در امور خود محسوب کند، رغبت چندانی به کار در زمینه صلح نشان نمی‌دهند».



از درون

سیاسی و تفاوت هاو تاثیرات ان و در نهایت مشخص کردن نسبتی که هر یک از نهادهای مدنی با دیگر نهادها و حوزه های جامعه داردمی توائد گامی در جهت کمنگ کردن این عامل باشد.

بی توجهی به فضای بین المللی و رخدادهای خارج از کشور (جامعه مدنی جهانی) جامعه مدنی در ایران به خارج از خود نگاهی ندارد. هم به دلایل یاد شده در بخش اول، هم به سبب رویکردهای سنتی به مقوله ارتباطات و البتة ارتباط با خارج از کشور در حوزه های مختلف و به خصوص نگاهی های عمومی که همواره از سوی سیاست گذاران در این زمینه منتقل شده، دید عمومی سازمان های غیردولتی به انواع مشابه در خارج از کشور ضعیف است. شاید ماجراجای آن عضو دستگاه سیاست خارجی را شیده باشد که به دیدن هلموت کهل می روید و میگوید آقای شیراک از اینکه به کشور گل آفتابگردان. آلمان. می آیم خوشحالم. کهل می گوید: عزیز جان من کهل هستم و سرزمین گل آفتابگردان هم هلنداست نه آلمان.... اگرچه این موضوع اندکی به یکی مراج شیاht دارد اما می توائد در حوزه هایی قابل تسری باشد. به صورت سنتی ما به دنبال کردن و قایع خارج از کشور خود علاوه ای نداریم. نهایتا خبرهای کشورهای منطقه را دنبال میکنیم. در احساس نزدیکی با موضوعاتی که کشورهای دیگر را برایمان جذاب می کنند نیز بیشتر گرایشات مذهبی تغییر کننده است تا دغدغه های انسانی. مثلا موضوع فلسطین برای ما ملهم تر از کوک آزاری در غرب افریقا است یا فقر در ایتالیا، فلانن نگاه بین المللی و جهانی به موضوعاتی که بشیریت از آن متاثر می شود، جامعه مدنی ایرانی را در یک حالت گستته با جامعه مدنی جهانی قرار داده است. این گسته سازمانی، مفهومی و عملکردی در داخل و در خارج باعث شده است هم افزایی (Synergy) در جامعه مدنی ایرانی در کمترین مقدار ممکن باشد و در نهایت ما در داخل با یک جامعه مدنی تداخلی مواجه باشیم.

فقدان مهارت های لازم در زمینه بسیج امکانات و منابع برای دنبال کردن اهداف جمعی

سازمان های جامعه مدنی ایرانی برای بسیج کردن (Mobilizing) از مهارت کافی برخوردار نیستند. این وضعیت مخصوصا در زمینه موضوعاتی که برخلاف امور خیریه ای نیازمند توجیه و توضیح بیشتر و فعالیت های ترویجی گسترده این شماره تهیه شده است را در فرمی دیگر برای رسی ویزگی ها و کاستی های موجود برای ملیتی پیدا می کند. مثلا اگر یک سازمان محیط زیستی بخواهد برای جلوگیری از

تابودی یک گونه گیاهی در جنگل های شمال یک اقدام سراسری صورت دهد دشواری بیشتری پیش رو دارد تا مثلا یک سازمان خیریه ای که می خواهد برای ۱۰۰ نفر جهیزیه عروسی تهیه کند. همین ماجرا در خصوص موضوعاتی مانند زنان و جوانان والبته حقوق بشر با درجات مختلف صدق پیدا می کند.

امروزه بسیج مردم و ایجاد انگیزه در افراد از فنون پیچیده و البتة قابل وصولی تبعیت می کند که هر سازمانی برای دستیابی به اهداف خود از طریق مردم یا سازمان های مشابه و گروه های ذی نفع لاجرم می بایست آنها را فرابگیرد و به کار بندد. در ایران معمولا حرکت های انسان دوستانه در سطح عمومی توسط دولت و یا بنیادهای دولتی و یا دولت ساز صورت می گیرد در سطح نهادهای مدنی برای فعالیت در سطوحی که مدیریت و برنامه ریزی یکی از ارکان اصلی فعالیت است، ادبیات قابل توجه و تجربیات گسترده ای وجود ندارد.

در یک چین حركتی طبق تعاریف و تجربیات جهانی ۶ عامل کلیدی وجود دارد که میتواند به ایجاد انگیزه و در نهایت بسیج گروه های هدف بیانجامد که عبارتند از: برنامه ریزی، یارگیری، گریش نیروهای موردنیاز (recruitment)، سازمان دهی، آموزش و تربیت افراد و توسعه مهارت ها، ایجاد انگیزه، کنترل فرآیند. اینها شاید وظایف اصلی باشد که از طریق فعالیت هایی مانند ابیات، حل مسائل، تصمیم سازی، مشاوره، به دست می آید با این ملاحظه که در تمام بخش ها مردم حضور دارند.

با دقت در بسیاری از حركت هایی که برای رسیدن به یک هدف خاص در برخی مواقع توسط جمعی از سازمان های جامعه مدنی دنبال شده میتوان بخش هایی را که مورد توجه قرار نگرفته اند، مشاهده کرد. سازمان های جامعه مدنی با درک وضع خود در میان دیگر کشگران جامعه در سطح ملی و جهانی لاجرم برای دستیابی به اهداف خود نیازمند بسیج در سطوح مختلف خواهند بود.

بی ثباتی و مرزهای مخدوش در تعاریف و مرزهای حقوقی جامعه مدنی سیاسی

یکی از مهمترین موضوعاتی که سازمان های جامعه مدنی را از اینها نفی در سطوح گسترده بر حذر می دارد، موافق حقوقی و بعضی باورهای مسئولین و کارگاران دولتی نسبت به نقش و جایگاه آنان در جامعه درست طرح ملی و جهانی است. باتوجه به مخدوش بودن مرزهای آزادی های سیاسی و اجتماعی و حقوقی که برای تجمعات و اعتراضات که معمولا در بسیاری از کشورهای جهان برای نهادهای مدنی قائل هستند، اجراء برگزاری و حرکت به سوی فعالیت هایی که برای رسیده به یک هدف خاص صورت می گیرد همواره مخاطراتی را به همراه خواهد داشت. فرض کنید یک تشکل حقوق شری بخواهد نسبت به وضعیت یک زندانی سیاسی یک نظره ارات ترتیب بدله و از مردم نیز دعوت کند که در آن شرکت کنند. خود می توانید پیش بینی کنید که این سازمان با چه مسئلی روبرو خواهد شد.

به عوامل یادشده می توان شمار دیگری را نیز افزود که البته در این مختص نخواهد گنجید. به هر روی بررسی نقش سازمان های جامعه مدنی در رویدادهایی که در پیامون و در سطح جهانی به وجود می تواند در این مسیر برایش فراهم آورد پیش رو یکناره و نقطه ایست پذیر را نمایان سازد. سکوت سازمان های جامعه مدنی نسبت به واقعه جنگ عراق در کشور های دیگر نیز انعکاس گسترده ای یافت. این موضوع تا حدود زیادی با توانایی ها و نگاه محدود نهادهای مدنی ایرانی مرتبط دانسته شد و عده ای دیگر عوامل سیاسی و اتفاقات عمومی در سطح کلان جامعه را مورد توجه قرار دادن، با این وجود آنچه این زمان مهم است نگاهی به تجربیات موجود در سطح جهانی و تجربیات محدود در سطح داخلی برای افزایش سطح تاثیر گذاری نسبت به رویدادهای مشابه و تقویت ظرفیت های بسیج به منظور دستیابی به اهداف است.

این نوشته را که بهانه جنگ در عراق و پرونده این شماره تهیه شده است را در فرمی دیگر برای رسی ویزگی ها و کاستی های موجود برای ملیتی پیدا می کند. مثلا اگر یک سازمان محیط زیستی بخواهد برای جلوگیری از

سازمان های جامعه مدنی و واکنش های کند در برابر را برویدادها محلی، ملی و جهانی

کنکاشی

امید معماریان

آشنایی محدود نسبت به وضعیت خود در جامعه

سازمان های غیردولتی در ایران منافع سازمانی و علاقه اعضاء را تنها در چارچوب اهداف از پیش تعیین شده ای می دانند که وظایف خاصی را بر آن مترب کرده اند. افق این اهداف و وظایف غالباً در محابوده خاصی قابل تعریف است. در این مقیاس سازمان خود را یک جزیره مستقل میداند که با دیگر جزیره های مستقل در جامعه در تماس است و خود را در این منافع مشترک با سازمان های مشابه و در نگاهی دیگر کل سازمان های جامعه نمی داند. سیاری از سازمان های جامعه مدنی در ایران خود را در قاتم یکی از سازمان های "جامعه مدنی" نمی بینند که اتفاقاً ارتباط همبسته ای با دیگر اجرای این جامعه. یعنی نهادهای مدنی - دارد. فردگاری ذاتی ایرانی در سازمان ها نیز قابل مشاهده است. به علاوه اگرچه سازمان های خیریه ای در ایران از قدمت بسیاری برخوردار هستند و اگرچه بسیاری از سازمان ها و نهادهای مدنی مدرن در این سالها پا به عرصه وجود گذاشته اند اما به صورت غالب، درک مشخصی از مفهوم جدید الورود "جامعه مدنی" در میان آنان وجود ندارد. برخی از سازمان های غیردولتی مدرن که در موضوعات جدیدی مانند محیط زیست، حقوق بشر... نیز فعالیت می کنند نسبت به مقایمه این حوزه و الزامات و پیویگی های موجود بیگانه هستند و اتفاقاً نگاه سنتی میان نهادهای مدنی میان آنان نیز به چشم می خورد. در حالی که اگر سازمان های جامعه مدنی را به عنوان یک بخش مستقل در میان حوزه هایی مانند دولت و بخش خصوصی و حتی آزادسازی های بین المللی به حساب آوریم، به نظر می رسد در برخی نقاط و گذرگاه ها مجموعه ای از این دارای سرنوشت مشترکی می شوند که برای دستیابی به شرایط آرمانی در این سرنوشت، همکاری و اتخاذ مواضع مشترک و حتی بسیج عمومی برای دستیابی به اهداف، ضروری به نظر می رسد. فقدان این "حس جمعی مشترک" در میان سازمان های جامعه مدنی، در موقع لازم در برابر تغییراتی که می تواند حتی نحوه فعالیت تک تک آنان را تحت تاثیر خود قرار دهد، نتایج تا اینجا با خود به همراه می آورد. موضوع تغییر و اصلاح قوانین مربوط به ثبت یا فعالیت این سازمان ها و یا اعطای امتیازات و سوسیالهای این های جامعه مدنی می تواند در برخی مراجع از جمله موضوعاتی است که تحت تاثیر فتدان عامل یاد شده، حرکتی درخصوص آن به چشم نمی خورد.

آشنایی با کارکردهای یک نهاد مدنی، درک مفهوم جامعه مدنی و سرنوشت مشترک افراد دریک جامعه اجتماعی، آشنایی با مفاهیمی مانند مسئولیت اجتماعی، مسئولیت

سال گذشته روی جلد اولین شماره داوطلب اختصاص داشت به عکسی از زلزله آوج و بیوین زهره اکه تلفات و خسارات جانی بسیاری به خود اختصاص داده بود. در کنار این عکس شرحی کوتاه آمد که سازمان های جامعه مدنی در اتفاقاتی از این دست، تحرک اندکی دارند یا اصلاً تحرکی ندارند. در آن زمان سازمان ها و تشکل های مددودی توانستند با این رویداد ارتباط برقرار کنند و به کمک رسانی هموطنانم بپردازنند. چندی پس از آن ماجراه تدوین آین نامه فعالیت سازمان های غیردولتی توجهات بسیاری را به خود انگیخت. موضوعی که شاید سرنوشت و سمت و سوی فعالیت این سازمان ها تحت تاثیر قرار خواهد داد. اما این موضوع هم حرکتی را از سوی سازمان های غیردولتی ایجاد نکرد. توزیع اطلاعات در این میان آنچنان با سرعت اندکی انجام می گرفت که انتقال چند و چون ماجرا به سازمان های غیردولتی زمان بسیار زیادی را طلب می کرد.

اگر از عرصه داخلی بگذریم در صحنه بین المللی نیز این سکون و بی تحرکی به چشم می خورد. مهمترین مثالی که در این زمینه می توان اشاره کرد جنگ بین عراق و ایالات متحده آمریکا بود. پیش از آغاز این جنگ هزاران سازمان و تشکل مردمی در سراسر جهان به اشکال مختلفی با ایجاد ائتلاف ها و اتحادهای گروگان و ترتیب دادن برنامه ها و فعالیت های مختلف به محکوم کردن جنگ پرداخته بودند و قبل از آغاز جنگ می کوشیدند از موقع آن جلوگیری کنند و بعد از آغازش نیز تلاش کردند تا از تبعات انسانی آن بکاهند. تحرک سازمان های غیردولتی در سطح جهان آنچنان گسترده بود که در آستانه جنگ مجموعه این تحرکات خردورکان به یک موج جهانی تبدیل شد و حیرت زیادی آفرید.

در این سواما، سازمان های جامعه مدنی ایرانی حتی برخلاف گونه های مشابه شان در ترکیه و پاکستان و هند و بنگلادش در سکوت و بی تفاوتی تامل برانگیری به سر می بردند. در شهریور ماه گذشته در حالی که سایه های جنگ بر روی منطقه افتاده بود و در حالی که خط رانگ در عراق و یا دیگر کشورهای منطقه از احتمال بالایی برخوردار بود در مرماسمی که یکی از سازمان های غیردولتی در تهران به مناسب روز جهانی صلح برگزار کرد بیش از ۴۰ نفر حضور به هم نرسانده بودند. در حالی که میزبان با توجه به وضعیت موجود گمان می کرد با استقبال رایدی مواجه شود. نه در آغاز و نه در پایان جنگ حرکت قابل توجهی از این سازمان های غیردولتی دیده نشد. در یکی از تجمعات محدودی که در تهران با اضافی بیش از ۵۰ سازمان غیردولتی زنان برگزار شدند، تها ۶۷۰ نفر شرکت کردند که اگر تعداد افراد کنگاوه حوالی پارک لاله را از آن کم کنیم به عددی باین ترازیون خواهیم رسید. به وقایع و خدادهای مشابه دیگری نیز می توان اشاره کرد که در آن سازمان های جامعه مدنی ایرانی و اکتشی در حدود و مرزهای مسئولیت اجتماعی یک نهاد مدنی خود بروز نداده اند و با این تفاوتی از کنار موضوعات مختلفی که معمولاً به آنها مربوط می شود گذشته اند.

سوال اساسی که در پس توجه به این مثال ها به وجود می آید این است که چرا نهادهای مدنی ایرانی به موضوعاتی که به سرنوشت مجموعه اشان بر می گردد یا موضوعاتی که انسان ها رایه در و نگرانی و عذاب دچار می کند و اکتشی از خود نشان نمی دهن؟ چرا سازمان ها و نهادهای مدنی غیردولتی ایرانی نمی توانند در سرنوشت خود (مانند موضوع تغییر قوانین مربوط به خود و به عنوان مثال هایی آینین نامه فعالیت) دخالت کنند و با تکیه به مسئولیت اجتماعی و وظفه انسانی از ادامه و یا وقوع برخی حوادث در مقیاس منطقه ای و جهانی جلوگیری کنند؟ ریشه این بی تحرکی چیست؟ افراد، سازمان ها، مجیط اجتماعی، فضای سیاسی و... کدام یک و چه میزان در این جمود و بی تفاوتی نقش دارند؟ آیا جامعه مدنی ایرانی میخواهد سر برلاک خود فرو برد به یک حرکت انزواگرایانه ادامه بدهد یا عواملی وجود دارند که امکان حرکت های رو به جلو را از آنها می ستاند؟

در این نوشانار به اختصار به برخی عواملی که می توانند در شکل گیری چنین گفتمانی در بین سازمان های جامعه مدنی دخیل باشند اشاره می شود:

امدند، راه را بر ماشین‌ها و خیابان‌ها بستند و با رقص و آوازهای ضدجنگ، آن را محکوم کردند.

این ائتلاف با برگزاری تجمع‌های مختلف و انتشار بیانیه از کلیه مردم جهان دعوت کرد و ایجاد کمیته برای مخالفت با جنگ و نژاد پرستی کردند.

این ائتلاف خود را سربازان صلح نامیده‌اند و جنگ را یک جنایت عرفی کرده‌اند. از سازمان‌های حمایت کننده می‌توان، حزب سبز آریزونا، مرکز صلح، انجمن زنان متعدد کلیسا، سازمان حقوق پسر، انجمن صلح و انجمن زنان ضد جنگ را نام برد.

(۴) شبکه «ضد جنگ» متشکل از نهادهای مدنی و فعالان صلح در ژانویه ۲۰۰۳ کار خود را آغاز کرده است. این شبکه که از طرف سازمان‌های غیر دولتی تأمین مالی شود، ۱۰۰ عضو دارد و در آمریکا فعالیت می‌کند.

این شبکه با تشکیل جلسات مختلف، تجمع‌ها و حرکات سمبولیک مانند پوشیدن تی شرت‌های ضد جنگ، رنگ کردن خود، نقاشی، شعار، تأثیر، برگزاری کنسروت و سخنرانی خواستار وجود دموکراسی و خاتمه جنگ در سراسر دنیا شد. این شبکه با هر گونه توسعه، ذخیره و استفاده از سلاح‌های مخرب اعم از شیمیایی، هسته‌ای ... در هر کشوری مخالفت کرده است. آنان می‌گویند «جنگ در همه جای دنیا منوع است». این شبکه تاکید دارد که جرج بوش جنگی را شروع کرده است که موجی از خشم، کینه و نفرت را به دنیا دارد.

انجمن تنظیم خانواده، حزب کارگر، حزب آزادی خواه، حزب سبز، انجمن مسلمانان بریتانیا از اعضای این شبکه هستند.

(۵) تجمع بزرگ ۱/۵ میلیون نفری لندن در ۱۵ فوریه ۲۰۰۲ توسط ائتلاف (جنگ را تمام کنید) (end the war coalition) سازماندهی شده است. این ائتلاف کار خود را با پیش از ۱۴۰ سازمان غیر دولتی و مردمی، از اواسط اکتبر سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است. هدف این ائتلاف اتمام جنگ غیر عادلانه و غیر انسانی علیه مردم عراق است. ترویج اعمال پیش‌رویانه، انتشار بیانیه و نشریه ضد جنگ، برگزاری تجمع بر علیه جنگ عراق از جمله فعالیت‌های این ائتلاف است. شرکت کنندگان در تجمع ۱۵ فوریه، با گذاشتن ماسک بر روی صورت خود و دادن شعار جنگ را محکوم کردند.

بخشی از این ائتلاف را دانش‌آموzan تشکیل داده‌اند. آنان با اعتراض، خواستار اتمام جنگ در عراق شدند. گفته معلمان، این دانش‌آموzan از شرکت در کلاس‌ها سریاز زدند و با شعار و تجمع در جلوی مدارس، به همدردی با همسالان خود در عراق پرداختند و جنگ علیه آنان را محکوم کردند. همچنین این دانش‌آموzan با انتشار بیانیه خواستار ایجاد دموکراسی در سراسر جهان شده‌اند.

برخی از خبرهای این ائتلاف حاکی از آن است که در برخی از کشورهای اروپایی اعضای سازمان‌های غیر دولتی با در دست داشتن نشان خود، در مقابل رستوران‌های آمریکایی تجمع کردند و از ورود مردم به داخل این رستوران‌ها جلوگیری کردند.

سازمان‌های عفو بین‌الملل، حزب زنان آزادی خواه، دانشگاه مری لند و اشنگن، دانشگاه ویرجینیا، دانشگاه بوستن، انجمن صلح و خانواده، انجمن دانش‌آموzan آمریکا، انجمن آمریکایی خواهان عدالت اجتماعی، انجمن شعراء و نویسندهان ... از اعضای این ائتلاف هستند.

است. این ائتلاف که از ماه نوامبر ۲۰۰۲ در انگلیس و آمریکا تشکیل شد، شامل روزنامه نگاران، نویسندهان، هنرپیشگان، (بازیگران hollywood)، اعضای جامعه‌مدنی، احزاب (سوسیالیست، کارگر) و کولا است. اعضای این ائتلاف را ۲۰۰ نفر از فلان اجتماعی تشکیل می‌دهند و اهداف زیر ادبی می‌کنند:

۱- محکوم کردن جنگ ۲- ایجاد کمیته برای مخالفت با جنگ و نژاد پرستی ۳- حمایت از اعضاء و حمایت کنندگان ائتلاف.

اعضا، کشن مرد بی‌گناه را محکوم می‌کنند و خواستار برقراری صلح در دنیا هستند. همچنین منابع مالی از کمک‌های مردمی و کمک‌های سازمان‌های عضو تأمین می‌شود. احزاب نیز نقش مهمی در تأمین منابع مالی این ائتلاف دارند. این ائتلاف همچنین با برگزاری مسابقات رالی و فعالیت‌های مشابه به تأمین منابع مالی خود می‌پردازد. از جمله برنامه‌های انجام شده، اعتراضات سمبولیک با تی شرت‌هایی است

که جمله Stop the war را به همراه دارند. همچنین شرکت کنندگان در این تظاهرات پلاکاردهای سیاه رنگ که روی آن جمله Stop the war نوشته شده بود را نیز به همراه داشتند. این ائتلاف تجمع‌های مختلفی را برگزار کرده است، در آوریل ۲۰۰۳ ۲۵۰ هزار نفر در نیویورک، واشنگن و لندن در حالی به خیابان آمدند که برخی از آنان به صورت نمادین برای نشان دادن تعابات انسانی جنگ روی ویلچر نشسته بودند. از دیگر برنامه‌های این ائتلاف سروdon آهنگ‌های ضد جنگ و پخش پوستر در بین مردم است. همچنین اعضای این ائتلاف با پخش بروشورهای مردم را به تظاهرات علیه جنگ دعوت کرده‌اند و به تحریم مارک‌های آمریکایی پرداخته‌اند.

در بخشی از بیانیه این ائتلاف آمده است: ما مردم آمریکا می‌دانیم که جنگ، کشته شدگان بیشماری را در عراق و آمریکا به دنیا دارد. ما با مردم گرفتار جنگ هم دردی می‌کنیم، زیرا که آنان موافق جنگ نبوده‌اند و فقط قربانی دولت‌های خود شده‌اند.

انجمن برقراری عدالت، انجمن زنان آمریکایی، انجمن مسلمانان آمریکا، انجمن محيط‌زیست، حزب سوسیالیست آمریکا و اتحادیه کودکان خاورمیانه از اعضای این ائتلاف هستند.

(۳) نهادهای مدنی، رهبران مذهبی، فعالان صلح و افرادی معمولی، که ائتلاف «ضد جنگ» (anti-war coalition) را تشکیل می‌دهند، کار خود را از ژانویه ۲۰۰۳ شروع کرده‌اند و می‌گویند «برای متوقف کردن جنگ یک جنبش لازم است، جنبشی آنقدر قوی که تاریخ را دگرگون سازد. بنابراین، برای ایجاد صلح و امنیت برای همنوعان خود تلاش می‌کنیم.» منابع مالی این ائتلاف از کمک‌های مردمی، کمک‌های کلیسا، نهادهای مدنی و سازمان‌های عضو تأمین می‌شود.

این ائتلاف همچنین با فروش کلاه، دامن، تی شرت،

کل سینه و تقویم‌هایی که روی آن عبارت antiwar نوشته شده است، به تأمین منابع مالی و تبلیغ برای حرکت خود دست زده است. این ائتلاف تظاهرات‌هایی را در آمریکا برگزار کرده است. تظاهر کنندگان با در دست داشتن پرچم که روی آن عبارت «صلح» نوشته شده بود به خیابان‌ها

نازلی شیعه اسلامی

ائتلاف برای صلح

با شروع جنگ علیه عراق و با نادیده گرفته شدن قوانین بین المللی و بی توجهی به مصوبات سازمان ملل، صدایی بشر دوستانه از گوش و کنار دنیا برخواست و خواستار توقف جنگ شد. بی اهمیت جلوه دادن اعتراضات، اعلامیه ها و بیانیه ها موجی را ایجاد کرد که در پی آن ائتلافاتی علیه جنگ شکل گرفت.

نقشه مشترک این ائتلاف های ضد جنگ، وفاق، همبستگی و تکیه بر بسیج نیروهای مردمی بود. آنها با این اعتقاد شکل گرفتند که بانیوهای مردمی می توان بر همه دشواری ها فانق شد. این ائتلاف ها می گویند با شرایط امروز، درگیر مشکلات فراوانی هستیم و این شرایط بسیار دشوار است. ما وظیفه داریم که شرایط را درک کنیم و به کمک مردم بی پناه بنشاییم.

(۱) یکی از این ائتلاف ها، ائتلاف «به جنگ نه بگوییم» (No war coalition) است که فعالیت های ضد جنگ مختلفی را در اروپا و آمریکا سامان داده است.

این ائتلاف آمریکایی که فعالیت خود را از ماه نوامبر ۲۰۰۲ آغاز کرده شامل ۳۷ گروه از گروه های مردمی، تشکل های غیر دولتی و احزاب (بیویژه حزب کارگر) است: ائتلاف «به جنگ نه بگوییم» با شعار «جنگ زشت و برخلاف قوانین بین المللی است» به بسیج نیروهای مردمی پرداخته است. همچنین این ائتلاف در سایت های مختلف اینترنتی از کالیه افراد و سازمان ها دعوت به ابراز نفرت خود از جنگ کرده است.

از برنامه های این ائتلاف می توان برگزاری حدود بیش از ۱۰۰ نشست و تظاهرات را نام برد. اعضای ائتلاف معتقدند که بودجه موجود باید صرف ایجاد شغل، امنیت، سلامتی، ایجاد مدرسه و حمایت از کودکان و نیازهای مردم شود و نباید صرف جنگ شود. زنان عضو این ائتلاف با انتشار بیانیه جنگ را محکوم کرده اند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «ما تمامی مادرها، زنان و خواهرهایی هستیم که خود را مسئول زندگی نسل بعد می دانیم. ما خواهان ایجاد صلح در سراسر دنیا هستیم و برای آن تلاش می کنیم.»

این ائتلاف عمده منابع مالی خود را از کمک های مردمی تأمین می کند و همچنین از افراد برای شرکت در تظاهرات ثبت نام کرده و پول جمع آوری نماید.

این ائتلاف در تظاهرات خود از پلاکاردهایی استفاده کرده است که روی آن «به جنگ بگوییم نه (No war)» به چشم می خورد.

پلاکاردي که به کرات توسط شبکه های تلویزیونی نشان داده شده است، پخش کلیپ به منظور محکوم کردن جنگ و خواستار شدن توقف آن از دیگر اقدامات اعضا این ائتلاف است. در میان سازمان های حمایت کننده این ائتلاف نام انجمن شهروندان کانادا، انجمن محیط زیست کانادا، انجمن دانش آموزان کالیفرنیا، حزب کمونیست کانادا، حزب کارگر، حزب سوسیالیست، انجمن نویسنده کان ضد جنگ به چشم می خورد.

بیانیه های این ائتلاف در سایت های ۱) www.vote nowar.org ۲) www.code pink.org ۳) www.ips dc.org

منتشر شده است.

(۲) از دیگر ائتلاف های تشکیل شده، ائتلاف «جنگ را متوقف کنید» (stop the war coalition)

مفاهیم غیر سیاسی، داولطلبانه و غیر انتفاعی در سازمان های غیر دولتی

افشین فرهانچی | جبهه سبز همدان

۱- اگر اساسنامه NGOs را مطالعه کرده باشید در همه آنها جمله تکراری را خواهید دید؛ سازمان های غیر دولتی موسساتی غیر انتفاعی و غیر سیاسی می باشند؛ اما در مورد اینکه واژه غیر سیاسی به چه معنایست؛ اختلاف نظر های زیادی وجود دارد. واژه سیاست را یونانی ها علم حکومت بر شهر معرفت کردند. ولی امروزه مفهوم اساسی سیاست راقدرت دست داند و در تعریفی می گویند علم سیاست نظام تجربی مطالعه چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهیم شدن در آن است.

در عرف امروز رفتار های سیاسی؛ رفتار هایی هستند که در جهت حفظ با کسب قدرت سیاسی؛ ما رفتارهای سیاسی را فشارهایی می دانیم که از طریق آنها توانیم در سلسه مراتب قدرت جایگاهی برای خود بیاییم، پس است هر اتصاحب کنیم و با ابزارهای قدرت دست به اقداماتی بزنیم، بحث در باب قدرت اندکی پیچیده است؛ چرا که می توان قدرت را در هر جایی جست. جو کردوبرا آن مفاهیم متعدد مادی را معنوی تعریف نمود. در اینجا بحث مادرت حکومتی یا قدرت اداره مملکت است. فلاند اگر خلاصه طرح نماییم؛ سیاست یعنی دستیابی به قدرت حکومتی و رفتار سیاسی؛ رفتاری است که منجر به کسب این قدرت خاص می گردد. پس می توان مفهوم غیر سیاسی را اینکونه تعریف نمود؛ رفتار غیر سیاسی رفتاری است در حوزه اجتماع و فرهنگ که در جهت کسب قدرت حکومتی نیست بلکه احترام و فرهنگی و اجتماعی را دنبال می کند. در این نوع رفتار شما از تمام ابزارهای اجتماعی و فرهنگی بهره می گیرد تا اندیشه و ایده خود را گسترش داده و ترویج کنید. به این ترتیب در بین رفتار سیاسی و غیر سیاسی در ابزارهای بکار گرفته شده تفاوتی نیست بلکه هدف به کار گیری از این ابزارهای متفاوت را ایجاد می نماید. با توجه به این قطبه ابزارهای ظاهر اساسی و در اعماق اجتماعی نظر بینهایه، بهای پیامی، تجمع، بولتن، پلاکارد و نظایر این اگر در جهت کسب قدرت نباشدند می توانند بعنوان ابزارهای در جهت تغییر فرهنگ و اجتماعی بکار بروند. از این رو و با توجه به این تعاریف NGOs می توانند از تمام ابزارهای اجتماعی، فرهنگی در جهت اهداف خود بپرند، بدون آنکه نگران آنگ سیاسی خوردن باشند و با دوری جستن از شرکت در کسب قدرت غیر سیاسی بودن خود را ثابت کنند.

نکته مهم دیگری در این میان وجود دارد و آن تفاوت بین رفتار سیاسی اعضاء با مجموعه حقوق NGO است. طبق قانون اعضا NGO اجازه دارند رفتار های سیاسی داشته باشند و در جهت کسب قدرت تلاش می کنند ولی اجازه ندارند از شخصیت حقوقی NGO در جهت کسب این هدف استفاده نمایند. بر اساس این تعریف می توان حد فاصل احزاب و NGOs را نیز مشخص نمود. احزاب گروهایی هستند که با برنامه های مشخص و پیگیر تلاش می نمایند در سلسه مراتب قدرت برای خود جایی بیاند و از طریق مجاری قدرت حکومتی ها، اهداف و نظرات خود را تحقق بخشنند. و از این رو است که خیلی احزاب در مقاطعه انتخاباتی فعال شده و رخ می نمایند. در حالیکه برای NGO کسب قدرت معنوی و تاثیرگذاری اجتماعی مطرح است و نه کسب کرسی های قدرت حکومتی.

۲- تفاوت عمده یک شرکت با NGO در دو بحث اصلی قابل خلاصه کردن است؛ یک بحث کار داولطلبانه و دیگری بحث غیر انتفاعی بودن. داولطلبانه بودن NGOs به این معنی است که اعضاء بدون چشمداشت مادی کار می کنند و در ازای خدمات خود، پولی دریافت نمی کنند. در این حالت ساختار متکی به کار اساس لذت با عقیده اعضاء است. فعلیت داولطلبانه در خیلی از امور جواب مثبت داده است و امروز بعنوان یک پدیده فرآگیر و موثر شناخته می شود. ولی همواره این بحث وجود دارد که آیا تمام امور یک NGO با کار داولطلبانه و حق عضویت امکان می باشد. همه می دانیم در NGOs اموری وجود دارد که برای تحقق آنها نیاز به کار موظف و بودجه ثابت می باشد و لازم است منابعی غیر از حق عضویت و اعانت برای آن اختصاص یابد و این منجر به گرفتن پروژه های در آمد زا توسط NGOs می شود، بدین ترتیب NGOs با داشتن نیروهای موظف و گرفتن پروژه های مختلف در آمد زا خود را به ساختار شرکت ها نهادنیک می کنند و عملکردی شرکتی می بینند. حال واقعاً حد فاصل یک شرکت و یک NGO کجاست؟ با توجه به اینکه در خیلی از مواقع شرکت و شبیه به هم مشیوند بهتر است یک طبق را در نظر گرفت که در یک سر آن NGO کلاسیک یا مطلق وجود دارد و در سر دیگر شرکت کلاسیک یا مطلق. NGO مطلق تماماً با نیروهای داولطلب و بودجه های اهدایی کار می کند و شرکت مطلق کاملاً با نیروهای موظف و پروژه های در آمد زا. بهترین حالت تفکیک NGO و شرکت در این طیف آن است که NGO را سازمانی بدانیم که در آن بیش از ۵۰ درصد کارها داولطلبانه صورت می گیرد و حد اقل ۵۰٪ بودجه از طریق اعضا و حامیان تامین می شود.

بدین طریق می توانیم شرکت ها را از NGOs مجزا کنیم. و نیز NGOs با توجه به جایگاهشان بر روی این طیف قضاوت نماییم. به عنوان مثال سازمانی که ۸۰٪ اقداماتش را داولطلبانه صورت می دهد بیشتر از سازمانی که ۶۰٪ اقداماتش داولطلبانه است خصوصیات NGO ای دارد. بدین وسیله می توان به شفاف شدن وضعیت NGOs کمک نمود.

جوان کمک کند.

- بیشتر جوان های مسلمان نام های نمایندگان مجلسیان و اشخاص سیاسی شان را می دانند. زمانی که «دین ابوت» در ناظه هرات معرفی شد، یک گروه زنان جوان با غرور نام اورا فریاد زدند.

- خیابان های براد فور، برہنیگام و شرق لندن [که معمولاً خیابان های نامنی است] از زمان آغاز جنگ، در آرامش بوده است. بنظر نمی آید این آرامش ناشی از بی عاطفگی و یا کتابه گیری در جنگ حتی الواقع آمده باشد. بلکه احتمالاً بیشتر با یک تغییر در جامعه بریتانیایی همراه است. آیا با وجود

خشونت های جنگ مامی توانیم نقطه امیدوار کننده ای درباره آن بیاییم؟

- یک همه مه جدید در میان مسلمان های بریتانیایی به گوش می خورد. صدایی برای انتقام سخت یا شعار برخاسته از تغیر وجود ندارد حتی در میان گروه های جوانان. در عرض این خشم به جنیش و سیعی از بریتانیایی هایی که با این جنگ مخالفت می کنند، هدایت شده و مسلمانان بریتانیایی با احترام و اعتناد در این جنبش هنوز به هم می رسانند. ما دوباره هم دیگر را می بیاییم، پسیح می شویم و با این نگاه، تعهد جمعی مان نسبت به یک سرنوشت مشترک افزایش پیدا می کند.

- کجای دیگر خبر در این راهپیمایی های صلح می توان این پر پرده های عرب را یافت که میان همان های بنا نهادن همانگ با نوای این نوازندگان آثارشیست تکان می خورد و یا مادران بنگلادشی با روسی های سنتی بازو انشان را با زنان انگلیسی گره زده اند؟

اینجاست که اقشار مختلفی از جمله هزاران هزار بریتانیایی عادی، اعضای اتحادیه های صنفی، دانشجویان، اساتید، هنرمندان موسیقی - جوان، پیر، زن، مرد و بچه شرکت دارند. اینجا همه با هم با شور و هیجان برای آرمانی مشترک متحدونند.

- ما اگر چه توانسته ایم این جنگ را متوقف کنیم اما جنگ دیگری را بربره ایم، جنیش ضد جنگ باعث یکپارچگی و جذب و تحلیل بیشتر در اقلیت مذهبی و بومی شده است.

- جوانان مسلمان حساس - بجز آنهایی که یکبار در شورش های الدهام شرکت کردند. ابرؤی هایشان را با یک فرم دیگری به خیابان های آورند. من شخصی را در پارک الدهام ملاقات کردم، مثل خیلی های دیگر، او نیز برای او لین بار در این اعتراضات شرکت کرده بود. دیروز او به من گفت که یک نصف روز سوار اتوبوس بوده تا در یکی از تظاهرات مشهور ضد جنگ لندن حضور داشته باشد. مجبور شدم تا او را بیشتر راهنمایی کنم تا حداقل برای یک روز هم که شده بفهمد که بدینینی بسیار رایج و این راهپیمایی خیلی از خود را به این اندیشه که او می تواند تغییری در اجتماع ایجاد کند، داده است.

- مسلمانان که، همواره در حاشیه و در حال منزوی شدن بودند اکنون بخشی از جریانات اصلی حوادث در جامعه اند. فلسطین و عراق چیزی بیشتر از مشکلات مسلمانان هستند و این مسئله مردم بریتانیا را مقاعدگر کرده است که بیشتر با مسلمان ها همراه باشند. این جنبش است که در ایجاد ارتباط بین مردمان محلی اینجا و همه مردمان جهان ریشه دارد. فقر و محرومیت همواره به یک جهان نا آرام می انجامد. همه ما بطور مستقیم تأثیر بی عالی جهانی را بر بی عالی محلی می بینیم.

- صدایمان سر انجام شنیده خواهد شد و صدای همشهری هایمان هم در اینجا و هم در خارج برای عدالت خواهی چند برابر خواهد شد. بنابراین اگر چه این جنگ احمقانه پایان خواهد گرفت، اما جامعه مدنی، به یکی از تلفات جنگ بدل خواهد شد. بلکه جوانه خواهد زد و رشد خواهد کرد. ما اطمینان داریم.

چگونه جنگ برای مسلمانان امید آورده است

فارنیا آمن - آبزرور انگلستان

متوجه: هانیه الیکایی

با تماشا کردن صحنه‌های اولیه بغداد، من، از پیامدهای این حمله سخت اینجا، در بریتانیا احساس ترس کردم. اضطراب و دلوایسی زیادی در دنیای اسلام وجود دارد. در میان آنان خشم بسیاری نیز دیده می‌شود. در مدت ۱۸ ماه بعد از ۱۱ سپتامبر، جوان‌های ما احساس کردند آنها باید بیشتر درباره جنگ خشمگین باشند.

دلیل مخالفت، افسردگی‌های آنها را می‌فهمم.

- آیا صحبت از این «ترس و وحشت» و این حملات هوایی - هیبت مردانه جوانان سالم ما را شناسه گرفته است؟ شجاعت بر اذهان محاکم شده است. به عنوان یک زن مسلمان، من از این همه خشونت مردانه متذکر هستم. چه تعداد جوان‌های تندر و تازه نفس از میان این همه انسان‌های ددمدی مراز بیرون می‌آید که زندگی خود را روی تبعه نظامیگری می‌بازند؟

- اما شاید من اشتباه کرده باشم. چرا که مسلمانان خود را به دیگر گروه‌ها نزدیک می‌کنند و احساس دنیای اسلام انعکاس قوی تری پیدا می‌کنند. در تظاهرات‌های ضد جنگ احساس فراوانی از امید وجود داشت. مسلمان‌های بریتانیایی یک بار دیگر بصورت برجسته‌ای خود را در میان دهها هزار نفر نشان دادند، اعتماد به نفس صلح را به ارمغان می‌آورد.

- یک جوان از من پرسید که آیا رایین کوک در تظاهرات صحبت می‌کنند؟ من تردید دارم که آیا او تا دو هفته قبل رایین کوک را می‌شناخته. اماس التیکریتی از انجمن مسلمانان بریتانیایی به من گفت که بسیاری از مردم نیز همین سوال را پرسیده بودند. او گفت: کوک‌هایی که یک قهرمان است، این موضوع غیر عادی است که جوانان مسلمان کششی نسبت به سیاستمدار بریتانیایی داشته باشند. این یک تغییر آشکار است. او احساس می‌کرد که این مستله می‌تواند به جاری ساختن حس بریتانیایی در میان مسلمان‌های

جنگ تاثیرات محربی بر روی ساختارهای اجتماعی می‌گذارد و پیوندهای مختلفی را از هم می‌گسلد. ویرانگری جنگ به حوزه خاصی از جامعه بر نمی‌گردد. بلکه تمام بخش‌ها را تحت تاثیر خود قرار میدهد. جنگ و خشونت البته در برخی مواقع به نوعی منجر به تقویت همبستگی اجتماعی می‌شود و خود حتی به بنادرن یا استحکام پیوندهای نادیده‌ای می‌انجامد. این پیوندها در میان گروه‌های مختلف مردمی می‌تواند به ایجاد حرکات موثری درجهت اهداف انسانی بینجامد. گروه‌های محلی و سازمان‌های غیردولتی در چنین موقعی از بهترین محل برای نهادینه کردن پیاده‌ارسازی این ارتباطات و پیوندهای متاثر از جنگ می‌باشد. آنچه در زیر می‌آید به همین منظور برای درج در داوطلب مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله یک زن مسلمان انگلیسی از تحولاتی که به واسطه حادثه جنگ در میان گروه‌های مختلف مردمی در این کشور رخ می‌دهد سخن می‌گوید و جامعه مدنی را در برقراری پیوندهای عاطفی و عقلانی از یک سو و علقه‌های فرآگیر انسانی از سوی دیگر تحقیق می‌کند. اگر چه وقتی این مقاله خوانده می‌شود ماهها از جنگ گذشته است؛ اما رویکردادصلی مورد توجه قرار گرفته در انتشار این نوشته، تغییرات به وجود آمده در اثر وقایعی است که افراد مختلف از سراسر جهان پیرامون آن به نوعی داغدغه ای فرآگیر پیدا می‌کنند. این داغدغه فرآگیر می‌تواند از فقر کودکان اتوبویی تا خشونت علیه زنان در مندوستان و کودک آزاری در کشورمان شود. یا هر موضع دیگری که پس از خواندن این نوشته می‌تواند در ذهن شما نقش بینند. به هر حال هر گونه تجربه‌ای که به نحوی جامعه مدنی بتواند در پرتو آن به نهادینه سازی و تقویت خود اقدام کنند برای فعلان جامعه مدنی ایرانی خالی از لطف نخواهد بود.

مرحومت فرموده مارا مس کنید

اندر مصائب و مشتقات انجام
یک کار خیر داوطلبانه

دکتر حسن محتمشی

فرض کنید شما و گروهی از دوستان و خویشاوندان در صدد هستید یک کار خیر و داوطلبانه انجام دید. مثلاً می خواهید برای کودکان و روستاهای کردستان کتابخانه بسازید یا تصمیم گرفته اید که جنگل زیبای نور در استان گلستان را به هر ترتیبی که ممکن است از زیاله ها پاک کنید و از قطع درختان آن جلو گیری کنید یا می خواهید در فلاں نقطه محروم استان هرمزگان، درمانگاهی بسازید که بیماران را به رایگان درمان کنید یا در صدید برای زنان سرپرست خانوار منطقه اسلامشهر، شغلی آبرومند و درآمدزا دست و پا کنید یا....

اما خواسته شما و همراهانتان کافی نیست. این تازه اول عشق است، اضطراب ممکن. در اولین گام با این مساله اساسی روپرتو می شوید که رسمیت ندارید، یعنی تادفتری و دستکی و سربرگ و مهر و امضای نداشته باشید، کسی شما را تحویل نمی گیرد. پس تصمیم می گیرید که یک موسسه عام المنفعه، خیریه، سازمان غیردولتی و یا مشابه اینها تاسیس کنید و از اینجا دوران مصائب و مشقات شما آغاز می شود.

تا قبل از ۱۳۸۲ یک روند اداری پیچیده و عریض و طویل و تاخذودی مبهم برای تاسیس، ثبت و شروع به کار یک موسسه عام المنفعه وجود داشت. گرچه آن روند در مععرض اعتراضات فراوانی قرار داشت، اما به هر حال جاری و ساری بود و دیر یازود و از این مسیر با آن مسیر، مجوزهایی برای فعالیت داوطلبانه صادر می شد. اما از ابتدای سال ۱۳۸۲ دولت که رئیسی همواره منادی مشارکت بیشتر مردم در امور اجرایی و تصمیم سازی ها بوده است، آینین نامه ای را تصویب و لازم الاجرا کرد که نه تنها تقاض روند های قبلي در آن همچنان مشهود است، بلکه مراحل و ضوابط جدیدی هم در آن افزوده شده اند که بی سابقه بوده و کار را پیچیده تر و مشکل تر می کند. آینین نامه مذکور، تمام مراحل قبلی ثبت و تاسیس را حفظ نموده و مراحل متعدد دیگری را هم بر آن افزوده است، به نحوی که شما و دوستانتان را در هزارتوی نظام بورکارسی و کاغذ بازی گرفتار خواهد کرد. اما آینین نامه با این هم بسته نکرده است و حتی پس از ثبت و تاسیس نیز یقه شما و موسسه تازه تاسیس تان را رهانی کند و با مکانیسم های نظارتی شداد، غلاظت، پیچیده و مبهم، شما و دوستانتان را در هزارتوی نظام مختلف نظارتی و محل موسسه، در رفت و آمد نگاه می دارد. به راستی چرا باید انجام کار داوطلبانه و خیر اینقدر سخت باشد؟ مگر شما و دوستانتان چه می خواهید بکنید که اینقدر وقت و انرژی شما مصروف کاغذ بازی و طی کردن روند های اداری شود؟ چند نفر ممکن است در ابتدای میانه این راه خسته شوند و عطا کار خیر را به تقاضا بخواهند؟ تکلیف آن کوکدان را روستایی کردستان و جنگل نور و بیماران مستمند و زنان سرپرست خانوار اسلامشهری چه می شود؟ ممکن است با خود نجوا کنید که اصلاً بگذرید خود دولت به اینها رسیدگی کند. حالا که انجام این کارهای خیر و داوطلبانه و مشارکت مردم در امور اینقدر سخت است، بگذرید خودشان همت کنند و گره از مشکلات این چنینی باز کنند.

اما راقم این سطوط بر این عقیده است که شما، که عاشق هستید و نیت کار خیر کرده اید، همچنان بر اجرای نیت خود اصرار خواهید ورزید و علی رغم تمام مشکلات موجود بر سر راه ثبت، تاسیس و فعالیت موسسه عام المنفعه شما، پایمده و صبوری خواهید کرد تا به مقصد خود برسید. سالیان دراز است که خیرین و داوطلبان در این کشور چنین کرده و خواهند کرد. اما ای کاش مسئولین دولتی نیز قادری کارها را تسهیل می کردند. ای کاش کارشناسانی که این قوانین و آینین نامه هارا می نویسند هم به شما و هم به کوکدان روستاهای کردستان و جنگل نور و فکر کنند و هم به آینده دولت و بار تصدی گری آن در همه امور. انشا....

اصلاح قانون و در اینجا نیز منظور از اصلاح قانون اصلاح ماده ۵۸۵ قانون تجارت می باشد و همچنین قانون یاد شده معتبر و مرجع وضع آینین نامه نیز وزارت عدالت یا دادگستری فعلی می باشد. ب) نظر به اینکه اصلاح مقررات مذکور در آینین نامه نیز در حکم وضع ممان مقررات و اعلام اراده جدید مقتن در مورد خاص می باشد به ناچار مرجع ذیصلاح آن همان مرجعی خواهد بود که ابتدا اختیار وضع یا تصویب مقررات اصلی را دارد و سایر مراجع اصولاً نمی توانند رای امر دخالتی نمایند. بدین ترتیب شورای عالی اداری نمی تواند مصوبه ای مغایر آینین نامه بی که با تشریفات قانونی لازم وضع گردیده نخواهد بود. قانون حاکم بر شورای عالی اداری در زمان وضع مصوبه مورد شکایت قانون بروز دوم توسعه اقتصادی ساخته ای مصوبه ۱۳۷۳ بهود است. به موجب بند (ب) از تبصره ۳۱ قانون مذکور اقدام شواری عالی اداری مبنی بر وضع مصوبه ای که در مقام اصلاح آینین نامه برآمده در قالب هیچ یک از وظایف احصا شده در بند (ب) تبصره اشاره شده قرار نمی گیرد زیرا چنین امری نه از موارد اصلاح ساختاری است و نه از موارد واگذاری وظایف امور دستگاههای اجرایی به بخش غیر دولتی و نه اینکه از موارد حذف موارد موازی مشابه و تکراری. چرا که ناجا به موجب قانون مبادرت به صدور مجوز و تعین صلاحیت مقاضیان ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری می نموده و هیچ دستگاه و نهاد دولتی دیگری برای چنین امری در موزات نیروی انتظامی قرار نداشته تا شورای عالی اداری اختیار داشته باشد نسبت به حذف وظیفه این نیرو اقدام نماید که به همین دلیل مصوبه شورای مذکور فاقد وجاهت قانونی توجیه حقوقی می باشد. مدیر کل دفتر حقوقی سازمان مدیریت و برنامه ریزی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۴۰۲/۶۴۲۵۵ مورخ ۱۳۸۱/۹/۱۵ اعلام داشته اند: ۱- با توجه به اختیارات مصرح در بند (ب) تبصره ۳۱ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اختیار شورای عالی اداری در اصلاح و تصویب روشهای اساسی و فرآیند اختصاصی مشترک و عمومی مورد عمل در دستگاهی اجرایی کشور از آنجا که روش صدور مجوز برای تشکلهای باد شده از مصادق روشهای مشترک بین دستگاهی می باشند، لذا شورای عالی اداری بر اساس مصوبه مورده شکایت مجاز به اصلاح روش بوده است. ۲- وظایف و مسئولیت هایی که در قوانین مربوط برای نیروی انتظامی پیش بینی شده به قوت خود باقی است و مصوبه شورای عالی اداری در مسئولیت های مذکور خلیلی مذکور خلیلی وارد نمی سازد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۸/۹/۱۰ به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوي و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

رأی هیات عمومی

به صراحت ماده ۵۸۵ قانونی تجارت تصویب آینین نامه مربوط به تعین شرایط موسسات و تشکیلات غیر تجاری مقرر در ماده ۵۸۴ آن قانون به وزارت دادگستری محول شده است و بر اساس مجوز قانونی فوق الذکر آینین نامه ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری به تصویب آن رسیده و شرایط برای ثبت موسسات و تشکیلات مذکور و مدارک لازم و مجوزهای صادره از مراجع ذیصلاح در این خصوص تبیین گردیده است: بنا به جهات فوق الذکر و اینکه صلاحیت تصویب تقاضا نامه مذکور و تغییرات و اصلاحات آن به حکم قانون به وزارت دادگستری تفویض شده است و وظایف قانونی شورای عالی اداری مضمون وضع قاعده امره در این باب نمی باشد، مصوبه شورای مزبور تحت عنوان طرح نحوه صدور مجوز تأسیس تشکلهای غیر دولتی خارج از حدود اختیارات قانونی آن شورا تشخیص داده می شود و مستندابه قسمت دوم ماده ۲۵ دیوان عدالت اداری ابطال می گردد. رئیس هیات عمومی دیوان عدالت اداری دری نجف آبادی



ذرهین

ابهام در مرجع ثبت سازمان‌های غیر دولتی

اداره کل قوانین و امور حقوقی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران پیرامون مصوبه شماره ۱۴/۴۵۵ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۷ شورای عالی اداری راجع به اصلاح آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری راجع به اصلاح آین نامه اصلاحی مصوب ۱۳۳۷ به هیات عمومی دیوان عدالت اداری شکایت کرد هیات عمومی پس از بررسی مصوبه رای به ابطال آن صادر نمود. متن کامل حکم بشرح ذیل می‌باشد:

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری.

شاكى: مدیر کل قوانین و امور حقوقی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه به شماره ۱۴/۴۵۵ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۷ شورای عالی اداری راجع به اصلاح آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷.

مقدمه: شاكى طی شکایت نامه تقدیمی اعلام داشته است، ۱- به منظور ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت. آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری تحریکی در سال ۱۳۳۷ به حکم ماده یاد شده به وزیر ماده ۵۸۵ قانون تجارت توسط وزارت دادگستری وضع گردیده است. ۲- بند ۶ از ماده آین نامه در مقام تعیین مدارک و شرایط لازم تاسیس و ثبت تشکیلات و موسسات موصوف مقرر می‌دارد. یک نسخه اجازه نامه حاصل از شهریانی در صورتی که موضوع ثبت طبق مدلول ردیف الف از ماده ۲ آین نامه باشد و بند الف از ماده ۲ نیز مقرر می‌دارد.

«موسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای نباشد...»^۴- پر حسب نص صریح قانونی و اختیارات حاصله به منظور ثبت و به عبارتی تشکیل موسسات مذکور در بند الف ماده ۲ آین نامه مورد بحث بند ۶ ماده ۶ اجازه نامه شهریانی را لازم و ضروری دانسته است. لیکن وزارت کشور با همکاری سازمان امور اداری در هشتاد و ششمین جلسه شورای عالی اداری ملی مصوبه شماره ۱۴/۴۵۵ مورخ ۱۳۷۸/۱۷ مبادرت به اصلاح آین نامه یاد شده نموده و وظایف و اختیارات پیش‌بینی شده این نیرو در بند ۶ آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷ را از این نیرو سلب و طی بند ۳ مصوبه صدر الاشارة تایید صلاحیت عمومی مقاضیان تاسیس موضوع بند ۶- ماده ۶۶ را به عنده استاندارها قرار داده است که این امر از یک سو مغایر قانون و مقررات حاکم بر ناجا که در واقع تعیین کننده وظایف ذاتی این نیرو است می‌باشد. از لحاظ مغایرت مصوبه مورد بحث با اصل قانون (ماده ۵۸۵ قانون تجارت) اولاً، ماده ۵۸۵ ماده ۱۳۳۷ قانون تجارت که به عنوان مبنای قانونی وضع آین نامه مورد بحث مرتع و وضع آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری را وزارت دادگستری (عدلیه سابق) تعیین نموده است و در این راستا وزارت عالیه نیز در سال ۱۳۳۷ مبادرت به اصلاح و وضع آن نموده است نتیجه این نص قانونی آن است که الف- از آنجایی که قانون مرتع تصویب و وضع آین نامه را تعیین نموده است نمی‌توان برخلاف قانون وضع آین نامه را به مرتع دیگری احالة نمود، مگر با

در فرضی که بین مقررات یک قانون با مقررت یک آئین نامه اختلاف و تعارض وجود داشته باشد، حکم قانون بر حکم آئین نامه حاکم است. بنابراین اهمیت اصل سلسله مراتب قوانین است که در کشورهای مختلف معمولاً نهادی پیش‌بینی و مقرر می‌گردد که در مساله تعارض آئین نامه با قانون قضاؤت نماید و در صورتیکه تشخیص دهد آئین نامه‌ای مغایر قانون است، آن را ابطال کند. در نظام حقوقی ایران نیز دیوان عدالت اداری برای این مهم بوجود آمده است هرچند متاسفانه در موضوع بحث ما، به صراحت مشخص است که این دیوان در تعارض حکم آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری با قانون احزاب، بجای پاسداری از قانون، به تادیده‌گرفتن قانون و ترجیح آئین نامه در آن پرداخته است!

را لازم می‌دانست باید اینگونه مقرر می‌کرد که احزاب و انجمن‌ها بعد از تصویب پروانه‌شان توسط کمیسیون ماده ۱۰ و امضای آن توسط وزیر کشور، «می‌باشد در دفتر مخصوص در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت بررسی و آنگاه در روزنامه رسمی منتشر گردد. بر اساس آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری و رویه عملی اداره ثبت شرکت‌ها، مرحله «ثبت شرکت‌ها و موسسات در دفتر مخصوص»، قبل از مرحله انتشار آن در روزنامه رسمی است. لذا دوباره ملاحظه می‌شود که حتی اداره ثبت شرکت‌ها نیز صلاحیتی در امر بررسی پرونده و صدور پروانه برای احزاب و انجمن‌ها ندارد چه رسید به نیروی انتظامی که برخلاف اداره ثبت شرکت‌ها، صلاحیتی «فرعی» در این مخصوص دارد. به عنوان مطلبی هرچند نامربوط با موضوع اصلی این نوشته، باید افزود که اداره ثبت شرکت‌ها می‌تواند برای رعایت نظم و ترتیب در آموزش، احزاب و انجمن‌ها را در دفتر مخصوص شیوه نماید. این اختیار به معنای آن نیست که این اداره صلاحیت بررسی پرونده حزب و انجمن را داشته باشد، بلکه این اداره فقط و فقط مشخصات حزب یا انجمن یا در آن دفتر ثبت می‌کند و بیشتر از این اختیار ندارد.

بحث بالا روشن ساخت که: قانون احزاب حکم خاصی را برای «نحوه تقدیم درخواست صدور پروانه برای فعالیت حزب یا انجمن»، «نحوه و نهاد صالح در بررسی پرونده و صدور پروانه»، «نهاد صالح برای امضای پروانه صادره»، «چگونگی شخصیت حقوقی یافتن حزب یا انجمن»، «نحوه انتشار اساسنامه و مرامنه» مقرر داشته است.

لذا مقررات قانون احزاب با مواد مذکور از قانون تجارت و آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری در تعارض می‌باشد؛ اما اصول حقوقی زیر اثبات می‌کنند که در این اختلاف، قانون احزاب بر مواد مذکور از قانون تجارت و آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری حاکم است:

- ۱- «قانون مؤخر التصویب» حاکم است بر «قانون مقدم التصویب». در فرض اختلاف بین دو قانون، قانونی که بعد از آن قانون دیگر تصویب شده است، حاکم است. قانون احزاب در سال ۱۳۶۰ تصویب شده است حال آنکه مواد مذکور از قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ تصویب شده‌اند و آئین نامه مذکور نیز در سال ۱۳۳۷، لذا در موارد تعارض، این قانون احزاب است که به عنوان آخرین اراده ابراز شده قانونگذار در موضوع مورد بحث، ناسخ قوانین و مقررات پیشین است که با آن مغایرند. قانونگذار در سال ۱۳۱۱ و در قالب ماده ۵۸۵ قانون تجارت مقرر داشته است که شرایط ثبت موسسات و تشکیلات غیرتجاری بهموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. ولی همین قانونگذار در سال ۱۳۶۰ و با تصویب قانون احزاب، این حکم پیشین خود را تقضی می‌کند و «احزاب و انجمن‌ها» را مشمول حکمی دیگر می‌نماید.

- ۲- «قانون خاص»، «مخصص» «قانون عام» است. به این معنا که مواد مربوطه از قانون تجارت و نیز آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری، حاوی «حکم عام» در مورد «موسسات و شرکت‌های غیرتجاری» می‌باشند و حال آنکه قانون احزاب، اختصاصاً به عده‌ای خاص از این موسسات و شرکت‌های غیرتجاری - یعنی «احزاب و انجمن‌ها» - پرداخته و در مورد آنها «حکم خاص» مقرر داشته است. این به معنای آن است که آن «حکم عام» حاکم خواهد ماند بر تمام موسسات و شرکت‌های غیرتجاری «به استثنای آنها» که - احزاب و انجمن‌ها - مورد حکم خاص قرار گرفته‌اند. یعنی آنکه مواد مربوطه از قانون تجارت و آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری بر تمام موسسات و شرکت‌های غیرتجاری اعمال می‌گردد بجز احزاب و انجمن‌ها که مورد حکم خاص [قانون احزاب] قرار گرفته‌اند. در واقع فلسفه ایجادی قانون خاص این است که بنا به جهات و مصالح موضوعی را از شمول حکم عام خارج کند و مشمول حکمی خاص گرداند.

پادآوری می‌شود که قانون احزاب نسبت به مقررات قانون تجارت و آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری، خاص در برابر عام است زیرا موضوعی که در مواد مربوطه از قانون تجارت و این آئین نامه آمده است، «حکم عام» در مورد موسسات و تشکیلات غیرتجاری می‌باشد حال آنکه موضوع قانون احزاب، فقط و صرفاً و اختصاصاً [احزاب و انجمن‌ها] است که جزوی از آن کل بوده و در برابر آن عام، خاص می‌باشند.

- ۳- اصل سلسله مراتب قوانین و قواعد حکم می‌کند که قانون برتر از آئین نامه است.

نتیجه‌گیری و خلاصه استدلالات بالا:

قانون احزاب، با مقررات خود، آئین ثبت و صدور پروانه و رسمیت یافتن احزاب و انجمن‌ها را مشمول مقررات خاص مندرج در این قانون نموده است و لذا این حکم خاص است که احزاب و انجمن‌ها از شمول مواد مربوطه قانون تجارت و آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری خارج گردد. علاوه بر این، چون قانون احزاب این، از آنجا که قانون احزاب بعد از قانون تجارت و آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری تصویب شده است، لذا در وارد تعارض بین آنها، قانون احزاب به عنوان آخرین اراده ابراز شده از سوی قانونگذار، پاسخ تمام اراده‌های ابرازشده پیشین (قوانین، آئین نامه‌ها...) است. علاوه بر این، چون قانون احزاب «قانون» است، بر آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری که آئین نامه است، برتری و حکومت دارد.

لذا نحوه ثبت و صدور پروانه برای احزاب و انجمن‌ها بر اساس قانون احزاب انجام می‌گیرد و نه بر اساس آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری. در نتیجه، آنچه باید اجرا شود، قانون احزاب و آئین نامه‌های آن است و احزاب هستند و اداره ثبت شرکت‌ها و نیروی انتظامی هیچگونه صلاحیتی در صدور اجازه‌نامه و یا بررسی این پرونده‌ها ندارند.

رأی دیوان عدالت اداری از حیث عدم تفکیک مورد خاص «احزاب و انجمن‌ها» از حکم عام «تشکیلات و موسسات غیرتجاری»، با موازنی متعدد حقوقی فوق الذکر مغایرت دارد. البته به نظر می‌رسد که این رای نمی‌تواند مشکل آفرین باشد زیرا این رای فقط «مصطفیه شورای عالی اداری» را ابطال نموده است و به هیچ وجه دخالتی در آئین نامه‌های قانون احزاب ننموده است و لذا صدور پروانه تشکل‌های غیردولتی که در تعاریف مندرج در قانون احزاب می‌گنجند («حزب»، «انجمن»، «جمعیت»، «اتحادیه صنفی»...) از طریق کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب انجام می‌گیرد.

بر اساس اصول حقوقی و ضوابط قانونی فوق الذکر، و برخلاف رای مخدوش دیوان عدالت اداری، تشکل‌های غیردولتی که در تعاریف مندرج در قانون احزاب می‌گنجند («حزب»، «انجمن»، «جمعیت»، «اتحادیه صنفی»...) مشمول آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری نمی‌باشند بلکه مشمول قانون احزاب‌اند.

البته در کنار این ایراد مهم رأی دیوان، باید اذعان نمود که استدلال دیوان دال بر اینکه شورای عالی اداری حق اصلاح آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری را ندارد، درست است. اقدام شورای عالی اداری در اصلاح این آئین نامه، قابل انقاد است زیرا اولاً بنا بر استدلالات فوق اساساً این آئین نامه ربطی به احزاب و انجمن‌ها ندارد و ثانیاً صلاحیت اصلاح آن از آن قوه قضائیه است.

همانگونه که آمد، این قانون احزاب و آئین نامه‌های آن هستند که حاکم بر سازمان‌های غیردولتی می‌باشند و هیأت و وزیران یا وزارت کشور می‌توانند این آئین نامه‌ها را اصلاح نمایند و یا با وضع آئین نامه‌ای دیگر در خصوص قانون احزاب، مسائل و جزیئات مربوطه صدور مجوز برای تشکل‌های غیردولتی را مقرر دارند.

برای محکمتر کردن مبنای امر، البته بهتر است که مسائل مربوط به انجمن‌های غیردولتی به موجب «قانون» مقرر گردد.

نقد رای دیوان عدالت اداری در

خصوص سازمان‌های غیردولتی

www.hoghoogh.com

نصرت‌ا... حاجی‌پور دانشجوی حقوق - فرائسه

تشکل‌های غیردولتی که نیز مشمول تعریف «حزب»، «انجمن»، «جمعیت»، «اتحادیه‌های صنفی» و...، مدرج در قانون احزاب‌اند، مشمول قانون احزاب می‌باشدند و نه آینین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری. قانون احزاب، مقررات خاصی را در مورد چگونگی رسمیت یافتن احزاب و انجمن‌ها مقررداشته است که به اختصار از این قرار است:

ماده ۸ قانون احزاب: «به وزارت کشور اجازه داده می‌شود با رعایت این قانون نسبت به ثبت گروه‌ها [منظور احزاب و انجمن‌های است] و صدور پروانه برای آنها اقدام نماید». پرونده‌مریبوط به صدور پروانه بوسیله وزارت کشور به کمیسیون ماده ۱۰ این قانون معروف به «کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب» [احاله می‌شود و پس از تصویب کمیسیون، ظرف ۱۰ روز پروانه گروه‌ها با امضا وزیر کشور صادر خواهد شد (ماده ۹). اساسنامه و مرآت‌نامه گروه‌ها پس از صدور پروانه باید در روزنامه رسمی چاپ و منتشر گردد (ماده ۱۱).

بنابراین، مقررات قانون احزاب، آین خاصی را برای ثبت و صدور پروانه احزاب و انجمن‌ها مقرر داشته است و بدین ترتیب آنها را از شمول مقررات عام آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری مستثنی نموده و مشمول حکم خاص خویش نموده است.

برخلاف آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری، قانون احزاب‌هیچگونه صلاحیت و جایگاهی به اداره ثبت شرکت‌ها و نیروی انتظامی برای بررسی‌مدارک و محتویات پرونده ثبت احزاب و انجمن‌ها نداده است و چرخه ثبت و رسمیت یافتن یک حزب یا انجمن به موجب قانون احزاب، چنین است:

تقديم درخواست صدور پروانه برای حزب یا انجمن، از سوی متقاضی به وزارت کشور، حاله پرونده مریبوط از سوی وزارت کشور به کمیسیون ماده ۱۰، بررسی و تصویب پروانه توسط کمیسیون امضا پروانه صادره توسط وزیر کشور چاپ و انتشار اساسنامه و مرآت‌نامه حزب یا انجمن در روزنامه رسمی.

بنابراین نقشی که در آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری از آن نیروی انتظامی [در آن زمان: شهریاری] و اداره ثبت شرکت‌ها است، در قانون احزاب به کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و نیز وزارت کشور داده شده است و دیگر اداره ثبت شرکت‌ها و نیروی انتظامی صلاحیتی در امر بررسی پرونده ثبت احزاب و انجمن‌ها و صدور پروانه [الاجازه‌نامه] برای اخذ آن ندارند.

بنابراین نظر به اینکه قانون احزاب صراحتاً مرجعی «خاص» و «انحصاری» (کمیسیون ماده ۱۰) را برای امر بررسی و صدور پرونده احزاب و انجمن‌ها مقرر داشته است، لذا هیچ مرجع دیگری صلاحیت ورود در این مقوله را ندارد. جالب توجه این است که قانون احزاب مشتمل بر «احزاب»، «جمعیت‌ها»، «انجمن‌ها»، «سازمان‌های سیاسی» و «مثال آنها» (ماده ۱ قانون احزاب) و «انجمن‌ها»، «جمعیت‌ها» و «اتحادیه‌های صنفی» و «مثال آنها» (ماده ۲) و «انجمن‌های اسلامی» و ادواری، آموزشی، صنفی، صنعتی و یا کشاورزی (ماده ۳) و «انجمن‌های اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی» (ماده ۴) است.

این احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌ها، با آنکه همگی جزء «تشکیلات و موسسات غیرتجاری» محسوب می‌شوند ولی قانونگذار با تصویب قانونی احزاب، آنها را به خاطر ماهیتشان، از قلمرو شمول آین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری خارج نموده و مشمول مقررات خاص مندرج در خود قانون احزاب نموده است.





tion and progress, and cultural monuments, traditions and sites), right to peace, right to humanitarian disaster relief and right to development.

What are the main and distinctive rights that are to be specifically addressed in the framework of an information society? Although, it should be noted every right in one way or another are to be protected in an information society, freedom of speech and opinion, equal access to information, right to privacy are the main three important rights that shape the whole set of communication rights (or the right to communicate) in the framework of an information society that is based on the modern technologies of information and communications. From one point of view, the right to communicate should be regarded as part of the third generation of rights, since it is in nature a solidarity right that enhances the ideal of human rights and strengthens the social, cultural and economic lives of people in societies and communities. It also assists the other rights can be realized. From the other part, it has an essence of liberty in itself that relates it with the set of rights in the first generation. At least, part of the right to communicate, i.e. freedom of speech is a fundamental right of human beings and in this context it should be considered as a right belonging to the first generation of rights. The right to privacy that has also been mentioned in Article 12 of the Universal Declaration of Human Rights is a main part of the communication rights, since the privacy of individuals in cyberspace should be protected against any interference.

It is so difficult to categorize the communication rights among one of the three generations, due to nature of these rights that are to be realized to an extent in an electronic environment in cyberspace, and to some extent, outside the internet, but completely connected to the issues (technological aspects). The information revolution is changing the world, and it seems the context of society where these rights of communication are to be realized is totally different with the context where the other three generations or the rights were born.

If in the first generation, the notion of "liberty" plays a major role, if in the second generation of the rights, the notion of "equality" is significant and in the third generation of the rights, the notion of a "collective rights" is important, here in communication rights, not only there are the three notions together, but also one should add the "communicative" notion that is so unique. It seems that we need to categorize it as "the fourth generation of the rights". One new aspect of the right to communicate is the negative use of cyberspace or abuse of the right to communicate. Not only states but also peoples everywhere in the world are facing and will face new challenges as a result of the information revolution. This means that the existing rights and duties are not addressing or will not address all violations or possible misuse or abuse of information or information mechanisms, or information and communication technologies and therefore there is an urgent need for a collection of rights and duties to shape a good governance in the information society. That is exactly what I mean by the communication rights as the fourth generation of the rights.

Human rights to information is not an encompassing right, and therefore, the right to communicate must be studied, shaped, structured and realized as an extension of these rights.

Another aspect of the right to communicate is the issue of language within an information society. It is a fact that control over someone's language has become one of the primary means of exerting power over other aspects of people's life. At the end of the 20th century the world's languages are disappearing faster than ever before in human

history. It seems there should be a collective responsibility towards keeping the languages (a right that can be discussed within the third generation), however it finds very modern aspects within the framework of the information society.

Right to networking is another main issue that can be discussed within an information society and in the framework of the communication rights. This is also a new phenomenon. Networks with their horizontal structures, that facilitate the flow of information within themselves, as Fukuyama states "the direct exchange of information through a flat, networked structure that are facilitated by advancing information technology today provides an important efficiency advantage for organizations that can create the right structures". It is a basic right of individuals, organizations and groups. Somehow, this human right of networking is similar to the right of association and assembly, but this is just a simple similarity.

Another significant aspect of the communication rights is related to the people with disabilities that should be provided with therapy and training that they can be able to communicate freely, and therefore right to education is of great importance.

Article 19 of the Universal Declaration of Human Rights refers to the freedom of speech and opinion. In fact, this right has been the focus of the freedom of information. The right to freedom of expression - which is fundamental for democracy and the enjoyment of virtually all other rights - applies as much to the Internet as to the more traditional forms of media - press, radio and television. However, this right, like any other, is not absolute. A look at the "hate" language used in certain websites in internet opens another aspect of "communication rights".

The access to information should be equitable and effective. Some have raised the issue of universal access. The concept of universal access has a long history, it is linked to the idea of telephone access. It means in few words that everyone should have access to a telephone within a reasonable distance, at a reasonable price.

The concept of universal service is established as a norm in telecommunication legislation in many countries such as the USA, South Africa, Ireland. Could this concept of universal access be extended to the Internet? It means that we can discuss the issue of the access once from the technological point of view (within the right to development), and once from the equitable and equal access to information.

Conclusion

A look into the various and modern aspects of the right to communicate obliges the legal experts and human rights non-governmental organizations to study and analyze this significant human rights of communications within an information society. It seems that these sets of rights can be raised up in a new framework that can be called as the fourth generation of the rights. This is can be possible through establishing a legal mechanism within the framework of the United Nations and with full participation of legal experts from all countries and major stakeholders (preferably within the competency of the United Nations Commission on Human Rights). The World Summit for the Information Society is a good opportunity to create the framework of activities for drafting the rights to communicate that include norms, enforcement procedures, and implementation mechanisms.

However we should not forget that as human rights are interrelated and indivisible, we can not study them in a separate system. The rights must be studied as a whole that affect on each other and are realized when all human rights are regarded as a whole.

(The present paper is a summary of a research paper on the issue. For the complete text, contact the Center or visit the English section of the website www.irancos.net.





oppose war. "There is a kind of elitism among certain Iranian NGOs and they are apparently unable to mobilize people. They are deprived of direct relationship with people and there are few NGOs in Iran which are representative of people from low or even middle class". Shadi Sadr reiterated, and said: "NGOs do not have the necessary means for establishing relationship with people; also they do not have access to radio and TV or other kinds of media facilities. So Iran NGOs are able to attract only limited persons that couldn't be called as 'mobilizing of masses'.

Fatemeh Ashrafi also believed that Iranian NGOs are just at the stage of establishing trust in society. In order to pass this stage they are required to present reports of their efficient activities and encourage voluntary activities. The approach of 'establishing trust' would not be institutionalized in Iran NGOs, unless they could reach some achievements in mobilizing.

Behdokht Roshdiah referred to a very delicate point in this regard. She said: "In many countries, artists, athletes and well-known persons join in such a movement and their honorary membership in NGOs have a magnificent role in mobilizing public views. But because in Iran all actions depends on getting license from government and there is a political seal for everything, such persons are not interested in taking part civil activities. Facing with these kinds of obstacles, Iranian social activists could not encourage these famous people to join them.

Clear and transparent informing system and using communication technologies such as internet are among those factors that are helpful in mobilizing public views through promoting a set of humanitarian and human rights norms and values in the international community beyond the governments' considerations. Harmonized move of NGOs in other countries, protest against Iraq war and supporting peace, proved the solidarity of human societies and their attention to global concerns. While in Iran unfortunately there are not any serious reactions to global events, and NGOs only care about internal issues.

Behdokht Roshdiah believed that holding informative meetings and discussing about global developments are of the best means to familiarize Iranian NGOs about global concerns and happenings.

Establishing communication networks at national, regional and international levels, formulating an action plan with participation of other countries' non-governmental organizations and implementing them, were some of Roshdiah's suggestions to realize the existing capabilities of Iranian NGO sector.

As the last point, Shadi Sadr said: "It is not expected that something may happen from outside of NGO community in Iran that they can become successful NGOs. They should themselves find a solution and feel that they are part of the world community and therefore should have global concerns." She added, "There are few independent and powerful NGOs are in Iran that are sensitive to global issues such as environment and women and children rights.

The way Iranian civil society deals with international issues, needs more study and more attention by the activists. In this report, we tried to open up a debate on peace and discuss the issue with certain NGOs experts and members of these organizations, to emphasize on global concerns and humanitarian goals.

Human Rights within an Information Society: From Exclusion to Inclusion

Communication Rights

By: Saeid N. Neshat
(saeidneshat@yahoo.com)

As the Information Society becomes a reality with the expansion of ICTs and electronic communications are unavoidable necessities for human life not only at local level but also at global level, the importance of a comprehensive study of human rights within information society is felt. This issue can be studied in two ways: once the use of ICTs in the realm of human rights is studied that specifies various profits of internet as a means of networking, information dissemination, promoting democratic participation, monitoring, easier access to international human rights organizations or even as a grassroots weapon of democracy.

The second approach is to study human rights within the framework of an information society and raise issues concerning rights of an individual within the information society, or collective rights of people within such society or in one term, the communication rights of individuals and groups.

As generally defined, rights belong to an individual as a consequence of being human. They refer to a wide continuum of values that are universal in character and in some sense equally claimed for all human beings. It was the French jurist, Karel Vasak, who first illustrated the notion of the "three generations of human rights" that can be regarded as a way for categorizing the wide spectrum of human rights. The first generation refers to civil and political rights comprising of right to life, liberty, and the security of the person, freedom of residence and movement, to asylum from persecution, freedom from racial and similar forms of discrimination, freedom of opinion and its expression, freedom of peaceful association and assembly, freedom from slavery or involuntary servitude, freedom from arbitrary detention, arrest or exile, the right to a public and fair trial, freedom from torture and other forms of cruel, degrading, or inhumane punishment or treatment, freedom from interference in correspondence and privacy, freedom of conscience, thought, and religion, and the right to directly or indirectly participate in government, the right not to be deprived of one's property arbitrarily, the right to own property, etc. The main notion of the first generation of the rights is liberty (freedom) that protects human beings against any political or civil abuse or misuse of power. In fact, liberty is the common claim of the individuals versus any power or authority that limits their freedom.

The second generation of the rights are social, cultural and economic rights, such as the right to work, and to be protected against unemployment, the right to social security, the right to leisure and to rest, the right to education, the right to a standard of living adequate for the well-being and health of self and family, and the right to the protection of one's literary, artistic and scientific production. Most of these rights shape the notion of "social equality". In fact, the second generation of rights is a series of claims to equality.

The third generation of rights is composed of the solidarity rights, the right to political, economic, social and cultural self-determination, the right to social and economic development, the right to participate in and benefit from the common heritage of mankind (such as shared Earth-space resources, scientific, technical, and some other informa-



ONE



**A Cold Reaction by the Iranian NGOs to the
Global Peace Movement:**

a Debate

By: Maryam Hosseinkhah

In recent month NGOs were the main organizers of anti-war demonstrations in many countries. While everywhere people witnessed rallies with thousands or sometimes with millions marchers that were held by peace supporters social activists, Iran NGOs opted impartiality and silence. They didn't show any serious reaction to the war was taking place in the neighboring country Iraq, only women's NGOs organized a limited insignificant gathering; most of Iran NGOs ignored the gathering and at all one can say that there wasn't any remarkable protest to the war and no invitation to peace from Iran civil society.

Here you will read some of Iran NGOs activists' view points about the subject. They clarified some reasons on Iranian civil institutions' unwillingness to take part in global anti-war movement and their weakness in mobilizing people for humanitarian activities.

Fateme Ashrafie from the Association of Homeless Women and Children was asked of NGOs' role in establishing and promoting peace. She said "NGOs are essential elements in peace-demanding process in the world. The trainings of NGOs all over the world are about participation, volunteerism, empowerment, and thousands of other instructions for social and collective life that all in all can shape the draft charter of peace-demanding for humanity. Based on these teachings and instructions, NGOs are able to determine concepts of peace-demanding and peace-loving".

Fostering peace culture, teaching peaceful solutions for disputes, encouraging culture of dialogue and tolerance and recognizing cultural and religious diversity, may be some of roles to be played by NGOs in protecting peace.

According to the head of the Iranian Association for Protection of Women's Human Rights, Shahindokht Molaverdi, NGOs can institutionalize the culture of peace through empowerment of individuals



BIG



and organizations for participation in the process of moving from violence culture to peace by creating a change in attitudes and behaviours.

Although this policy is one of effective and important ways to preserve and expanding peace, it needs much practice and sustainability, and its impact can be viewed in long term. Long before Iraq war, NGOs active in peace activities, based on their previous experience and by applying various mechanisms used through years of struggle for peace, could be able to draw the world public attention to negative consequences of war and encourage them to come into streets to protest war. However Iranian NGOs paid little attention to the peace. In Iran, the total number of NGOs that consider peace promotion as one of their most important are less than 10. "In Iran peace is not seen as an urgent and actual need for society. With regard to different and excessive cost paid facing lots of difficulties for getting license to work officially, Iranian NGOs have to deal with the subjects that are not considered luxury and unessential. The NGOs should focus on people's problems." she said.

Director of the Roshdiah Institute, Behdokht Roshdiah viewed the subject from another perspective. "In Iranian culture, 'peace' is a political concept and is applied against conflict and riot, and in one way or another, this is only the government that can intervene in such activities. Therefore, the NGOs are not interested or avoid entering such field of work not to be accused of doing politics or the government regards their activities as intervening in its affairs."

Silence of civil society in Iran on peace and its apathy toward the war against Iraq without joining the global peace movement, was a subject that posed a number of questions from inside and outside. Journalist and researcher of NGO issues in Iran, Shadi Sadr, believes that one of the important reasons for Iran passivity is that they are influenced

by the existing situation in the society. "Activists in Iranian NGOs are members of the society and do know it that anti-war slogans will not bring social acceptability" she said. Referring to the result of polls carried out by some Persian internet sites, Sadr said that many of respondents agreed with the war in Iraq. "It seems that issues of relationship of Iraq, Saddam and US military actions in that country with Iran's Internal affairs are the most significant reason for unacceptability of peace slogans even among Iranian intellectuals," she said. "On one hand, social despise to Iraq's regime and particularly Saddam Hussein in other countries is not as deeply as it is in Iran and on the other hand deadlock of reformist movement in Iran calls for the minimum desire to impress on external changes and establishing more rationality in facing with internal challenges regarding public demands".

Behdokht Roshdiah also pointed to some other reasons about the unwillingness among Iranian people and NGOs to oppose Iraq war and enumerated them as burdensome of rules to obtain license for demonstration, lack of clear and transparent information system and weak accessibility of people and non-governmental organizations to internet. She emphasized on another significant reason: Iran-Iraq war and then continued to say: "In addition to the above reasons we should remember that a long time has not passed since the end of our eight-year war with Iraq and we should not expect that Iranian people have forgotten it yet and they may follow the same reaction of the people in the world to protest the US invasion to Iraq. Yes, people in Iran had a different experience about Iraq and could not forget it very soon."

Shahindokht Mollaverdi also referred to Iran's government significant role in harmonizing and implementing peace activities and considered it as another reason for inactiveness of Iranian NGOs within the global peace movement. She emphasized on other points such as NGOs are new entities in Iran, and the fact that the NGOs in Iran are not aware about their potential role and position in international relations.

The recent reason seems to be a reasonable justification for Iranian NGOs weakness in mobilizing people for humanitarian objectives program such as peace. It was clear in the only organized anti-war program held by Iranian NGOs. Just some days before Iranian new year, some fifty women NGOs called for an anti-war rally in front of the UN office in Tehran but only hundred participated, most of them were foreign students and resident Iraqis in Iran. Choosing a bad time (being only some days before the new year), inefficient advertising, weak organization of the work and lack of agreement among NGOs for declaring a rally announcement, were some of reasons to the cold welcome of this call. Something was clear in this action: inability of NGOs in mobilizing people to defend peace and

Regional Civil Society Forum on the Information Society
for the Middle East, West and Central Asia
Iran, Kish Island, 26-28 August 2003

A Step Ahead

Introduction

The United Nations has decided to hold an international main event, entitled World Summit on the Information Society (WSIS) in December 2003 at Geneva. The process has been started long before in 1999, by the approval of United Nations General Assembly and International Telecommunication Union resolution.

Three Preparatory Committees and five regional conferences have been planned to integrate the international views and to prepare the basis documents for the WSIS. All of the regional conferences and two Prep-Coms have been held and all outcomes and documents are available. (<http://www.itu.int/wsis>).

The main objective to have these events are to collect the outcomes of a wide variety of inputs, including previous meetings, existing action plans of the various partners involved and inputs from Prep-Coms. Regional conferences and various thematic and experts meeting will be organized to consider specific subjects. Regional conferences will be held to address the specific concerns, needs and priorities of the various regions.

The prep-com 2 shows that the presence from an important part of the world (Middle East and the Western Asia) was very weak. As most of the conflicts of the world is in this region and the civil society is very busy in resolving these issues or very much engaged in post conflict resolution or humanitarian aid.

Unfortunately these circumstances are due to an ignorance of many other important international issues such as information society or human rights.

The Prep-Com 2 has proved this argument. Fortunately, the Iranian Civil Society Organizations Resource Center was as the only civil society participant from that region and showed its interest and with a lot of efforts was appointed as the Civil Society Focal Point for the Western Asia and Middle East for the interim period. The main task is to ensure the message and concerns of this part of the world will be reflected at the main Summit and to facilitate the civil society organizations to participate in Prep-Com 3 and the Summit.

To reach this goal and to identify and harmonize the concerns of this region to be submitted to the Prep-Com 3 and the Summit and also the governmental and inter-governmental bodies, a regional forum is needed.

A similar conference has been held in Lebanon, but many of the region countries have not been attended, as the conference was focused on Arab region, the western Asia Region is much wider and more diverse than Arab world itself.

The forum will be held by the Iranian Civil Society Organizations Resource Center with the participation of the civil society organizations in Iran at Kish Island from 26-28 August 2003.

Objectives

The objectives of the forum will be to inform all civil society stockholders on the process and outcomes of previous conferences, to harmonize and collect all views and concerns of these stockholders regarding the plan of action and draft declaration of the WSIS, and to evaluate and review the ICT status of WA region and to prepare a civil society regional action plan and a declaration on WSIS objectives and ICT in the region.

Who can participate?

All the civil society organizations (community-based organizations, non-governmental organizations, intellectuals and academicians, trade unions, media,...) from the below-mentioned countries are invited to attend: Afghanistan, Armenia, Azerbaijan, Bahrain, Georgia, India, Iran, Iraq, Jordan, Kazakhstan, Kuwait, Kyrgyzstan, Lebanon, Oman, Pakistan, Palestinian authority, Qatar, Saudi Arabia, Syria, Tajikistan, Turkey, Turkmenistan, Uzbekistan, United Arab Emirates, Uzbekistan, and Yemen.

Program:

Day One: Introduction, registration and opening session, shaping of working groups

Day Two: panels and working groups

Day Three: morning Panels and working groups, wrap-up and closing ceremony.

Working groups

Nine working groups have been shaped based on the deliberations of the first and second Prep Com in Geneva. The titles of the working groups are: Sustainable Development and ICT, Human Rights, Democracy, Access to Information, Security, Language and cultural diversity, capacity building, women and gender issues, youth and ICT. If you would like to attend at this event, do not forget to register for the working groups either by clicking on the related icon or by going to the related page from the menu.

Registration

All interested NGOs can fill up the on-line registration form in the related website (<http://wsis.irancsos.net>) as soon as possible.



Monitoring and Follow Up

The forum bureau will invite 2 representatives from the CSB and ITU secretariat to attend the conference and prepare a report on the progresses and outcomes, they will also act as conferences liaisons to the main event regarding the feedback and administrating tasks.

Sponsors

The forum will be held by the Iranian Civil Society Organizations Resource Center and the organizers are looking for possible sponsors. Herewith, we invite those interested to support this event of the civil society by sending email to wsis@irancsos.net.

Summary deport of the Meeting to Review the achievements of WSIS Prep Com2

Role of Civil Society

In a meeting held by the Iranian Civil Society Organizations Resource Center in Tehran, the achievements of the WSIS Prep Com 2 were reported. The Iranian Civil Society Organizations Resource center was the only civil society body which attended the Regional Conference for the WSIS (Japan, 13-15 January 2003), and the Prep Com 2 that was held in Switzerland, 17-28 February 2003. A number of representatives of the non-governmental organizations and civil society organizations attended at this meeting that was held on 8 March 2003 at the Municipality NGO Center in Tehran. A report of this meeting has been submitted to the participants of the meeting proceedings and they were informed about the follow up mechanisms. Dr Razzaghi, the director of the ICSORC, while explaining that a digital divide is emerging due to the development of the Information Society, said that this divide is affecting all the walks of life in all levels (regional, national and even at grass roots levels) and it seems that this divide is more dangerous than the development gap and other existing gaps. He said that if in the past a country was powerful due to having financial resources of the world at its disposal, today the main criteria for being powerful is to own the communications networks. A new world order is shaping and therefore, the existing laws and regulations can not be effective as before. The formation of the Information society is a turning point of the mankind history.

Dr Razzaghi emphasized on the role of civil society and said that the CSOs can play a vital role in adjusting the new relations and regulations within the Information Society.

Also, he explained about the Prep Com 2 and especially pointed to the role of the Iranian Civil Society Organizations Resource Center as the Civil Society focal point for the Middle East and the West Asia. He said that ICSORC has to be able to contact the civil society organizations in the beginning, and to invite them to be actively involved in the process of the world Summit for the Information Society. Dr Razzaghi referred to the other duties of the focal point as the establishment of a secretariat, a website in different languages, and holding of a regional meeting in Tehran.



Dr Sohrab Razzaghi

Iranian Civil Society and Hibernation

1. When states could not stop the USA war machine against Iraq in international level such in the Security Council, etc..., millions of people came into streets to protest war and violence, and shaped a large anti-war movement. The global peace movement was active using various tools and methods as well as civil disobedience and mobilizing groups and social forces in protesting war.

The global anti-war movement had certain characteristics which makes it different with the previous peace movements of twentieth century.

First of all, it was a comprehensive movement. It could mobilize, in a short time, millions of people in various social groups everywhere in the world and organize the civil disobedience and shape the world pro-peace coalition.

Secondly, it was a volunteer self-initiated movement. This was not a movement organized by political groups. None of the political groups could attract the movement to itself. The main leaders of the movement were pro-peace groups, non-governmental organizations and civil society that all in all played a major role in people mobilization.

Thirdly, it was a non-ideological movement with humanistic goal. That's why it could mobilize various social groups in a very short time. Contrary to peace movements of 60s and 70s, it was not based on a polar system. Moreover, it was a movement that was looking for non-ideological, non-violence and human objectives.

And at last, women and young people played a major role in the movement. They had an extensive presence in demonstrations and marches. The women and young people came together to protest war since they were concerned about the war consequences and considered war an element of destruction of human and material resources. That's why they put aside political apathy and entered into the movement to play an effective role and organize such great disobedience.

2. Although the anti-war movement used up all its energy and resources to protest against war-mongers but could not stop war machine of USA and her allies. If we look at the issue through this perspective, we may conclude that the peace movement has been abortive but if we want to study the effects of the peace movement, then we should change such perspective and look positively at the main achievement of the movement, i.e. the delegitimation of USA war against Iraq. This anti-war initiative broke the coalition, and the USA and its allies started the war without the permission of the Security Council.

This event caused the movement to gain a golden opportunity to organize itself in theoretical level and in practice to use all the existing facilities and tools to reach its long-term goals and mobilize social forces.

The global peace movement in such extensive dimensions caused the war-mongers to pay more for the war and created more obstacles in their future military



interventions. However, the movement had not enough power to impede Bush administration in its military action, it could make his pro-war administration to know that public opinion will not be with them in such violent activities and therefore, it should look for other ways to guarantee being re-elected in 2004.

3- There is one main question: why could not the peace movement stop the war?

The main item on the agenda of the peace movement was to shape a civil disobedience that was completely implemented before and during the war against Iraq. This experience proved that the movement should be conservative in encouraging such disobedience. Although such disobedience is ethically legitimate and strategically necessary against an illegal act, it does not mean that it can be the most effective and best strategy at the present time. Certain analysts believe that civil disobedience under certain circumstances may cause separation of supporters and leaders of the movement.

The movement had not a clear and transparent message and this was the second weakness of the movement. A movement can not transfer a complex and long message and relates all the issues to a topic such as a peace. Therefore, it is necessary for the movement to have an obvious message, even if it intends to attract the people at both national and international levels. A clear and short message is a must for a movement.

The movement was solely shaped to protest war and this was its third weakness. It should have a platform for all periods, and more important the movement should deal with all the non-violence solutions and approaches. It should put aside the differences, bridge the existing divide and plan a long term strategy and mobilize itself through training and education of people and awareness campaigns, and at last, organize a more extensive popular resistance against war-mongers.

The next point is that the global peace movement could not act as a media. The mass media are in the hands of certain oligarchy that works in interests of war-mongers. The present peace movement must use alternative media to gain its goals. Although certain pro peace activists used internet, they should not solely think to internet and find other solutions since not all peoples all over the world have access to internet and computer. Therefore, it is necessary to use even various more traditional tools and methods such as issuing announcements and leaflets and distributing them.

The most important weakness of the peace movement was that it did focus all its endeavours on stopping the war against Iraq. That's why when the war started and finished, it had not any program to implement. It would be better for the movement to have an agenda for all periods (before, during and after the war), and maybe, does not let the USA and its allies change Iraq into a colony. The leaders of the peace movement should not forget Iraqi people like Afghan people. However, it seems that the global peace movement has finished its work and is now in its "silence" period.

4. In a time when in all parts of the world, millions are marching against war and violence, in our country, the civil society organizations and groups were in their hibernation time . No action. Even they were not monitoring the situation.

It is long time that Iran's civil society and non-governmental organizations are very weak exactly when the ghost of war is roaming in the region. They have no plan or program to act in this field, although the public mobilization against war and war-mongers could give them a golden opportunity to join the global peace movement. If states can not understand each other or do not have relations with each other easily, the civil society organizations can establish relations with each other, to understand each other while there is not any element that can damage such relation. In this situation, the Iranian civil society should change itself totally so as to play a more effective role in domestic and international developments. We should not forget that a weak civil society can not promote democracy, can not facilitate the democratization process and establish peace in the society. It seems that the most important strategy of the social activists is to formulate a series of actions to pass from a weak civil society to a strong



civil society. This needs theory and knowledge and creation of necessary grounds and infrastructure for a civil action in this regard. It should reemerge from its hibernation.

Volunteer Actors Newsletter

Managing Editor: Sohrab Razzaghi

Editor: Omid Memarian

English Editor: Saeid N. Neshat

Board of Editor:

Maryam Hosseinkhah, Afsaneh Rahmati,
Nazli Sheikh-ol-eslami,

Partners: Mohammad Hakimi, Masoud Mokhtari, Farzaneh Haftani, Meissa Golabi, Hasan Bananej

Graphic Design and Layout : Mehrdad Naraghi

Address of Center: 3rd floor, 17 Mansour Str.,
Motahari Ave., Tehran ,Iran

Tel & Fax: +98 21 855 56 84

Email:Info@irancsos.net

Website:http://www.irancsos.net

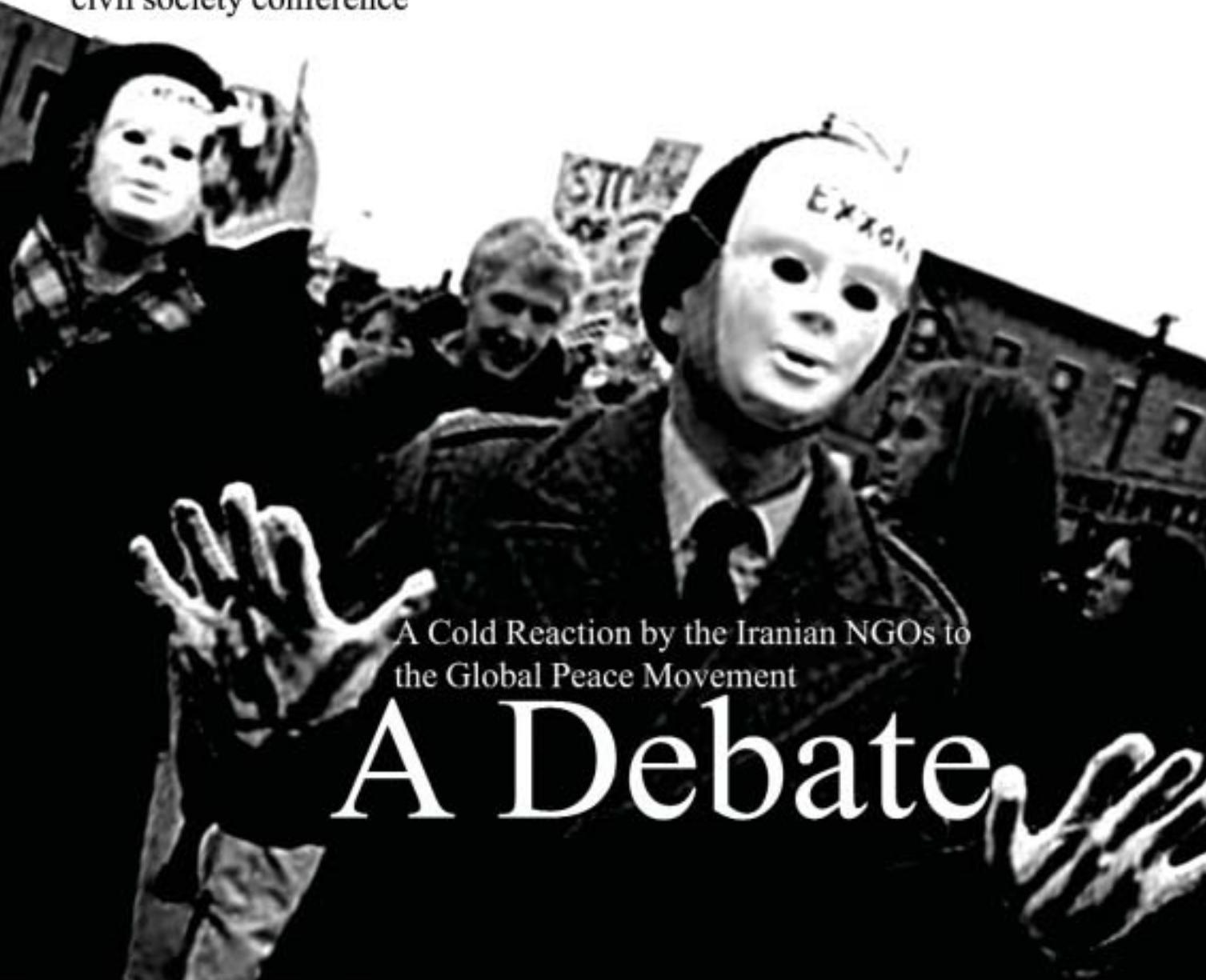
Volunteer

Actors

Iranian CSOs Training & Studies Center

April-May. 2003 No.11,12

- Iranian Civil Society and Hibernation
- Communication Rights
- Kish Island hosts a regional civil society conference



A Cold Reaction by the Iranian NGOs to
the Global Peace Movement

A Debate